حوضهٔ مسیله

بین قوسهای جنوبی البرز درشرق تهران و ارتفاعات آتشفشانی خرقان وساوه و تفرش درجنوب‌غربی پایتخت، منطقهٔ بزرگی است به‌شکل مثلث که قاعدهٔ‌آن‌درشرق کوههای‌طبس تا کوههای سبزوار ودوضلع دیگرآن‌را ازیک طرف کوههای تفرش و کاشان و کوههای انارك وجندق، وازطرفی‌دیگر ارتفاعات جنوبی البرز وسمنان و کوههای ته‌رود تا سبزوار، تشکیل‌می دهد. این منطقه‌را دشت کویرمی‌نامند. یک ضلع این مثلث درجهت شمال غربی به جنوب شرقی وضلع دیگرآن درجهت‌جنوب غربی به‌شمال شرقی است. جهت‌شمال‌غربی به‌جنوب‌شرقی مربوط به‌چین‌خوردگیهای مغرب و مرکزایران و جهت جنوب غربی به شمال شرقی مربوط به چین‌های البرزشرقی تا کوههای خراسان است. حوضه های داخل این مثلث‌توسط ارتفاعاتی ازهم جدا می‌شوند که درمرکز، ارتفاعات خور وجندق و درمغرب ارتفاعات دوازده امام و سیاه کوه وسفیدآب و کوشك کوه واقع شده وبین‌آنها چاله‌ها وحوضه‌هایی قرار دارند . حوضهٔ مسیله درمغرب وحوضهٔ دشت کویر درمشرق است.

حوضهٔ مسیله که مورد بحث است ازسایر حوضه ها مشخص‌تر وبه‌صورت چهارضلعی در جهت شمال غربی به‌جنوب شرقی قرارگرفته که چال‌ترین جای‌آن درجنوب شرقی، دریای‌نمك یادریای مسیله نام گرفته است. شمال‌غربی حوضه، ارتفاعات آتشفشانی ساوه وزرند وجنوب غربی‌آن ارتفاعات‌ساوه وقم و کاشان وشمال شرقی‌آن ارتفاعات‌رودشور ودوازده امام‌وسیاه کوه وجنوب شرقی‌آن بریده‌تر وشامل بلندیهای سرنجاب و کوه سفیدآب وطلحه وملك‌آباد است.

ارتفاعات دورادور حوضه متصل بهم نیستند و بین ارتفاعات شکاف ها و دشت‌ها و دره‌هایی است که حوضه‌را به‌نواحی اطراف مربوط نموده وفقط درگوشهٔ شمال غربی، بلندیهای آتشفشانی، منطقهٔ کویری‌رامسدود کرده‌اند. درسمت مغرب ازطریق‌درهٔ قره چای، حوضهٔ‌مسیله به‌خارج راه دارد ودراین قسمت ارتفاعاتی درجهت شمال غربی به جنوب شرقی موازی باهم قرار دارندکه مرکزآنها درتوده های آتشفشانی و یا طاقدیسهای دوران سیم است ، مانند

بلندی های گوی داغ وباقرآباد وهندس وغیره. درشمال، دره‌های کرج وجاجرود و کن،حوضهٔ مسیله‌را به دشت شهریار ودشت ساوجبلاغ متصل کرده ودرطرف مشرق دو دشت حد فاصل بین حوضهٔ مسیله وحوضهٔ دشت کویر می‌شوند. درشمال سیاه کوه ، دشت‌های دوازده امام و درجنوب سفیدآب، دشت سفیدآب بین حوضهٔ مسیله ودشت کویر واقع است.

زمین‌شناسی

قدیمترین طبقات حوضهٔ مسیله ازاواخر دوران دوم است ودرمنطقهٔ کاشان و اردستان و نائین ، زمینهای دوران‌اول واوایل دوران دوم وجود دارند که‌خارج‌ازحوضهٔ مسیله‌می‌شوند. درناحیهٔ موردنظر ، کهن‌ترین زمینها ، زمینهای کرتاسه است که جوشسنگ های آن به‌طور دگرشیب برروی زمینهای دگرگونی اواسط دوران دوم قرارگرفته وزمان دگرگونی سنگها ، آخر ژوراسیک تااواسط کرتاسه است . آهکهای کرتاسه با اوربی‌تولین[1] درمنطقهٔ سفیدآب و کوشک کوه و کمی درکوه طلحه یافت می‌شوند ودر اواخر کرتاسه فعالیتهای‌شدیدآتشفشانی دراطراف حوضه پیدا شده وازهمین تاریخ حوضه‌های کویری چال شده‌اند.

ائوسن

آتشفشانی کرتاسه دراوایل دوران سیم، دروسعت بیشتری ادامه یافته ورسوبات‌ائوسن برروی زمینهای‌فرسودهٔ کرتاسه که بعدازچین‌خوردگی، یک دورهٔ فرسایشی‌رانیز طی کرده‌اند، قرارگرفته واین دورهٔ فرسایشی ازآخر کرتاسه برقراربوده است. دراطراف حوضهٔ مسیله‌رسوبات ائوسن دریایی کم وپراکنده وبیشترائوسن بین زمینهای‌آتشفشانی وتوفهای سبزظاهر می‌شود. مواد آتشفشانی اصلی ازترکیبات‌قلیائی‌ویامیانه وترکیبات اسید ازنوع تازه است. درعلی‌آباد درسرراه قم، ائوسن دریایی آهکی بوده ودرآن نومولیت یافت می‌شودودرمغرب وشمال غربی کاشان ودرجنوب شورآب ومغرب دستگرد ، ائوسن دریایی‌باز نومولیت[2]دار است.

زمینهای آتشفشانی خرقان وزرند و ساوه و کنارگرد و گوی‌داغ وسره ودوازه‌امام ازاین دوره هستند. آتشفشانی درمحیط دریایی صورت گرفته وباآن سازند سبزالبرز به صورت توف،

۱-Orbitoline ۲-Nummulite

به‌ضخامت زیاد پیدا شده است. ته‌نشست این رسوبات تااولیگوسن ادامه یافته وباآن‌دایک[۱] وسیل[۲] وشیست‌های‌سیاه‌رنگ همراه بوده‌اند.

منطقهٔ اصلی طبقات سبز ائوسن و اولیگوسن درالبرز جنوبی است، ولی دراطراف دریای مسیله هم درارتفاعات گوی داغ ودوازده امام وسیاه کوه و کوه سفیدآب و کوشک کوه پیدا می‌شوند. دربارهٔ طبقات سبز البرز وطرز تشکیل وسن آنها بحث زیاد شده است، ولی‌طبقات‌سبز اطراف مسیله به‌طور کامل بررسی نشده و بانوع البرز فرق دارند. بهرحال ازلحاظ سن دربالای ائوسن واوایل اولیگوسن قرار می گیرند. خاکسترهای آتشفشانی درمحیط دریایی ته نشست کرده ورنگ سبزآن به‌واسطهٔ وجود کلوریت[۳] است. در دوازده امام‌وسیاه کوه توفهاسفیدرنگ وشبیه به‌سنگ گچ است.

اولیگو-میوسن

دریاهای اولیگوسن به‌دور توده‌های آتشفشانی، گاهی مردابی وباتلاقی‌وزمانی دریایی کم‌عمق گشته‌اند. حوضهٔ مسیله از ائوسن به‌بعد و شاید قبل‌از ائوسن در حال چال شدن و پایین رفتن بوده است‌ودرمحیط‌دریایی آن‌زمان، چاله‌ها وحفره‌ها ونواحی‌باتلاقی وجود داشته که براثر آب وهوای خشک و گرم درآنها سازند ماندابی مانند گچ ونمک پیدا شده که به واسطهٔ رنگ سرخ این مواد، آنهارا سازند سرخ پایین نام داده‌اند. طبقات سرخ پایین ازگل رس سرخ وسبز ومارنهای گچ دار وسنگ ماسهٔ سرخ وقهوه‌ای و گچ ونمک تشکیل شده‌اند و باآنها گدازه‌های آتشفشانی هم همراه است. در بعضی جاها، مانند جنوب شرقی قم، تودهٔ نمک ازبین آنها بیرون‌آمده وضخامت طبقات سرخ پایین، بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ متراست. سنگوارهٔ مشخصی درآنها یافت نشده وزمان پیدایش این طبقات اولیگوسن میانی است.

وسعت طبقات سرخ پایین به تحقیق معلوم نیست، زیرا سازند ماندابی در همه‌جا وجود نداشته وبه‌علاوه حرکات کوهزای اواسط اولیگوسن وفرسایش حاصله ازآن در بسیاری جاها این سازندرا ازبین برده‌اند وجزدرارتفاعات جنوبی قم، ازکوه یزدان تامنطقهٔ شورآب درشمال ومشرق وجنوب مسیله اثری ازآنها بجانیست وهمیشه سازند آهکی اولیگو-میوسن، برروی

۱- Dyke ۲- Silla ۳- Chlorite

زمینهای آتشفشانی ائواولیگوسن قرار می گیرند. از طرف دیگر ،ته‌نشستن مواد سرخ پایین با عمل آتشفشانی همراه بوده وممکن است درمواردی بجای مواد ته‌نشستی،موادآتشفشانی باشند .

نمک وگچ طبقات سرخ پایین ، مسئول پیدایش زمینهای کویری و شوراز اولیگوسن به‌بعد گشته وحتی قشرنمک وگچ ، درمواردی مانند اطراف شورآب ، طبقات لایه سنگ ، و مارن سنگ‌رویین را بالا آورده و چین داده‌اند. ازآن تاریخ به بعد ، حوضهٔ مسیله دستخوش حوادث زمین‌شناسی چندی گشته که گاهی به‌واسطهٔ حرکات کوهزا زمین بالاآمده ویاحوضه‌ها فرو نشسته و مواد ته نشستی درآن‌ها رسوب نموده وزمانی این حوضه‌ها به صورت محیط های دریایی ویا باتلاقی ویاخشکی تاریخچهٔ طولانی داشته‌اند. البته دراین ادوارعمل‌آتشفشانی وفشار توده‌های نمکی وپیدایش دوره‌های فرسایش‌را نباید فراموش کرد .

رسوبات دریایی

ازاواخر اولیگوسن به‌بعد، محیط ماندابی تبدیل به‌محیط دریایی گشته ورسوبات‌آهکی به‌ضخامت بیش‌از هزارمتر بجامانده که امروزاساسی محلی به‌خود گرفته‌اند . ازلحاظ زمان ، تشکیل این رسوبات دراواخر اولیگوسن واوایل میوسن قرار می گیرند که به‌واسطهٔ وجودمنابع نفتی معتبر جنوب دراین زمینها ، توجه خاصی به‌شناسایی آنها شده است. آهکهای نفت‌خیز این سازند، بین پالئوژن ونئوژن است وچون نمونهٔ مشخص‌آن درکوه آسماری مسجدسلیمان یافت شده آنرا آهک آسماری یاطبقهٔ آسماری گفته‌اند که باید درمیوسن پایین قرارگیرد. زمین شناسان شرکتهای نفت ازلحاظ تحقیقات منطقه‌ای ، اولیگوسن بالا ومیوسن وپلیوسن را سازند فارس وبختیاری نام داده‌اند. سازند فارس نیز به‌قسمتهای پایین و وسط وبالا منقسم شده که که فارس پایین، طبقات سرخ پایین است.

درایران مرکزی ، به‌ویژه دراطراف قم، تحقیقات دامنه‌داری‌درجستجوی نفت به‌دنبال آهکهای آسماری[1] انجام گرفته ، ولی درآنجا بجای فارس وبختیاری، این‌سازندرا طبقات سرخ پایین ورسوبات دریایی وطبقات سرخ بالا نامیده‌اند. این نامگذاری برحسب وضع رسوبات است که طبقات سرخ پایین وطبقات سرخ بالا ازته‌نشست‌های باتلاقی و ماندابی باگچ و نمک ورسوبات دریایی ازتشکیلات آهکی است.

۱- Asmari.

تشکیلات دریایی اولیگو ـ میوسن، همه‌جا دراطراف مسیله به یک‌صورت نیست‌وطبقات ازلحاظ ضخامت ونوع فرق می کنند. ردهٔ چینه‌شناسی کامل‌آن ازپایین به‌بالا چنین است:

آهکهای پایه	۱۸۰ متر
مارن ماسه‌دار	۴۵۰ »
مارن وآهک مطبق	۴۳۰ »
نمک	۱۵ تا ۲۰ »
مارن سبز وخاکستری	۹۰ »
آهکهای بالا	۵۰ تا ۶۰ »

در روی این سازند دریایی طبقات سرخ بالا باسنگ جوش وتودهٔ گچ بانمک قراردارند. سازند اولیگو ـ میوسن دریایی، در همه‌جا منظم نیست‌وضخامت طبقات و نوع ته نشست فرق می کند. مثلاً درجلگه های شمالی‌سیاه کوه ضخامت‌آن پانصدمتر است که یک سیم‌آن آهک ودوسیم‌آن مارن می‌باشد وآهک در زیرومارن دربالا قرارگرفته است وبه‌دور تودهٔ آتشفشانی سره صدوپنجاه متر آهک میوسن پایین برروی گدازه‌های ائوسن است.

دریای‌اولیگو ـ میوسن ازجهت‌دیگری درخورا همیت‌است، زیرا وضع عمومی ناهمواری وچین‌خوردگی ، مربوط به آن می‌شود . این دریا در جهتی از شمال غربی به جنوب شرقی ، از شمال شرقی همدان شروع شده و تا شمال غربی یزد ادامه داشته ، ولی عمق آن متفاوت وبه‌چند چاله تقسیم شده است. گودترین جای‌آن درشمال غربی قم بوده ودرشرق‌قم، خلیجی ازاین دریا به‌سمت شمال شرقی امتداد یافته که به‌تدریج عمق آن کم شده ودرنزدیکی‌سمنان ازصدمتر تجاوز نمی کرده است. حوضهٔ مسیله درآن زمان چاله‌ای فرعی ازاین خلیج بوده که درمرکزآن ضخامت رسوبات نزدیک به‌پانصدمتر ودرمغرب‌آن ضخامت‌بیشتر ودرشرق‌وشمال شرقی ضخامت کمتر است ودوجهت ساختمانی شمال مسیله که یکی‌از شمال غربی به جنوب شرقی ودیگری ازجنوب غربی به‌شمال شرقی‌می‌باشند، جهت دریای اصلی وخلیج فرعی است.

دراواخر اولیگوسن ، بازآتشفشانی پیدا شده، ولی این آتشفشانی بیشتر درنواحی گود حوضه، یعنی درجنوب قم بوده است.

بین قم ودلیجان این مواد آتشفشانی بیشتراز ترکیبات اسید وازنوع آندزیت‌وتراکیت یادایکهای دیوریت وپورفیرکوارتزدار هستند. پاره‌هایی ازدیوریت این سنگهای‌آتشفشانی،

درجوشسنگ های دوره‌های بعدی یافت می‌شوند .

ازآغاز دورهٔ میوسن دریا به‌تدریج کم‌عمق شده وبه‌دریاچه و باتلاق و مانداب منقسم می گردد. چالهٔ مسیله هنوز درحال پایین رفتن است ومواد ضخیمی ازسازند باتلاقی و زمینی درآن قرار می گیرند وچون رنگ مواد این سازند بیشترقهوه‌ای یاسرخ است، زمین شناسان شرکت نفت به‌آن طبقات سرخ بالا نام داده‌اند. حدپایین طبقات سرخ بالا مشخص نیست، زیرا بالای میوسن دریایی، جوشسنگ وسنگ آهک و گچ ومارن که حیوانات دریایی دارند وبعدازآن گچ ونمک است.

حدفاصل بین میوسن وپلیوسن هم مشخص نیست وپایهٔ آبرفتهای پلیوسن، ازمارن‌های سرخ رنگی شبیه به‌سازند سرخ بالا است، ولی دراطراف حوضه ، یک طبقهٔ ضخیمی ازجوشسنگ پلیوسن که به‌طور د گرشیب برروی طبقات سرخ بالا قرارگرفته آن‌را محدود می کند.

از لحاظ پیدایش کویر و صور ناهمواری حاصل ازآن ، طبقات سرخ بالا ، عامل اصلی می‌شوند، زیرا محیط آن‌ها وسیع تر از میوسن دریایی است وازحوضهٔ زنجان و قزوین در شمال غربی شروع شده ودر دشت های جنوبی تهران، عرض‌آن کم است و درجنوب شرقی تهران ، در دشت وراسین ورود شور و شمال قم یافت می‌شود ، ولی حداکثر وسعت آن در حوضه‌های کویری مرکز ایران است که حوضه‌های جنوبی سمنان وشاهرود تا سبزوار وحوضه‌های دشت کویررا شامل می‌شوند . درحوضهٔ مسیله وسعت آن مشخص نیست و مخروط های افکنه با آبرفت‌های زیاد مانع ازاظهارنظر قطعی دربارهٔ گسترش‌آن است.

درپایهٔ طبقات سرخ بالا گچ ونمک قرار دارد، ولی نمک غالباً شسته شده وازبین رفته وگاهی به‌صورت بلوروجود دارد. در روی گچ ونمک ، بین ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر مارن سنگ سرخ وقهوه‌ای بارگه‌های ماسه‌ای قرارگرفته وبعد مارن‌های سبز و دوباره مارن سنگ سرخ ماسه‌داروسارن سبز یا کرم روشن است. مارن‌ها بیشتر گچ ونمک همراه دارند وضخامت‌سازند به ۶۰۰۰ متر می‌رسد. یکنواختی مارن‌ها مانع تفاوت آنها نیست، ولی هنوز مطالعات کاملی دراین‌باره انجام نشده است.

توده‌های نمک

گذشته ازتشکیلات نمکی اولیگوسن ومیوسن ومیوسن پایین ومیومن بالا که توصیف

شدند گاهی توده‌های نمک باساختمان گنبدی شکل ظاهرشده واین توده‌ها بزرگ ترین‌عامل شورشدن زمین وتشکیل کویر است. تمام رودهایی که از مجاورت توده های‌نمک می گذرند شوراب شده و گاهی‌چشمه های شور،آب رودها را بیشترشور می کنند. رودشور یکی‌از نمونه ها است که درعبور ازکنار تودهٔ نمکی‌اشتهارد شور شده است. زم‌رودرا تودهٔ نمکی دیگری شور کرده وقره چای درشمال کوه نمک قم شور می‌شود.

توده‌های نمک گاهی‌ازپایهٔ طبقات سرخ بالا باوجود ضخامت زیاد به‌واسطهٔ فشاربیرون آمده‌اند مثلاً درباره کوه نمک قم افق نمک باید درحدود ۴۰۰۰ متر زیرزمین باشد وامروز ۲۰۰ متر هم بالای زمین قرارگرفته و بانمک،توده‌هایی ازاوژیت وآندزیت و مواد آتشفشانی اوایل میوسن بالا آمده‌اند. در جنوب سمنان وشمال دشت کویر در طاقدیس کوه گوگرد، گنبدهای نمکی دیگری وجود دارند و توده‌های نمکی درحدود ۱۰ متر بالاتراز زمین های اطراف وقطر آنها به۸ کیلومتر می‌رسد. بالاآمدن تودهٔ نمک، مارنهای مجاور را بافشار بیرون کشیده ودشت‌هایی شیب‌دار ساخته است. در دورنمک، دیواره‌ای از گچ حصاری را ایجاد کرده ودر داخل نمک رگه‌هایی ازمارن‌های طبقات سرخ بالا ظاهرشده است.موادآتشفشانی ازجنس اوژیت ودولریت، دربعضی ازگنبدها وجود دارند وازلحاظ سن جوان‌تر ازگچ ونمک می‌باشند. توده های نمک رابطه با چین‌خوردگی های محلی ندارند و درمورد کوه گوگرد توده‌های نمک درمحور طاقدیس ومحور ناودیس قرار ندارند وفشار نمک دراطراف توده ها تولید چین وشکن کرده وطبقات سنگین‌تراز خود را بالا آورده است. ساختمان و طرز پیدایش توده‌های نمک ازمسائل پیچیدهٔ زمین‌شناسی ایران است. درزمان حاضر، گذشته ازتوده‌های شمالی وغربی‌حوضهٔ مسیله،درجاهای دیگر، خاصه دردشت کویر، تودهٔ نمک وجودندارد. شاید توده‌های نمک درنتیجهٔ شست‌وشو ازبین رفته و رسوبات حاصله در حوضه‌های کویری ته‌نشست کرده باشند.

شمال شرقی حوضهٔ مسیله

درشرق بندعلیخان ارتفاعاتی درجهت شمال غربی به‌جنوب‌شرقی‌وجود دارد که‌موازی حاشیهٔ دریاچهٔ‌نمک تادشت کویر کشیده شده وبه‌ارتفاعات دیگری‌باجهت شمال شرقی‌به‌جنوب

غربی می‌رسند که درانتهای آن‌ها کوه سفیدآب است وبلندی‌های اولی‌را کوه‌های دوازده امام وسیاه کوه گویند.

کوه‌های دوازده امام

دوازده امام توده‌ای ازمواد آتشفشانی‌قلیایی است که ازلحاظ سن دراوایل ائوسن قرار می گیرد. به‌دور زمین های آتشفشانی، توفهای‌اولیگوسن واولیگو- میوسن دریایی‌ودردشتهای پای کوه ، طبقات میوسن وسط وبالا ظاهر می‌شوند. درشمال ومغرب کوه دوازده امام،طبقات میوسن میانی وبالا، باشیب تند به‌طرف بندعلیخان متوجهٔ گشته ودنبالهٔ‌آنها ارتفاعات‌مشرف به‌سیاه پرده است. سازنددریایی‌اولیگو - میوسن شمال‌غربی، کوه را نگین‌وار در برگرفته ودر جنوب غربی، قسمتی‌از آهک‌های دریایی نمایان است، ولی به‌واسطهٔ چندخط گسل درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی که جهت کوه دوازده امام است ، آهکهای دریایی درجهت غربی وشرقی منحرف شده‌اند. جبههٔ جنوبی کوه ، شکسته ودشت پوشیده ازمواد آبرفتی وفاقدمیوسن است که باشیب تند به‌نهرهای رود بندعلیخان ختم می‌شود. سمت شاخه‌های کرج‌وجاجرود ازشمال غربی به‌جنوب شرقی درجهت گسله‌های جبهه دوازده امام است واولین جریان‌آب در دشت، شاید درچاله‌ای ساختمانی برقرارشده باشد. مرکز کوه از توف های ائوسن و دربین آن‌ها سنگهای خروجی است.

درجنوب شرقی دوازده امام، در روی زمینهای آتشفشانی ، طبقات رسوبی و آهکهای میوسن ظاهر شده و طاقدیسی درجهت غربی شرقی می‌سازند. دراطراف‌این‌طاقدیس،زمینهای میوسن وسط باگچ ومارن، محوری غربی شرقی دارند. این طبقات به‌طرف‌جنوب وسعت‌یافته ودرسمت شمال غربی به‌جنوب شرقی به‌دامنه‌های سیاه کوه می‌رسند. دشتهای واقع بین‌دوازده امام وسیاه کوه ودریای مسیله ازگچ ومارن میوسن است ودربین این طبقات جوشسنگهاقوسی موازی باحاشیهٔ شرقی دریای نمک می‌سازند و در تنگ واقع بین دوازده امام و سیاه کوه ، جوشسنگ‌ها تیغه‌ای برجسته نزدیک مرکز چاله ساخته‌اند وشیب طبقات‌به‌طرف‌جنوب‌غربی، تند است.

درگوشهٔ شرقی کوه دوازده امام، طبقات میوسن وسط به‌طرف شمال‌ومشرق تاکویرهای خوار ادامه دارند و دشتهای شمالی سیاه‌کوه باپوششی ازمواد آبرفتی به کویر های خوار

می‌رسند. این وضع به‌طوری است که یک برآمدگی ساختمانی ازمیوسن وسط ، حدفاصل بین کویرهای زم‌رود ودریای مسیله می‌شود.

سیاه‌کوه

درجنوب شرقی دوازده امام، محورساختمانی ازجهت جنوب شرقی پیچی به‌سمت‌مشرق پیدا کرده وچین ها تقریباً جهت غربی-شرقی دارند. این سمت با کمی میل به طرف جنوب ، درجهت سیاه کوه منعکس است. سیاه کوه ازتمام ارتفاعات اطراف دریاچه نمک‌معروف‌تراست و باوجودی که وسعت وارتفاع آن زیاد نیست وبلندترین نقطهٔ‌آن ۲۱۱۰ متر است به واسطهٔ موقع خاص خود که درسر راههای ارتباطی دنیای قدیم واقع است و اهمیت چراگاههای دشت‌های مجاور ، مشهور می‌باشد. سیاه کوه درشمال غربی چسبیده به‌ارتفاعات دوازده‌امام است ودشتی بریده بریده با تپه های کوتاه ، در زمینهای میوسن، حدفاصل بین دو کوه می‌شود واین دشت‌را خط تقسیم‌آب، بین دریاچهٔ نمک ودشت کویر باید دانست.

سیاه کوه توده‌ای است‌ازمواد آتشفشانی که به‌دور آن طبقات رسوبی‌دوران‌سوم‌ساختمانی مایل به‌سمت خارج دارند. جبههٔ جنوبی این ساختمان شکسته وخط گسله درجهت‌غرب‌شمال غربی به‌شرق جنوب شرقی توفهای ائوسن وزمینهای خروجی را بالای دشت ظاهر می‌سازد. گسلهٔ جبههٔ جنوبی نظیر گسله هایی است که در منطقهٔ سفیدآب مشاهده می‌شود ، ولی در مشرق دریاچه نمک دوجهت ساختمانی یکدیگر را قطع کرده‌اند. اول سمت ساختمانی شمال غربی به‌جنوب شرقی است که شامل تمام ارتفاعات کنارگرد ورود شورو گوی داغ و باقرآباد و کوه یزدان و کوه نرداغی تاشور آب سرراه کاشان دیده می‌شود. این جهت در جنوب حوضهٔ مسیله روبه مشرق شده وارتفاعات جنوبی دریاچه وبلندی های کوه یخ آب و کوه سفید آب و حتی جهت سیاه کوه جزء آنست. جهت ساختمانی دوم ازجنوب غربی به شمال شرقی ازشمال سفیدآب شروع شده وشامل کوه‌های نخجیر وملک‌آباد وطلحه است که دنبالهٔ‌آن درکوههای حاشیهٔ دشت کویر درجنوب سمنان یافت می‌شود. این دوجهت ساختمانی درشرق سیاه کوه بهم رسیده وعمود برهم‌اند و کوشه‌ها فاصل خلیجی ازدریای نمک می‌شود که دشتهای‌جنوبی سیاه کوه باشند وشکل مثلثی مشرق دریاچه نمک به‌واسطهٔ برخورد این‌دوساختمان است.

انحراف چین‌خوردگی ازشمال‌غربی به‌جنوب شرقی به‌طرف مشرق وسپس به‌سمت‌شمال

شرقی شاید به‌واسطهٔ برخورد امواج فشار به‌توده‌های قدیمی‌تر باشد که منطقهٔ‌مقاومی‌درجلوی حرکات کوهزایی به‌وجود آورده وجهت فشار را تغییرداده است.

درمنطقهٔ جنوبی چالهٔ مسیله کوشک کوه با زمینهای کرتاسه ودگرگونی و سنگ‌های خروجی یک منطقهٔ مقاوم بوده که نظیرآن درارتفاعات سفیدآب و ملاصدرا وکوه چاه خلج دیده می‌شود وگسل های غربی-شرقی ، نتیجهٔ برخورد فشاربه‌توده‌های قدیمی است که‌جبههٔ جنوبی سیاه کوه هم جزوآنها می‌شود.

حرکات کوه‌زایی بعدازکرتاسه ، ارتفاعات مهمی به‌وجود آورده است ، ولی یک دوره فرسایش شدید بعدازکرتاسه ناهمواری‌های قبلی‌را ساییده است به‌طوری‌که دراطراف‌دریای نمک، هرجا کرتاسه پیدا شود طبقات ائوسن به‌طور دگرشیب آن را پوشانیده‌اند . آتشفشانی دورهٔ ائوسن که مسئول پیدایش ارتفاعات دور رادور حوضهٔ مسیله است ، درمحیط دریایی کم‌عمق صورت گرفته وچند دورهٔ حرکات کوه‌زایی درمیوسن پیداشده‌اند.

جهت چین‌خوردگی‌های میوسن، شمال غربی به‌جنوب شرقی و جهت جنوب غربی به به‌شمال شرقی مربوط به حرکات بسیار جدید است که درانتشار خود به توده هایی برخورد کرده ومنحرف شده‌اند. مثلاً بین دوازده امام وسیاه کوه رسوبات میوسن ، چین هایی درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی دارند ، ولی این چین‌ها درنزدیکی آتشفشانی شمال سیاه کوه ، پیچی به‌سمت مشرق خورده وحتی قوس بزرگی بین دوتوده دوازده امام وسیاه کوه می‌سازند.

ازلحاظ ساختمانی ، سیاه کوه شبیه به پیازی است که از وسط دونیم شده باشد . هسته مرکزی از زمین‌های آتشفشانی و به‌دور آن توفهای ائوسن، ازتراکیت وآندزیت به ضخامت هزارمتر وسپس زمین‌های خروجی‌قلیایی ودورادورکوه ، رسوبات میوسن دریایی از آهک و مارن باپکتن‌های بوردیگالین[1] وآکی‌تانین[2] است.

رسوبات میوسن شیبی تندبه‌سمت‌خارج‌دارند وبه طرف مغرب‌در زیر آبرفت‌های ضخیمی مخفی می‌شوند. جبههٔ شکستهٔ جنوبی باسنگ‌های سیاه آتشفشانی وتیغه‌های برجسته‌وبریدگی زیاد ، دیواره‌ای مرتفع مشرف به‌دشت است‌ودشت‌بریده بریدهٔ جنوبی‌از زیرآبرفتها با زمینهای

۱- Burdigalien ۲- Aquitanien

سفیدرنگ مارن و گچ آشکار می‌شود. مارن‌سنگ تپه‌های قوسی شکلی در دشت ساخته و در پایین دشت کنار دریای نمک مناظر هزار دره درسازند میوسن پیدا می‌شود.

طبقات گچ ومارن درکناردریای نمک چین های کوتاه وقوس‌قوس ساخته و مجموع طبقات به‌شکل پادگانه‌ای درحاشیهٔ ساحل است. کویر زرده درطول خطی مشخص‌ومستدیر به‌دشت محدود می‌شود واین دشت بابریدگی شیب تندی به‌دشت پای کوه می‌رسد.

منطقهٔ مرکزی سیاه کوه در زمینهای آتشفشانی تراکیت وآندزیت ، چند تیغه دارد. تیغه های آتشفشانی توسط حفره‌ها وشکاف‌هایی ازهم جدا شده وبلندترین نقطه در وسط کوه است. ارتفاع مطلق کوه چندان زیاد نیست وتیغه‌ها بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر بلندی دارند، ولی به‌واسطهٔ اختلاف ارتفاع زیاد بادشت‌های اطراف وچاله های هموارکویری،سیاه کوه از دورکوه عظیمی به‌نظر می‌رسد. درشمال ومشرق روی زمین های آتشفشانی جوشسنگ وماسه سنگ وآهک میوسن پایین قرارگرفته که باشیب تندی به‌طرف شمال غربی سرازیر می‌شوند وگاهی این لایه‌ها درحاشیهٔ کوه مانند محای درنزدیکی آب‌انبار قیلوقه،دیوارهٔ بلندی دربالای دشت ساخته‌اند ، ولی به‌طرف شمال، شیب طبقات رسوبی کمتر است وتیغه های قوسی‌شکل و پشت سرهم به‌شکل کواستا ظاهر می‌شوند . دربرخورد سنگهای آتشفشانی با طبقات‌میوسن، چاله‌ای درجهت‌چین خوردگی پیدا شده واین‌چاله درمشرق کوه، پستی بزرگی تشکیل می‌دهد. به‌طرف شمال، طبقات میوسن پایین چندطاقدیس وناودیس ساخته‌ودرزیر زمینهای میوسن‌وسط وبالا مخفی می گردند.

تاریخچهٔ‌فرسایشی‌سیاه کوه‌دراز است. به‌طوری که گفته شدازآغاز دوران‌سوم به‌این‌طرف درسیاه کوه چند دورهٔ حرکات کوهزا وچند دورهٔ فرسایشی جانشین هم شده‌اند. ارتفاع فعلی کوه و وضع طبقات ، دراطراف آن به‌واسطهٔ حرکات زمین ، درزمانی نزدیک است‌وقبل‌ازآن یک دورهٔ فرسایش ممتد ، زمین‌را سائیده وآثار آن مواد آبرفتی آتشفشانی است که تمام‌دشت را فراگرفته ودر دورهٔ فرسایش کنونی پیدایش کواستاها وتیغه های برجسته‌وشکاف‌ها وپستی وبریدگی‌های دشت قرار می گیرند. بالا آمدن زمین به‌طور نامساوی ازجنوب به‌شمال کم‌شده است ودر دشتهای شمال سیاه کوه ، مارن و گچ چینهای منظم وملایمی دارند که دنبالهٔ آن‌را

درارتفاعات جنوبی دوازده امام دیدیم. درجنوب شرقی ومشرق سیاه کوه مارن و گچ وسعت زیادی یافته وچین‌ها درمحوری ازجنوب غربی به‌شمال شرقی اطراف کوه‌های نخجیر وطلحه‌و ملک‌آباد را گرفته‌اند.

اطراف سیاه کوه مراتع طبیعی مناسبی برای گله‌داری است. دردامنهٔ شمالی سیاه کوه چشمهٔ آبی به‌اسم چشمه‌شاه وجود دارد که آب آن کم وتلخ،ولی قابل‌شرب است ودامدارها ازآن برخوردارند وبه‌واسطهٔ تفاوت ارتفاع قابل توجه سیاه کوه باجلگه‌های اطراف،درزمستان برف سیاه کوه رافرا گرفته وتاماه‌دوم‌وسوم بهار درچاله‌های کوهستان آب‌دیده می‌شود که آنها را سنگ آب گویند واحشام ازآن استفاده می‌کنند.

آثار تاریخی

دراطراف سیاه کوه امروز هیچ شاهراه عمده ویا راه ارتباطی معمور وجود ندارد. در تابستان در دشتهای شرقی مسیله‌آثاری از زندگی انسانی نیست، ولی در زمستان‌وبهارطوایفی ازایلات خوار و ورامین با گله‌های گوسفند، درجلگه‌های اطراف سیاه کوه دیده می‌شوند که تعداد آنها برحسب مقدار بارندگی سالیانه که پوشش گیاهی را زیاد و کم می‌کند متغیر است[1]. وقتی علف فراوان باشد گوسفنددار هم زیاد است، ولی درسالهای خشک کسی توجهی به‌دشت‌های کویری ندارد.

درگذشته منطقهٔ سیاه کوه سرراههای ارتباطی مهم جنوب به‌شمال بوده است. از خرابه‌هایی که درمرنجاب وسفیدآب وبناهایی که درسیاه کوه وجود دارند معلوم می‌شود که در ادوار تاریخی راه قدیمی اصفهان و کاشان به‌خوار وخراسان ازسیاه کوه می‌گذشته، ولی‌در نوشته‌های جغرافی‌دانان اسلامی درهیچ جا بحثی ازراه سیاه کوه نیست.

درصدر اسلام، راه ارتباطی اصفهان به‌خراسان ازطریق نایین وطبس وترشیز ونیشابور بوده است، ولی تازمانی که ری اعتباری داشته راههای خراسان و آذربایجان و مازندران

۱- در زمان حاضر به‌واسطهٔ این که منطقهٔ سیاه کوه حفاظت شده اعلام گردیده، ورود احشام به‌منطقهٔ سیاه کوه آزاد نیست وطبق شرایطی انجام می‌گیرد.

ازری می گذشته‌اند. به نظر می‌رسد که بعداز خرابی و انحطاط ری، مدتها راه اصفهان به ری متروك مانده باشد ودر زمان صفویه توجه خاصی به سرمت راه ارتباطی بین اصفهان و خراسان مبذول گشته وراد سیاه کوه معمور شده باشد.

درشمال سیاه کوه چند ساختمان معتبر وجود دارد که بزرگترین آنها به نام شاه عباس معروف است ودوسی‌قصرعین الرشید نام دارد که کمی ازسرراه برکنار است وسوسی‌نیزد راستداد قصرشاه عباسی ودرجنوب‌آن واقع است.

بنای اولی‌را قصر گویند که نمای خارجی‌آن ازسنگهای صاف تراش صورتی رنگ است ودو در آن یکی‌روبه شمال ودیگری روبه جنوب واقع شده‌اند. سنگهای نمای‌خارجی به‌ابعاد ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر، ولی دربنای دروازه ورودی وایوان های‌مدخل بنا سنگهای‌تراش بزرگ‌تر به کار رفته است. نقشهٔ ساختمان با کمی تفاوت نظیر کاروانسراهای معروف‌زمان قدیم‌است. دروازه ورودی سرپوشیده‌ودر دوطرف آن دوسکو ودواطاق مجاور دارد وداخل‌آن‌حیاط بزرگی است که دورادور آن‌را اطاق‌های کوچک فرا گرفته وبدنهٔ حیاط درپایین از سنگ‌تراش نظیر نمای خارجی ودربالا سنگ لاشه باگل آهک است. سقف اطاقها آجرضربی است و درداخل حیاط وتوی اطاق‌ها دیوارها پوششی ازگچ دارند. دربدنه غربی حیاط یک تالارباشاه نشین‌و طاقچه‌هایی دراطراف وایوانی درجلوساخته شده ودر زیر تالار زیرزمین بزرگی است.

درپشت ساختمانهای داخل حیاط، طویله‌های سراسری باآخورهای متعدد وکنار هر آخور سکویی برای استراحت چهارپا دار واجاقی برای طبخ است.

برای آب مشروب از چشمهٔ شاه درپای سیاه کوه که تا قصر هفت کیلومتر فاصله دارد نهری سنگی که شاهکاری از ساختمان‌های محل است تاقصر بنا گردیده و نهرسنگی از تخته سنگ‌های بزرگ یک پارچه ومتصل بهم است که کوچک‌ترین آنها یک‌متر وتا سه مترطول هم بین سنگ‌ها دیده می‌شود. تخته سنگ‌هارا دروسط به‌شکل‌آخوره درآورده ودر دوسر هر سنگ نروماد گی برای قفل وبست سنگ‌ها بهم تراشیده‌اند که سنگ‌ها خوب درهم افتاده و آب هدر نرود. درسرپیچ ها سنگ‌ها توسط علامتی مثلثی مشخص شده‌اند تادوطرفی که باید بهم متصل شوند معلوم‌باشد. درطول نهر، درسه‌محل حوضچه هایی‌برای مخزن‌آب‌ساخته‌اند

که آب درحوضچه انبار شده وجریان آسان باشد. دربعضی جاها مجرایی زیرزمینی درطول نهر وجود دارد تادرفصل گرم آب ازتبخیر زیادحفظ شود. ساختمان دومی درطول نهرسنگی ودرجنوب قصر شاه‌عباسی است. بنای آن ازآجر ونقشهٔ بنا می‌رساند که این محل کاروانسرا یااقامتگاه قوافل نبوده است. در ورودی به سرسرایی است که در دوطرف آن دوتالار بزرگ قراردارد. طالارها دارای طاقچه‌هایی درپایین وبالا قرینه هم ودرجنوب حیاط نیزبنایی نظیرتالارهای جلووجود دارند. دروسط حیاط حوض سنگی مخروبه‌ای است که آب چشمهٔ‌شاه ابتدا به‌آن رسیده‌وسپس ازطریق مجرای سنگی به‌قصر می‌رفته است.

درنمای ورودی وسرسرای مدخل بنا، بین آجرها جاهای خالی کتیبه و کاشی کاری‌است که امروز ازآنها اثری بجانیست و سقف تالارها هم فرو ریخته است. ظاهربنای دومی یک اقامتگاه اختصاصی را می‌رساند وشاید این محل برای شاه ویاشاهزادگان بوده است که به خراسان می‌رفته‌اند.

ساختمان سومی که قصر عین‌الرشید باشد بازآجری است، ولی درطول نهرسنگی نیست، بلکه‌قدری کنار افتاده‌است. دربرابر مدخل حوضی مخروبه ودرجنوب غربی‌ساختمان چشمهٔ آب گرم گوگردی وجود دارد که بین سنگ گچ و مارن ظاهر می‌شود. حرارت آن ۱۷ تا ۱۸ درجه واین چشمه راعین‌الرشید گویند. ازاین چشمه ازمجرایی زیرزمینی‌آب معدنی واردحوض می‌شده، ولی در داخل ساختمان واطراف آن حوض آب ویا آب‌انبار وجود ندارد و چون این آب آشامیدنی نیست، باید تصور کرد که قصر عین‌الرشید برای استفاده ازآب معدنی بناشده باشد. قصر عین‌الرشید کوچک و در سرسرای آجری ورودی محل کاشی کاریها و کتیبه ها نمایان است ودر داخل حیاط اطاق‌های کوچک ودر دوطرف دوحیاط خلوت و پشت اطاق‌ها اصطبل ساخته شده‌است.

سقف ضربی آجری اطاقها همه ریخته است، ولی سنگینی‌شفتهٔ سقف‌هاباعث خرابی‌دیوار نشده، زیرا به‌طوری که دربدنهٔ دیوار پای چشمه دیده می‌شود، ساختمان شکسته وبدنه‌پایین رفته است وچه‌بسا که سستی زمین های گچی زیر، باعث‌نشست‌بنا وخرابی سقف گردیده باشد.

ساختمان عین‌الرشید بسیار زیبا بناشده است. آجرهای سردر وسرسرا با نقوش هندسی

مزین است وقاب‌های داخل آجر ، محل سابق کتیبه ها وکاشی کاری را نشان می‌دهد و معلوم می‌شود تازمانی‌نزدیک کاشی‌ها بجابوده زیرا یک یادگاری‌منقوش در داخل بناحاکی ازاین است که راقم برای دستگیری سارقین واخذ اموال مسروقه به‌این محل آمده ومقداری کاشی همراه برده است.

آنچه ازتواریخ به‌دست‌می‌آیداین است که‌قبل اززمان‌صفویه اسمی ازراه‌سیاه کوه‌وساختمان ها نیست. اسکندربک درعالم آراء عباسی ، جلد دوم، مقاله یازدهم ، در ذکرآثار خیر وانشاء واحداث عمارت ساختمان رباط سیاه کوه وراه نمکسار سیاه کوه را که چند فرسخ با سنگ و آهک استحکام یافته وده هزار تومان خرج آن شده ازآثار شاه عباس می‌داند ، ولی دقت و مهارتی که دربنای قصر سیاه کوه به کار رفته دوراز نحوه ساختمان‌های زمان صفویه است.

قصر سیاه کوه چند مرتبه تعمیر شده است. در زیرزمین وجرزهای آجری کنار اطاق ها نمونه هایی ازتعمیرات مختلف می‌توان یافت ودیوار اطاق‌ها چند قشر گچ روی هم را شامل است که هرقشر یادگار زمانی‌را درخود ثبت دارد وبرحسب اتفاق نوشتن یادگاری بر در و دیوار اطاق که عملی مذموم است، دراین مورد کمکی به‌روشن نمودن تاریخچه قصر نموده است. یادگاری ها مختلف و غالباً بااشعاری‌همراه می‌باشند. مثلاً درقشر رو،یک یادگاری به‌قلم‌العبد محمد باقر کلاه دوز نیشابوری سنه ۱۱۴۸ ونزدیک آن ، یادگاری دیگری به تاریخ ۱۱۴۷ است ودر زیر این پوسته گچ، روی قشر گچی دیگری یادگاری‌به‌تاریخ ۱۰۳۸ است. ازمضمون یادگاریها چنین بر می‌آید که مسافرین ازاصفهان عازم مشهد ویا استراباد و یامازندران بوده‌اند. یادگار دیگر ازمسافری است که ازعراق به‌سال ۱۰۷۰ عازم هرات‌بوده ونوشته دیگر ازمسافری درسرراه هندوستان است. تواریخ شعبان ۱۰۳۲ وربیع‌الاول ۱۰۵۲ وغیره کاملاً آشکاراست.

سبک بنای قصرهای آجری از زمان صفویه وزندیه است، ولی قصرسنگی بنایش‌بسیار قدیمی‌تر است وشایدچند مرتبه خراب وتعمیر شده باشد واحیاء مجدد قصر از زمان شاه عباس باشد، زیرا به‌کاربردن سنگ تراش صیقلی دربدنه قصر وآثار نهرسنگی نشان می‌دهد که ساختمان اصلی قصربرای کاروانسرای سرراه نبوده ودرهیچیک ازکاروانسراهای دوران‌صفویه

این سبک بناسابقه ندارد وبعید نیست که قصر سنگی بسیارقدیمی باشد.

در دامنه های غربی سیاه کوه سرراه وراسین به کاشان یک مخزن آب مخروبه قدیمی ویران است که حوض قیلوقه نام دارد. در اطراف سیاه کوه وسفیدآب ازاین آب انبارها چند نمونه می‌توان یافت که‌آنهارا حوض گویند. بنای حوض به‌این‌صورت‌است که‌در زمین گودی، چالی به‌قطر ۱۰ تا ۲۰ متر کنده و کف‌ودیوارآن را ساروج کرده وسقفی گنبدی ازآجر برآن‌نصب می کنند. دراطراف حوض مجراهایی از زمین های اطراف به‌چالهٔ حوض می رسند که درفصول بارندگی ازآب باران حوض پرشده ودریک سمت دهنه‌ای برای‌آب‌برداری ساخته می‌شود.

درشمال‌قصر سیاه کوه آثار راه قدیمی اصفهان به‌خوار به‌نام راه سنگ‌فرش مشهوراست. راه سنگ‌فرش به‌عرض ۶ تا ۱۰ متر کمی برآمده اززمینهای کویری اطراف است که به واسطهٔ به کار بردن سنگهای زیاد چنین اسمی گرفته. این راه از دامنه های غربی سیاه کوه و حوض قیلوقه وحوض آقا محمد گذشته وازطرفی به‌چشمهٔ سفیدآب ومرنجاب واز سمتی روبه شمال از کویرهای زم رود وخوارگذشته به‌ده رشمه دربلوك خوارمی‌رسد واین مسیر درمحل، به‌نام راه شاه‌عباسی‌معروف است، ولی درتمام‌مسافت،سنگ‌فرش نیست وتنهادرمنطقهٔ شمال سیاه کوه ودرکویرهای خوار است که‌آن‌را سنگ‌فرش کرده‌اند.

راه سنگ‌فرش سیاه کوه ازخطوط ارتباطی بزرگ زمان شاه‌عباس برای رفتن از اصفهان به‌سواحل دریای مازندران وفرح‌آباد بوده است. ازآبادی رشمه درخوار بین راه به‌جاده بزرگ خراسان متصل گشته وازطریق راه سنگفرش شاه‌عباس چند سفر پیاده به خراسان رفته است. بسیاری‌ازسفراء زمان شاه عباس ازاین راه گذشته وبه‌حضور شاه درفرح‌آباد باریافته‌اند. اولین مسافرما دراین زمان پیترود ولاوالهٔ ایتالیایی است که درسال ۱۶۱۸ دراصفهان بود و ازآنجا برای تشرف به‌حضورشاه وابلاغ داوطلبی خود درجنگ باترکها رهسپار فرح‌آباد گردید.

پیترودولاواله ازراه کاشان وبیدگل وسیاه کوه ازحاشیهٔ شرقی مسیله گذشت و ازطریق حبله‌رود وفیروزکوه به‌فرح‌آباد رسید. شرح سفروی بسیار جالب ودقت این‌سیاح درضبط مناظر

جغرافیایی وتوصیف‌آنها، باملاحظهٔ اطلاعات کم‌ازایران ، درخور تمجید ستایش است. نظربه اهمیت شرح این‌راه، عین گفتهٔ وی را دراینجا نقل می‌نماییم[1].

«غروب یکشنبهٔ بیست‌وهشتم ژانویه ازکاشان خارج شدیم وچون طبق معمول مرحلهٔ اول مسافرت کوتاه است،شب را دربید گل به‌سرآوردیم. دوشنبه‌صبح زودحرکت کردیم،زیرا محلی که بتوان شب درآنجا بیتوته کرد جای دوری واقع شده بود . اطراف ما را صحرای لم‌یزرعی فراگرفته بود وپای حیوانات تازانو درشن‌فرو می‌رفت. دراین صحرا آب پیدا نمی‌شود واگرپیدا شود فوق‌العاده شوراست، ولی ماخوشبختانه قبلاً بحد کفایت آب با خود برداشته بودیم وتوانستیم دراین شوره زار هفت فرسخ راه به‌پیماییم. باوجود این موفق نشدیم که به‌موقع خودرا به‌یک‌آبادی برسانیم(زیرا دراینجا احدی نمی‌تواند زندگی کند) دریکی از دو کاروانسرایی که به‌قصد پناه دادن‌مسافرینی ازقبیل‌ماساخته شده ونام‌آن دست کند بود بیتوته نمودیم. روز سه‌شنبه شش‌فرسنگ درکویری راه رفتیم که باکمال تعجب باید گفت هیچکدام ازجغرافی‌نویسان، اسمی از آن نبرده‌اند. تمام زمین کویر هموار وسفید و سملو از نمک خالص بود وگرچه درابتدای‌آن به‌چند بوته خاربرخورد کرده بودیم که رنگ زرد وطعم شور داشتند ولی درداخل کویر حتی این چند بوته‌خار به‌چشم نمی‌خورد . تابستان دراین زمین خشک گرمای طاقت‌فرسایی حکمفرماست وبه‌همین‌جهت مسافرین باید باسرعت ازتنها راهی که‌وجود دارد عبورکنند. در زمستان زمین کویر پرازآب باران است که به‌علت نمک سفید می‌شود و این آب آنقدر زیاداست که گاهگاه تاشکم اسب‌می‌رسد وتمام لباسهای‌ما به‌علت گل و لای و نمک کثیف وآلوده شده بود.

سستی زمین به‌اندازه‌ایست که راه‌پیمایی بازحمت هرچه تمام‌تر انجام می گیرد و اگر کسی مختصرغفلتی کند وازجاده دور شود، در دریایی ازگل ونمک‌فرو می‌رود و خروج ازآن

---

۱ ـ سفرنامه درایران، ترجمهٔ آقای‌شجاع الدین شفا.

به‌اشکال فراوان‌صورت می‌گیرد وغالباً به‌این‌طریق نه‌تنهاآدم واسب ازبین رفته، بلکه‌به کرات شتر نیز که حیوان‌بزرگی‌است درگل‌ولای مدفون شده است وبرای اجتناب ازاین خطرد رفواصل مختلف،سنگ‌های سیاهی برای نشان دادن جاده کارگذاشته‌اند.

ماتمام‌روز را درروی نمک‌زار راه پیمایی کردیم ،ولی شب نتوانستیم خود رابه مأمنی برسانیم، زیرا هیچ‌آبادی دراین حوالی نیست. منتهی چون زمین‌سفید پرنمک‌به‌پایان رسید و ضمناً چون‌آب وآذوقه وچوب برای روشن کردن‌آتش وآشپزی همراه داشتیم، بافرارسیدن شب دربیابان اطراق کردیم ..... چهارشنبه که آخرین روز ماه ژانویه بود ، پنج الی شش فرسنگ درتپه ماهور راه پیمودیم وشب درکاروانسرایی‌به‌نام سیاه کوه بارافکندیم واین‌محل به‌مناسبت تپه‌ای که ازدور سیاه می‌نمایدچنین نامیده می‌شود. درموقع راه‌پیمایی‌روزانه‌نزدیک مخزن‌آب شیرینی واقع درکنار جاده موقع صرف غذا کوزه‌ها را مملواز آب کرده بودیم، زیرا کاروانسرای سیاه کوه فاقد آب شیرین است وبدین‌جهت‌شاه دستور داده کاروانسرای دیگری دراین حوالی نزدیک یک مخزن‌آب شیرین بسازند ومعمار کاروانسرای سیاه کوه‌را به‌مناسبت بی‌توجهی‌او درمورد آب به‌سختی مجازات کرده است وبه هرحال این‌محل بعدازاتمام‌ساختمان کاروانسرای دوم به کلی متروك خواهد شد[1]. این مطالب را نوشتم تا توجه داشته باشید شاه عباس چقدر خرج می‌کند وزحمت می‌کشد تاکشورش زیبا وآبادتر وبرای حمل ونقل و

۱- توصیف دولاواله مطابق اوضاع محل نیست. گویا مراد ازمخزن آب کنار جاده آب‌انبار قیلوقه باشد، زیرا اگر از خود سیاه کوه آب گرفته بودند، آب‌شیرین بوده است . شاید درآنزمان کنار قصر چاه آب شوری وجود داشته که قابل شرب نبوده است واینکه شاه دستور داده که کاروانسرای دیگری به سازند شاید همان بنای سوسی در طول مسیر آب باشد و چون نتوانسته‌اند آب شیرین برای کاروانسراها تأمین نمایند، لاجرم مجرای سنگی‌آب را ساخته‌اند. اگر گفته وی درست باشد، بایددوبنای دیگر،بعداز سفر دولاواله‌ساخته‌شده باشند.

تجارت مستعدتر شود.

پنجشنبه اول فوریه دوساعت قبل از طلوع صبح ازخواب برخاستیم زیرا راهی طولانی درپیش داشتیم وبرای رسیدن به مقصد بعدی می‌بایستی هشت فرسنگ راه طی می کردیم. راه‌پیمایی باید درجلگه‌ای انجام می گرفت که تامدتی پیش عبور از آن بی‌نهایت با اشکال صورت می گرفته وتاشکم اسبان درگل فرو می‌رفته‌است، ولی اکنون مسافرت درکمال‌سهولت انجام می‌شود، زیرا به‌دستور شاه درتمام‌طول این لجن‌زار که قریب پنج فرسنگ می‌شودجاده سنگفرشی طویل وعریض ومستقیمی بنا کرده‌اند که واقعاً بسیارجالب است. البته این جاده به‌اتمام نرسیده هنوز مشغول ساختمان‌آن هستند وچون دربسیاری ازنقاط رودهای کوچکی از وسط آن عبور می کند به‌روی آن‌ها پل می‌بندند ویکی‌ازاین پل‌ها دارای اطاق‌های کوچکی است تامسافران‌بتوانند در داخل‌آن استراحت کنند[1]. پل‌مزبور در روی رود نسبتاً بزرگی که نام‌آن ترکی است وآجی چای یعنی رودخانهٔ تلخ نامیده می‌شود بناشده وهمانطورکه‌ازاسم‌آن پیدا است آب این رودخانه به‌علت نمک فراوان وزمین‌شوره‌زارتلخ مزه است. بعدازگذرانیدن این لجن‌زار وطی سه‌فرسنگ راه در زمین مناسب‌تر،شب به‌ده کوچکی به‌نام رشمه رسیدیم و همانجا بیتوته کردیم».

درسال ۱۶۲۸ یک‌هیأت رسمی انگلیسی به‌سرپرستی هربرت برای گشودن باب تجارت وارد ایران‌شده‌است. هربرت درسفرنامه‌خودخط سیرخودرا ازاصفهان به‌مازندران برای‌شرفیابی شرح داده است. راهی که هربرت ازاصفهان درپیش گرفت باراه‌دولاواله تفاوت‌دارد. اساسی مذکور درسفرنامه هربرت روشن نیستند. به ظاهراین مسافر از اصفهان مستقیم رو به‌شمال رفته وبین اردستان ونطنز وارد بیابان مسیله گشته است. راه بسیارقدیمی ازاین‌طریق به سوی سیاه کوه وجود داشته که شاید از آبادی مغار در ٤ فرسنگی اردستان بگذرد و درکاروانسرای سفیدآب به‌راه سیاه کوه وصل می‌شود.

---

۱ ـ هنوز خرابه اطاق‌ها پا برجاست.

هربرت نقشه‌ای هم ازایران تهیه کرده که دراطراف مسیله جاهایی به‌نام آب گرم‌سفید اوسیاه کوه‌را ضبط کرده است. شرح هربرت دربارهٔ جاده سنگفرشی مکمل نوشته‌دولاواله‌است. او می‌نویسد : «قسمت اعظم شب‌را درجادهٔ سنگفرشی سواره طی‌می کردیم که پهنای این راه به‌اندازه‌ای‌بود که ده سوارپهلو به‌پهلو ازآن می گذشتند. این جاده رابا مشکلات زیاد دربیابانی بزرگ که تاچشم کارمی کند صاف وهموار است ساخته بودند . کف بیابان سست وباتلاقی وازنمک سفیدی پوشیده شده که ضخامت‌آن دربعضی‌جاها به‌یک‌بازو می‌رسد. رهایی ازاین بیابان بسیار دشوار می‌باشد، زیرا موقعی که بادنمک‌راکه مانند غبار می‌ماند به هوا پرتاب می کند به هیچوجه چیزی قابل رویت‌نیست. چنانچه اسب وشتر از جاده خارج شوند بدون امیدخلاصی فرو می‌روند، زیرا باتلاق آن‌قدرمحکم نیست که به‌تواند تحمل جثهٔ چهار-پایان‌را به‌نماید.

حرکت درجاده‌های کویر نمک درایران به‌خودی‌خودنامطبوع بوده تاچه‌رسد به‌اینکه مسافران خطرحمله راهزنان را هم درپیش‌داشته باشند، ولی خدا را شکرکه ما به سلامت در رفتیم».

شمال حوضهٔ مسیله

شمال حوضهٔ مسیله شامل جلگهٔ وسیع آبرفتی وراسین است که مخروط افکنهٔ جاجرود باشد. درجنوب غربی این‌جلگه فاضل آبهای جاجرود وکرج بهم متصل‌شده باقسمتی‌ازآبهای رودشورواردد دریای مسیله می‌شوند ودرجنوب شرقی آن دوکوهستان دوازده امام وسیاه کوه وقدری دورتر، کوه‌های طلحه وملک‌آباد ونخجیر قراردارند.

۱- جلگه‌های ورامین

رود جاجرود که سرچشمهٔ‌آن ازکوه‌های کلون بستک است ، البرز مرکزی‌را شکافته و کمی قبل‌از ورود به‌جلگهٔ ورامین ، رود دماوند نیز بدان متصل می‌شود . مخروط افکنهٔ

جاجرود ازسرخ حصار است که جاجرود شاخه‌شاخه شده و در دشت آبرفتی پای کوه پخش می گردد. سطح مخروط افکنه محدب وشیب‌آن تند است وبه‌این علت، قسمت اعظم‌آب های جاجرود درموقع طغیان بهار در مشرق ومغرب مخروط افکنه جاری می‌شوند. فاضل آبهای شاخه های شرقی به‌زم رود ریخته وبه کویر خوار ودشت کویر می روند وفاضل‌آبهای شاخهٔ غربی که معتبرتر است، درمجرای ثابتی افتاده ودر ده کیلو متری ورامین، در باقرآباد، راه شوسه را قطع می کند وپل باقرآباد برروی‌آن قراردارد.

بعداز باقرآباد، رود به سمت جنوب غربی جاری است وازعلی‌آباد و فتح‌آباد و امیرآباد می گذرد ونزدیک فتح‌آباد، رود دیگری به‌اسم دوتویه به‌آن می‌ریزد. دوتویه‌ازفاضل‌آبهای کرج درشهریار آبگیری می کند وفاضل آبهای دیگری به اسم سیاه آب و همچنین فاضل آب رود کن را همراه دارد. جاده تهران‌به‌قم، رود دوتویه‌را سه کیلومتر بعداز کهریزک قطع می کند. راه تهران به‌ساوه نرسیده به کاظم‌آباد ازدو تویه می گذرد واگر آنرا دنبال کنیم به‌شاخه‌ای‌از کرج درنزدیکی بادامک می‌رسد.

پس‌از اتصال بادوتویه،جاجرود بعداز امیرآباد، جهت جنوبی گرفته ازمغرب قاسم‌آباد وفخرآباد ونجف‌آبادمی گذرد ودر دو کیلومتری‌جنوب‌شرقی سالاریه به‌رود کرج متصل می‌شود.

توصیف‌مذکور ازآبهای جاجرود،مربوطبه‌فصل سرد ومرطوب است که‌آب‌زیادوهرزاست وگرنه درفصل خشک هرنهر به‌مقدار معینی ازآب رود بهره گرفته و قطره‌ای از آب رود هدر نمی‌رود وفاضل‌آبی نیست که به‌دریای نمک برسد.

آبرفتهای‌مخروط افکنه، ساختمان زیرین زمین‌راپوشانده ودرمنطقهٔ‌مشرف‌به کوهستان، آبرفتهای درشت جاجرود، در دشت‌پراکنده است. درناحیه پایکوه به‌واسطهٔ وجود قلوه‌سنگ وریگ وشن، کشاورزی پای نگرفته ودورازکوه است که آبرفتها به‌تدریج دانه ریز ونرم شده‌و جلگهٔ زراعتی ورامین شروع می‌شود.

گوشهٔ این دشت به‌ارتفاعات ری محدود است که درآن کوه‌های کرتاسه هویداست وطبقات پالئوژن که دنباله‌ای ازتشکیلات کوه‌سه‌پایه باشند درحاشیهٔ شمالی ارتفاعات‌ورامین وسعتی‌را گرفته ودرآنها آهک‌های ائوسن ظاهر می‌شوند.

گاهی طاقدیس های محلی، طبقات زیرین میوسن را که آهک های شیری رنگ ومارنهای سرخ باشد نمایان می کنند، ولی زمین های اصلی ازمارن های سرخ وقهوه‌ای یا خاکستری گچ دار است که جزو طبقات سرخ بالا هستند وگاهی دربین این سازند، ریگ وقلوه سنگ هم دیده می‌شود که آبرفتهای قدیمی پلیوسن باشند و هم ردیف بختیاری قرار می گیرند . این آبرفتها درمنطقهٔ تهران به‌نام سری A توسط ریبن[1] نامگذاری شده‌اند.

ازمشرق ایوان کی، طبقات آبرفتی پلیوسن به‌طور همشیب برروی سازند سرخ بالا قرار گرفته وباضخامت زیاد، درپای ارتفاعات البرز به‌طرف مغرب ادامه دارند. آبرفتهای پلیوسن، سابقاً تمام منطقهٔ پای کوه را پوشانده ودریک دورهٔ فرسایشی بعداز پلیوسن ، این ناهمواریها یکنواخت گشته است.

دورهٔ فرسایش کنونی بعداز فشارها وبالاآمدن زمین درابتدای دوران‌چهارم به‌این‌طرف دربسیاری جاها، زمین های پلیوسن ویابختیاری را ازبین برده است.

یک شاخه ازفاضل آبهای جاجرود درکنار مخروط افکنه به‌طرف جنوب‌شرقی جاری است وبه زم رود متصل شده وارد کویرهای خوار می‌شود وپیداست که تمرکز مواد آبرفتی، سطح مخروط را درقسمت مرکزی بالا آورده وفاضل آبها درکنار مخروط جاری شده‌اند.

دروسط مخروط ، ضخامت آبرفتهای تازه زیاد است، ولی درکناره‌ها ضخامت کم می‌شود. جاجرود درقصبهٔ پارچین، ارتفاعات آبرفتی پلیوسن را شکافته و وارد دشت می‌شود و درمغرب جاجرود آبرفتهای پلیوسن نازك است به‌طوری که از زیر آنها طبقات سرخ بالا آشکار می گردند وازحصار امیر به‌طرف مشرق، همه‌جا طبقات سرخ بالا، سطح زمین را فرا گرفته‌است.

درجنوب وراسین ، درطول جهتی جنوب شرقی به‌شمال غربی طاقدیس هایی زمین های میوسن را ظاهر می‌سازند . ابتدای این ساختمان ، ازارتفاعات شرقی امامزاده جعفر و قصبهٔ پیشوا است که درآنجا در روی میوسن، آبرفتهای پلیوسن هم وجود دارد. جبهه جنوبی این طاقدیس‌شکسته ودرجنوب شرقی‌آن آهکهای میوسن پایین بیرون‌می‌آیند. در دنبالهٔ‌طاقدیس پیشوا به‌سمت شمال غربی، درجلگهٔ وراسین تپه‌ها وبرآمدگی‌ها زمینهای سرخ وقهوه‌ای و

---

۱ - Rieben

مارن‌های گچ دار راآشکار می‌سازند. بااین طبقات اکثرآبرفتهای قدیمی نوع A همراه است[1]. ریگ وشن های آبرفتی پلیوسن درمغرب ورامین فراوان وقلعهٔ مخروبه وقدیمی ورامین از این سنگها پی‌ریزی شده است. درتپه ها وبریدگی های مغرب باقرآباد،قلوه سنگ‌وجوشسنگ ومارن وماسهٔ آبرفتهای قدیمی به‌طور همشیب برروی مارن‌های سرخ بالا قرارگرفته و قلوه سنگ و جوشسنگ ازسازند پلیوسن باید باشند.

درمغرب ایستگاه بهرام دوطاقدیس دیگر، زمین های زیرین سازند سرخ بالا را ظاهر می‌سازند. طاقدیس اولی درجهت ش‌ج‌ش به غ‌ج‌غ درشمال امین‌آبادودورسون‌آبادقرارگرفته‌ودر دامنهٔ‌شمالی‌آن‌قشری ضخیم ازآبرفتهای پلیوسن به‌طرف شمال متمایل است. درچالهٔ‌دورسون آباد، فاضل‌آبی به‌طرف جاجرود جاریست ودرجنوب غربی این چاله،درجهتی از شمال‌غربی‌به جنوب شرقی طاقدیس بزرگتری ظاهر است. این طاقدیس درمشرق درهٔ دوتویه واقع‌وتانزدیکیهای کهریزك ادامه دارد. طاقدیس نامتقارن، وجبهه غربی‌آن برگشته به سمت دره وجبهه شرقی آن کشیده به‌سوی جلگه است. درمرکز طاقدیس زمینهای خروجی آندزیت بیرون آمده‌وروی آنها آهك‌های ورقه ورقه ائوسن پوشیده ازتوفهای سبزاولیگوسن ودرجنوب غربی ومشرق‌این طاقدیس سازند سرخ‌بالا باشیب‌تندی به‌اطراف متوجه گشته وروی‌سازند مارن‌و گچ راآبرفتهای پلیوسن فرا گرفته‌اند.

ساختمان و ناهمواری های مخروط افکنه جاجرود در ورامین موضوع بحث جالب است که مورد توجه فعلی‌ما نیست. حرکات کوه‌زایی بسیار جوان که شاید دراوایل دوران چهارم صورت گرفته باشد حاشیهٔ جنوبی و قسمت شرقی مخروط افکنه را بالا آورده و به نظر می‌رسد که شمال غربی جلگه به‌سمت ری حوضه‌ای فرونشسته باشد.

مخروط افکنه بااین حرکات به‌صورت یکنواختی بالا نیامده است ودر مغرب و جنوب چاله‌ای پیدا شده وکف پایه رودها تغییرکرده و جریان آب‌ها عوض شده است. درجاهای مختلف ورامین مجراهای خشك حاکی ازتغییرات جهت جریان آب است. بعضی مسیل ها

۱- برای اطلاع بیشتراز آبرفت‌های قدیمی به«زمین های آبرفتی اطراف تهران»، تألیف ریبن، انتشارات مرکزتحقیقات مناطق خشك دانشگاه، مراجعه شود.

بسترهای گود دارند وحتی میاندرهای چال پیدا کرده ومعلوم است که فرسایش فعلی برآنها تحمیل گشته است. گاهی آبرفتهای قدیم وجدید درهم آمیخته وآثار چند دوره فرسایش،وضع اصلی آنها را بهم زده است وآبرفتهای حاصله از فرسایش سازند سرخ بالا با آبرفتهای دوران چهارم بهم آمیخته‌اند . جهت بالاآمدن زمین هم ثابت نبوده ودربرابر جهت شمال غربی به جنوب شرقی که وضع جریان رودهای کن ودوتویه‌وکرج‌را به‌سمت کف‌پایه‌دریای‌نمک‌متوجه کرده ، یک محور غربی - شرقی هم وجود دارد . ازدهانهٔ جاجرود تاجلگه های ری آثار یک خط ساحل قدیمی‌یافت‌شده که یادگانه‌های آبرفتی آن حاکی‌ازعقب‌نشینی‌تدریجی‌دریاچه‌ای به‌سمت جنوب بوده است، ولی هنوزدلایل قاطعی بروجود این دریاچهٔ قدیمی به‌دست نیامده است .

۲- رودهای کرج وجاجرود

رود کرج که ازکوه‌های کلون بستک البرزسرچشمه دارد و سرچشمه‌اش نزدیک به سرچشمهٔ رود جاجرود است، درقصبه‌ای به‌نام کرج وارد جلگه شهریار شده وکشاورزی بلوک شهریار ، ازآب کرج است. درفصل تابستان یعنی ازماه دوم بهار به‌بعد، هیچ‌آبی دربستررود کرج وجود ندارد وکلیهٔ‌آب آن ازطریق نهرهای زراعتی به‌مصرف می‌رسد وحتی در زمستان هم جزدرمواقع طغیان شدید، فاضل آبی ازشهریار به‌وراسین نمی‌رود. به‌طوری که‌درکنارگرد، راه تهران به‌قم که پلی برروی کرج قرار دارد ، به‌ندرت آبی دربستر رود می‌توان دید ، ولی درهٔ رود درحدود ۱ متر گود است. بعدازکنارگرد، فاضل‌آبهای دیگری از رباط‌کریم‌شهریار به کرج می‌ریزد. جهت جریان رود طبق ساختمان زمین ازشمال غربی به‌جنوب‌شرقی است که درچاله‌ای بین کوه ارات وارتفاعات رود شور افتاده وسوازی بارو دشور ازصفرآباد واشتهاران و خمارآباد وعلی‌آباد گذشته ودرمقابل بوالقیطاس، پیچی به طرف جنوب خورده و از دست چپ دولت‌آباد و سالاریه عبورکرده و دوکیلومتر دورتر به‌رود جاجرود متصل شده و به نام رود بندعلیخان به‌دهی به‌همین نام می‌رسد. ازرود کرج آب قابل ملاحظه‌ای به‌بندعلیخان‌واصل نمی‌شود وحتی در زمستان، بسترروود کرج درمقابل دولت‌آباد، آب کمی‌به‌صورت زه‌آب دارد .

درجلگه‌های ورامین، رودهای کرج‌وجاجرود مدتی موازی‌باهم جریان دارند. زمینهای جلگه ازمارن‌های گچ دار است که کفه‌های شوری دراطراف دو رود می‌سازند، به طوری که بعداز هربارندگی، مارن‌های پف کردهٔ زمین، در زیر قشرنمک و گچ سفید که سراسر منطقه را گرفته مخفی می‌شوند. بستر هردو رود دراین جلگه‌ها گود وعمیق و درهٔ آن‌ها ۶ تا ۸ متر عمق دارد. جریان آب نشان می‌دهد که هردو رود روزی جریانی درسطح زمین داشته و پیچان بوده‌اند. پایین رفتن خط بستر وچال شدن آن‌ها باحفظ پیچهای رود همراه بوده وگواینکه‌در زمین‌های سست گچی ریزش کنار دره، جدارهای مقعر ومحدب را بهم زده، ولی درهٔ پیچان به‌خوبی نمایان است.

موازی‌بادرهٔ‌رود کرج، درسمت‌مغرب، ارتفاعاتی‌نامتقارن ازسازند سرخ بالاطاقدیس بزرگی نظیرطاقدیس ارات است. سراین طاقدیس را فرسایش ازبین برده‌ودامنه‌ای به‌شکل کواستا[1] با جبهه‌ای مشرف به‌درهٔ رود شور بنا کرده است.

دامنه‌های شرقی طاقدیس مشرف به‌درهٔ کرج است وسازند سرخ بالا باشیب تندی به‌طرف شمال شرقی میل دارند. دامنه‌ها ازآبرفتهای قدیمی وریگ‌های سیاه آتشفشانی‌باتوفهای سبز وشن وماسه پوشیده شده‌اند. مرز بین آبرفتهای سیاه‌رنگ بازمین‌های گچی ونمکی کویری بسیار مشخص است ودرسطح کویر مواد آبرفتی بسیارکم است وپیدا است که کویر بر روی دشت آبرفتی درحال پیشروی است، یعنی فشاری از داخل به خارج، کویر را برروی آبرفتها می‌کشاند.

کمی بعداز التقای دو رود به‌اسم آب بندعلیخان که به‌سمت جنوب شرقی‌جاری است، پیچی به‌طرف جنوب گرفته وبه‌طرف آبادی بندعلیخان سرازیر می‌شود. درشمال جاجرودقبل‌از التقای باکرج رگه‌هایی ازماسه وشن درسطح کویر دیده می‌شود که درجهت شمال غربی به جنوب شرقی ازیکطرف به‌جاجرودرسیده وازسمتی به‌چالهٔ شمالی دوازده امام‌متصل‌می‌گردد. این رگه‌ها درالتقای دو رود وجود دارند وامتداد آن‌ها به‌شیارهایی می‌رسد که همه متوجه به‌چاله دوازده امام است. درشرق بندعلیخان هم آثار یک مجرای خشک بجامانده‌است که روبه‌جنوب‌ادامه دارد. این مجرای خشک‌هم پیچ‌وخم دار است.

۱- Cueta

چالهٔ دوازده امام‌جهت غربی-شرقی‌دارد ودرآن فاضل‌آب‌های‌ده دوازده امام‌ومبارکیه جاری می‌شود وآنرا گلو گویند که انتهای‌آن کویرهای زم رود خلیجی از دشت کویر است . درهٔ گلو مجرای فاضل آبهای جاجرود به‌سمت دشت کویر بوده است وشاید کرج هم به حوضهٔ دشت کویر وارد می‌شده وامروز تغییرمجرا یافته باشد.

قبل‌از اینکه بدنبال سرنوشت کرج وجاجرود رویم درهٔ خشک‌وپیچان‌مشرق‌بندعلیخان را دنبال می‌نماییم . درهٔ خشک درجهتی شمالی-جنوبی درپای ارتفاعات دوازده امام ادامه دارد ودرکویرهای جنوبی دوازده امام به‌تپه‌هایی می‌رسد که درحدود چهار تاپنج‌متر بلندی دارند وجهت آنها شمالی - جنوبی است. این تپه‌ها به نام تپه وزیر بقایایی از پادگانه‌های آبرفتی کرج ، جاجرود ورود شور است. سطح پادگانه‌ها پوشیده ازمواد آبرفتی ریز ودرشت ، حاکی ازجریان سیلابی رود بوده و درآن‌ها دانه‌های توف سبز البرز فراوان دیده می‌شود . وجود پادگانه‌ها حاکی ازپایین رفتن سطح مصب در زمان نزدیک است. شاید همین علت باعث فرو رفتگی بسترروده‌های کرج وجاجرود دراطراف دولت‌آباد وبوالقیطاس باشد.

آب بندعلیخان که ترکیبی ازکرج وجاجرود باشد اززندیکی بندعلیخان می گذرد ودر این محل گوشه‌ای ازارتفاعات سیاه پرده‌رابریده وبستر رود چهار تاپنج‌متر عمق‌دارد .بنابراین، جریان رود از این طرف موقعی انجام گرفته که رود درسطح بالاتری واقع بوده و درجلگهٔ آبرفتی ، مصب پیچ‌وخم داشته است .

به‌نظر می‌رسد که دربرابر چالهٔ مسیله درحال فرونشستن،حاشیهٔ شمالی‌آن خاصه منطقهٔ سیاه پرده بالا آمده باشد. به‌واسطهٔ بالاآمدن زمین، مسیر رود باپیچ‌وخم‌های قبلی گود افتاده وسیاه پرده بریده شده است.

بعداز بندعلیخان رود باپیچهای بزرگ دربستر گود به‌طرف جنوب ، درپای سیاه پرده جاری وعمق‌بستر ۲ تا۳متر است. رودخانه دوشاخه شده وهرشاخه به‌شاخه‌های دیگری تقسیم گشته وآب‌ها به‌طرف جنوب روان می‌شوند. در ۱ کیلومتری پایین بندعلیخان، هنوز آب‌ها درسطح زمین پخش نمی‌شوند وبستر آب‌ها بیش‌از ۱ متر گود وهنوزمخروط افکنه شروع نشده است. درشمال غربی و مغرب این شاخه‌ها بهری از مخروط افکنه بزرگ رود شور قرار دارد

ومجراهای قدیمی رود شور موازی بالبه سیاه پرده به‌صورت رگه‌های ماسه‌ای وشنی در سطح کویر دیده می‌شودوپیداست که درگذشته، رودشور به‌طرف جنوب‌شرقی جریان داشته وآبهای رود شور با کرج وجاجرود مخلوط می گشته‌اند.

آب ها امروز از مجراهای شرقی یعنی موازی بادامنه های دوازده امام جریان دارند. درپای دامنه‌ها یک منطقهٔ کویری زرده وسپس شیارهای زیاد ومجاری سابق آب و درمغرب‌آن‌ها کویرهای‌مرطوب‌است. ازشاخه های غربی آب کمی جاری‌است که به‌خط مستقیم روبه‌جنوب می‌رود. دربیست کیلومتری بندعلیخان هنوزاین مجراها گود وپیچ و خم دار ودر اطراف شیارها تپه های کوچک سفیدرنگ ازگچ ومارن و روی تپه‌ها آبرفت‌های سیاه قدیمی پراکنده است. این آبرفت‌های سیاه ازحوضهٔ رود شور آمده وبه همین‌جهت دربندعلیخان‌ازاین آبرفت‌ها خبری نیست‌وپایین‌ترازجایی که شاخه‌های سابق رود شور جریان‌داشته‌اندآبرفتهای سیاه ظاهر می‌شوند.

انحراف رود شورازحوضهٔ مسیله به‌حوض سلطان باعث کاهش‌جریان‌آب درشاخه‌های شرقی رود بندعلیخان شده وشاید گودی بسترها دراین قسمت مربوط به‌وضع جریان سابق رود شور باشد. درمغرب این مجراها کفه‌های سفیدرنگ وسخت شبیه به کف دریاچه‌ای خشک شده است که راه قرق سیف از آنجا می گذرد. شاخه‌های مرکزی که عمدهٔ آب رود در آن‌ها جاری است به‌خط مستقیم روبه‌جنوب شرقی امتداد دارند وقسمتی درگوشهٔ شمالی دریای نمک وارد مسیله می‌شود وحتی درنزدیکی دریا نهرها گود وبریدگی‌های زمین زیاد است. آبرفت‌های سیاه رنگ رود شور دراین قسمت درتپه‌های کوچک و ممتدی جریان سابق آب‌را نشان می‌دهند. در نزدیکی دریای نمک بهری ازفاضل آب‌های رود شور به قسمت مشرق پیچیده وبه‌آبهای کرج وجاجرود ملحق می‌شود. به‌نظر می‌رسد که شمال دریای نمک درحال فرونشستن وچال شدن‌است وشایدپایین رفتن کف‌حوضه به‌واسطهٔ حرکات‌زمین‌از دوران‌چهارم به‌این طرف باشد. درچهارکیلومتری ساحل کنونی،درجایی که آبهای رود شور به‌طرف‌مشرق پیچ می‌خورند، آثار چند پادگانهٔ منقطع در ارتفاع ۵ تا ۶ متری، حاکی از محل خط ساحل قدیم‌است.

۳- رود شور

رود شور نه‌سرچشمه مشخصی دارد ونه مصبی ثابت. آب‌های فراوانی ازمناطق‌مختلف جمع‌می کند، ولی نه‌آبی که مفید برای کشاورزی وآبادانی باشد. آبی گچ دار ونمک‌دار که‌به هرزمینی برسد آنرا شورزار می کند وهر زراعتی‌را معدوم می‌سازد. در فصل سرد آب فراوان رود به کفه های حوض‌سلطان می‌رسد ودریاچه‌ای می‌سازد ودرفصل گرم که در مناطق مجاور رود، هرقطره آب عزیز و گرامی‌است کسی، به‌این رود توجه نمی کند، زیرا شوری رود به‌اندازه‌ای است که دام‌ها نیز ازآن گریزانندچه‌رسد به کشت و زرع که برای آنها آب شور سم مهلک است.

آب گیری رود شور ازمنابع مختلف است. آب اصلی‌آن ازفاضل‌آبهای خررود است که از کوه‌های آوج سرچشمه دارد ودرجلگه های قزوین فاضل‌آبهای ابهر رود که ازجنوب تاکستان می گذرند درچاله‌ای پخش شده وبه‌این چاله کویری فاضل‌آبهای قزوین نیزوارد می گردند. آب گیری اصلی رود شور ازاین ماناب‌ها است که درشمال بلوك زهرا رود شور را می‌سازند. دربا تلاق‌های محمدآباد قزوین، آب‌های شور ارتفاعات اشتهارد، بدان می‌ریزند و در شمال اشتهارد، درعبور ازتوده‌ای نمکی، شوری آب به‌حد کمال می‌رسد ودرجهت غربی-شرقی، در شمال کوه جارو، جاری است. مسیر رود هم دراین ناحیه چشمه‌های شور دارد و درمشرق کوه جارو رود شور پیچی به‌طرف جنوب شرقی گرفته ودر دشت شیرین‌آباد، فاضل‌آبهای شور دیگری ازکوه جارو بدان ملحق می‌شوند وبه‌این صورت، رود شور باآب فراوان ودرهٔ عمیق، در زمین های میوسن باسناظر بریده بریده وهزار دره راه تهران به‌ساوه را قطع کرده و به جنوب شهریار می‌رسد. دراین منطقه‌فاضل‌آب‌های خرقان وخشکه رود که آب شیرین‌دارند وارد رود شور می‌شوند.

درجنوب غربی شهریار، جریان رود شور به‌طرف جنوب شرقی، درطول طاقدیسی قرار دارد ورود شور درشمال آن واقع است واین طاقدیس، زمین‌های ضخیم طبقات سرخ بالا را ظاهر می‌سازد. در دامنهٔ شمالی طاقدیس، آبرفت‌های قدیمی پلیوسن‌است که به‌طورهمشیب برروی طبقات میوسن قرار گرفته و درگذشته این آبرفت‌ها تمام طبقات سرخ بالا را پوشانده

بوده‌اند. این دشت ، صرفنظر ازبریدگی‌های محلی و درهٔ رودها ، سطحی یکنواخت و هموار بوده وشاهد یک دورهٔ طولانی فرسایش است. این دورهٔ فرسایش جدید که فعلاً جایگزین آن شده است ، دره‌ها و بریدگی ها و مناظر بد زمین[1] را بار آورده است . رود شور در زمان گذشته ، در سطح فرسودهٔ قدیمی ، دره‌ای آبرفتی ساخته وسپس در دورهٔ بعدی آبرفت ها را کنده وپایین نشسته ودوپادگانه آبرفتی مطبق بنا کرده است.

جلگه های هموار و یکنواخت ، ازکهریزك تادرهٔ رود شور هم کف و ارتفاع کهریزك ۹۵۰ متر وبستر رود کرج درکنارگرد ، در. ۹٤ متری ودرهٔ رود شور درارتفاع ۹۳۸ متری‌است وبلندی‌هایی به‌ارتفاع تقریبی هزارمتر ، دودره را ازهم جدا می کنند. بلندی‌های مشرف به رود شور درهزار متری ودشت بعدازآن در. ۹۸۰ متری ودشت عزیزآباد در. ۱۰۲۰ متری است . درهٔ رودشوردرسرطاقدیسی حفرشده ودرحدود. ٦ متر عمق دارد ودرجنوب دره،طبقات سرخ بالا دوطاقدیس دیگر می‌سازند و مجموعه سازند ، در زیر آبرفت‌های آتشفشانی گوی داغ مخفی می‌شوند.

جدارهای دره تحت فرسایش مکانیکی وشیمیایی، درمارن های قهوه‌ای باورقه های گچ ، به‌نحوی غیرعادی بریده وشسته وفرو ریخته وبهترین نمونهٔ مناظر زمینهای سرخ بالارانمایان می‌سازند. فرسایش کارستی نیزبه پیدایش حفره‌ها وچاله ها ودره‌های خشک کمک کرده‌است.

طاقدیس طبقات سرخ بالا به‌طرف جنوب شرقی دوباره ظاهر می‌شود و درشمال این طاقدیس ناودیسی در پای کوه مره است. دشت شمالی و شرقی کوه مره که رود شور در آن جاریست پوشیده ازآبرفت های سیاه رنگ است که بیشتراز منطقهٔ مرکزی کوه مره که زمینهای خروجی دارد ، سرچشمه گرفته‌اند. درآبرفتها، گذشته ازمواد آتشفشانی، ریگهای آهکی‌وتوف سبزنیز وجود دارد. در دست چپ رود شور ، طبقات سرخ بالا باروپوش‌آبرفتی ، شیبی به‌طرف مشرق وشمال شرقی دارند وپیشانی طبقات به‌شکل کواستا ، مشرف به درهٔ نامتقارن رود شور است که قریب ٦۰ متر عمق دارد ودرمشرق کواستا ، جلگه های رود کرج و ورامین است . در درهٔ رود شور، لااقل دوپادگانه وجود دارد که پادگانه زیرین ٤ تا ٥ متر بیشتر ارتفاع ندارد ودرطبقات‌مارن و گچ باروپوشی‌ازآبرفتهای آتشفشانی است. پادگانه های‌زبرین درارتفاع ۳۰ متری قراردارند.

۱- Mauvaise terre

بستررود شور دردشت‌های مره بسیار نامناسب قرارگرفته است. بلندی بستر فعلی در حدود ۹۲۰ متر است، ولی دشتهای جنوبی از ۹۰۰ متر کمتر وباشیب تندی به چالهٔ حوض سلطان می‌رسند. جدارهای دست راست رود شور با ۲۰ متر بلندی جریان را در بستر حفظ کرده‌اند، ولی جریان آب درگذشته به‌این صورت نبوده است. جهت رود شور، تامقابل‌سیاه پرده ازشمال غربی به‌جنوب شرقی است ودرمقابل سیاه پرده رود شورانحرافی به‌طرف جنوب گرفته وموازی باسیاه پرده جریان دارد. آنچه به‌نام دشت سیاه پرده معروف است، درحقیقت پادگانهٔ دست چپ رود شور است که سطح آن امروز ۲۰متر بالاتراز بستررود شور وجنس آن مارن وگچ وروی‌آن آبرفتهای سیاه آتشفشانی است. اصطلاح سیاه پرده به واسطهٔ زمین های سفید گچی زیر، وروپوش آبرفتی سیاه، در رو می‌باشد. جهت سیاه پرده دراستداد درهٔ رودشور است که عرض‌آن ابتدا کم وسپس افزایش یافته وبه‌شکل مخروطی دراز، تا بندعلیخان‌ادامه دارد و در بندعلیخان رود کرج ـ جاجرود انتهای آن را قطع می کنند. درسطح سیاه پرده، بریدگی‌ها وچاله‌هایی درهمان جهت شمال غربی به‌جنوب شرقی است که گل‌ولای و رس، درچاله‌ها ظاهر می‌باشند. آبرفتهای سیاه آتشفشانی که درسطح سیاه پرده، دیده می‌شوند، از کوه مره آمده وچون تنها رود شور، دراین منطقه جریان دارد، باید قبول کرد که سیاه پرده درواقع دلتای قدیم رود شور است که درسابق، دراین محل، آب درسطح زمین پخش‌شده وآبهای رود شور در بندعلیخان باآبهای کرج وجاجرود متصل می‌شدند.

در زمان حاضر، رود شور پس‌از آنکه مدتی موازی باسیاه پرده جاری شد، پیچی به سمت جنوب وجنوب غربی گرفته وتپه‌های طبقات سرخ بالارا درتنگی بریده ووارد دشت‌های شمالی قلعه دیر می‌شود. این دشتهارا باید مخروط افکنهٔ بزرگ رود شور دانست.

جریان رود شور تغییرات مجرای زیادی دربر داشته است. پس از پیدایش مخروط افکنه سیاه پرده، رود شور درشمال مخروط، مجرای تازه‌ای یافته واین مجرای قدیمی از ازابتدای سیاه پرده، موازی باآن درچاله‌ها وحفره‌هایی که بین طبقات سرخ بالا درشمال‌شرقی ودشت سیاه پرده درجنوب غربی است، دیده می‌شود. امتداد این چاله‌ها به دره‌ای خشک می‌رسد که درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی تادرهٔ کرج ـ جاجرود، ادامه دارد، ولی سعت

این درهٔ خشک زیاد نیست وپیداست که تمام آب رود شور نمی‌توانسته از این مجرا به درهٔ کرج ـ جاجرود برسد و شاید موقعی که رود شور به طرف جنوب تغییر مجرا داده ، قسمتی از فاضل‌آبهای آن دراین مسیرجریان داشته‌اند.

راه اسدآباد به‌بندعلیخان و کاروانسرای دیر از روی طاق طبقات سرخ بالا که همه‌جا جداردست چپ رود شور را تشکیل داده می گذرد. منظرهٔ ناهمواری بازهمان کواستای یک شیبی است. راه ازپیشانی بریده بریده ومنقطع کواستا گذشته ودرپای‌آن چالهٔ وسیعی در جهت شمال غربی به‌جنوب شرقی است که درهٔ خشک سابق رود شورباشد.

عرض سیاه پرده ، درپهن‌ترین جاها ٦ کیلومتر است وازلبهٔ جنوبی آن شیار هایی جدا می‌شود که سابقاً مجرای آب به طرف دریای مسیله بوده وقسمتی ازآبها هم از راه درهٔ خشک به‌بندعلیخان می‌رسیده‌اند وبهری هم ازپیشانی مخروط ، وارد کرج وجاجرود می‌شده‌اند.

نتیجهٔ کلی اینکه ، باملاحظهٔشیب بسیارکم سیاه پرده واستادآن به‌طرف‌جنوب‌شرقی، باید فرض نمود که درآن زمان ، کف پایه بالاتراز کف کنونی بوده است و درآن موقع هنوز چالهٔ مره وچالهٔ حوض گود نبوده وچالهٔ مسیله هم سطح فعلی‌را نداشته و شاید مصب تمام این آبها ، چالهٔ زم‌رود خلیجی از دشت کویر بوده است. بعدها دردوران چهارم طاقدیس طبقات سرخ بالا بامخروط افکنهٔ سیاه پرده بالا آمده وچاله های حوض فرو نشسته و به واسطهٔ نزدیک شدن به کف پایهٔ جدید رود شور ، راه حوض‌را پیش گرفته است. بعداز این واقعه ، دورهٔ فرسایش‌جدیدی‌شروع شده وفرسایش زمین کنی‌رودشورمخروط‌افکنه‌را. ۲ مترپایین برده و فرسایش قهقرایی جدید، باعث پیدایش پادگانه های آبرفتی ، درطول رود شورشده است.

بعداز تنگهٔ رود شور ، گاهی جریان آب به‌طرف حوض مره وزمانی آبها به‌سمت جنوب شرقی ، درفاضل‌آبهای کرج ـ جاجرود ریخته‌اند ودر هردوره بااین تغییرات ، شرایط فرسایشی رود عوض شده است.

بعداز تنگ رود شور ، مخروط افکنهٔ فعلی رودشور است ودر زمان حاضرتمام آب‌روداز بستری درحاشیهٔ غربی مخروط جاری می‌شود. مخروط افکنه درشمال محدود به‌تپه های‌طبقات سرخ بالا ودرشرق به‌سیاه پرده و شاخه های غربی آب بندعلیخان می‌شود . وضع جریان آب

به‌این صورت است که آب رود شوردرشمال غربی مخروط به‌طرف جنوب غربی رفته‌ودرنزدیکی کویرهای حوض‌سره،شاخه شاخه می‌شود. درشمال مجرای کنونی ، مجراهای‌خشک‌دیگری وجود داردکه پیداست موقعی آب در دشت‌های جنوبی سره جریان داشته و شاخه اصلی در پایین به‌طرف مغرب پیچیده ودرگوشهٔ شمالی حوض سره واردآن می‌شده ومقداری ازآبها هم به‌خط مستقیم پایین آمده ، وارد تنگه‌ای می‌شود که فاضل‌آبهای حوض سره ومسیله رود از راه آن به‌دریای مسیله می‌روند . پس درزمان حاضر هم بهرزیادی از فاضل‌آبهای رود شور ، ازراه کویرهای سره بافاضل‌آبهای مسیله رود یکی شده وبه‌دریای نمک می‌ریزد . در مخروط افکنهٔ فعلی رود شور جریان آب ثابت نمانده وبه‌طوری که بسترهای خشک و مسیرهای ماسه گرفته حاکی است، آبها درسابق ازمجراهای شرقی به‌طرف مسیل های رود بندعلیخان متوجه بوده وبه‌آن می‌ریخته‌اند ویافاضل‌آبها به‌طرف جنوب آمده و وارد دریای نمک می‌شده‌اند.

درتنگهٔ رود شور آثار مخروبه‌ای شبیه به سد وجود داردکه از کنارآن مسیل هایی به‌طرف جنوب وجنوب شرقی موازی باسیاه پرده کشیده شده که انتهای آنها فاضل‌آبهای بند ـ علیخان است. این مسیل ها امروز خشک و راه کاروانسرای دیر آنها را قطع می کند . سطح مسیل ها پوشیده از آبرفتهای سیاه آتشفشانی وماسه‌های فراوان است . بوته‌های گز در این مسیل ها زیاد وگاهی باد ، ماسه‌ها را به دور بوته‌ها جمع کرده وتپه‌های کوچک ماسه‌ای ساخته است و بریدگیهای زمین ورگه‌های ماسه‌ای وشیارهای شاخه شاخه ، امتداد جریان آب‌را به‌طرف دریای نمک و آب بندعلیخان نشان می‌دهند و حتی این آبرفت های آتشفشانی به‌صورت تپه ، بعد از التقای فاضل‌آبهای رود شور باآب بندعلیخان ، در بستر شاخه های بندعلیخان هویداست ومعلوم است که درسابق آبهای فراوان رود شور، موادآبرفتی‌آتشفشانی کوه سره‌را به دلتاهای آب بندعلیخان رسانده‌اند. دربارهٔ تغییرات مجرای رود شور درمخروط افکنهٔ دیر ، نظر قطعی نمی‌توان ابرازکرد ومعلوم نیست که این تغییرات مجرا در چه زمانی صورت گرفته است . آثار سد مخروبه یاپل شکسته ، درتنگهٔ رود شورعلل مختلفی می‌تواند داشته باشد. شاید دراین محل سدی جهت انحراف‌آب به طرف دشت‌های دیر واستفاده ازآن برای آبیاری بوده وممکن است این سد برای برگرداندن آب ازحوض سره به‌طرف دریای نمک

وجلو گیری ازپیدایش باتلاق وماندا ب درحوض سره وحوض سلطان صورت گرفته باشد. اما روایت براین است که درآخرین مرحلهٔ پیدایش حوض سلطان ، به منظور به‌وجود آوردن دریاچه ، درسال ۱۸۸۶ ، اتابک سد مزبور را خراب کرده است. دراین باره گفتهٔ مستندی در دست نیست، ولی معلوم است که چون آبگیری حوض سره وحوض سلطان ازرود شور است، اگر سد به‌منظور انحراف آب بوده باشد، پس از شکسته شدن سد، آب به‌سوی شرق جاری می‌شود.

بررسی وضع راه‌های تاریخی ویافتن پل های قدیمی ، ممکن است وضع جریان قدیم آب را روشن کند. راه قدیمی پیش از اسلام که کاروانسرای دیررا به‌ورامین وری متصل می کرده، رو به شمال است و باید به نحوی از رود شور بگذرد. در زمان آبادانی راه دیر ، رود شور نمی‌توانسته ازمجراهای شرقی جریان داشته باشد ، زیرا دراین صورت، عبور از مخروط افکنه بسیار مشکل ودرفصل سرد قوافل نمی‌توانسته‌اند ازگدارها بگذرند ، مگر قبول کنیم ، آثاری که به‌اسم سد برروی رود شور است ، یک پل قدیمی کوچک سرراه دیر به ورامین بوده و یا در زمان آبادانی راه دیر، رود شور به‌حوض سره وحوض سلطان می رفته است وممکن است درآن زمان هم آب از هردو مجرا جریان داشته ، زیرا یک مجرای قدیمی متروك به طرف مشرق وجود دارد که دربرابر کاروانسرای دیر به بستر فعلی رود می‌رسد و از طریق این مجرا مقدار کمی ازآب رود شور به کفه های حوض سلطان می‌رفته وهمین آب کم، باعث پیدایش زمین های باتلاقی درکویر خوش خبر ومسیر بین دوحوض بوده که مجبور شده‌اند، راه دیر را درآن قسمت سنگ فرش نمایند وهم‌چنین وجود کویر و کفه درسر راه قدیم پل دلاك ، حاکی از این است که درزمان اتابک هم مقدار کمی ازآب رود شور به حوض می‌رسیده و اگر اتابک اقدامی دربرگرداندن مسیررود شور نموده‌باشد، با علم به‌این موضوع بوده که رودشور مسیری به‌طرف حوض داشته ودرغیر این‌صورت، اتابک دست به‌چنین کار خطیری نمی‌زده است.

بین شاخه های متروك شرقی و بستر فعلی رود شور ، مخروط افکنه قرار دارد . سطح مخروط محدب وبالاترین قسمت آن ازکاروانسرای دیر، درطول یک برجستگی به‌سمت جنوب است که تاتنگهٔ بین دوحوض ادامه دارد. دربالای دیر وخاصه دربسترهای متروك ، نباتات زیادی ازنوع لیسیوم[1] واسکینل[2] وگز[3] جای گرفته و گاهی بوته های بزرگ به‌صورت درختچه

۱- Lissium ۲- Calligonum

۳- Tamarisk.

درآمده‌اند. دراین منطقهٔ شمالی ، درزمانی نزدیک ، کشت و زرع انجام می‌شده وگذشته از نهرهای انشعابی ازرود شور قناتی هم برای آبیاری باغ وقلعه بزرگ گلی دیر،احداث گشته، ولی از آبادی محل ، کسی خاطره‌ای ندارد . قسمتی ازاین کارهای عمرانی مربرط به مرحوم میرزا یوسف صدراعظم است. درجنوب کاروانسرای دیر، گیاه‌ها کوچک‌وپراکنده‌شده و کم کم زمین های زردرنگ کویری باشخلوطی ازماسه به کویرهای زرده ختم می گردند.

درقسمت پایین‌تر ، درمرکز مخروط ، باز چند نهرمتروك دیده می‌شود . این نهرهای متروك ازفاضل‌آبهای قسمت بالای مخروط آبگیری می کنند ودرفصول مرطوب ، آبدارمی‌شوند ودرسطح کویر ازبین می‌روند. شن وماسه حتی درقسمت‌های پایین مخروط فراوان است، ولی درمرکز آن یک منطقه کویری شسته و سفید باقشری ازنمک، هموار ویکنواخت و بدون گیاه است. درمعبری که فاضل‌آبهای حوض‌سره ورود شور ورود مسیله به‌طرف دریای‌نمک‌می‌روند، آب درجلگهٔ هموارى پهن شده وزمین، کاملاً شسته و کویری‌است.

مغرب وشمال غربی حوضهٔ مسیله

درجنوب قم ، ارتفاعاتی است درجهت عمومی شمال غربی به‌جنوب شرقی که ازمغرب قم شروع شده و کوه یزدان نام دارند . این ارتفاعات، جادهٔ قم به اصفهان را در داغان قطع کرده وامتداد آن به طرف جنوب شرقی کوه نرداغی‌است. این رشته به طور ممتد تا لنگرود ادامه دارد وسپس ازجنوب شوراب ومهرآباد گذشته راه کاشان آن‌را قطع می کند و در جنوب فیروزآباد ، قبل‌از خط آهن کاشان ، درکویرهای غربی مسیله ختم می‌شود.

ازلحاظ رسوبات ، این ارتفاعات ازشرق به غرب ، ابتدا درطول رگه باریکی طبقات سرخ پایین وبعد سازند دریایی وسپس طبقات سرخ بالا را شامل است . طبقات سرخ پایین ، اولیگوسن وشامل گل رس سرخ ومارن‌های گچ دار وسنگ ماسهٔ قهوه‌ای وسرخ وطبقات گچ است. درزیرگاهی طبقه‌ای ازجوشسنگ زمینی و رودخانه‌ای پیدا می‌شود . در جنوب شرقی شوراب (ایستگاه راه‌آهن قم به کاشان)، توده‌ای ازنمک، بین این رسوبات‌ظاهر شده‌واستخراج می‌شود. درمنطقهٔ شوراب، مشرف به دشت‌های کویری مغرب مسیله ، طبقات سرخ پایین ، تپه‌هایی سیاه رنگ، درپای تیغه‌های آهکی رسوبات طبقات میانه ساخته‌اند . مسیل‌هایی که

جبههٔ آهکی‌را شکافته وبه‌دشت وارد می گردند، طبقات سرخ پایین‌را شسته وآبرفتهای‌سیاهی که ازآن حاصل شده ، دردشت کویری پراکنده گشته است. درمغرب رسوبات منقطع طبقات سرخ بالا، تیغه های برجسته وسفیدرنگ آهکی طبقات میانه، صخره‌هایی برجسته، بین دوتودهٔ طبقات سرخ پایین سیاه درمشرق وطبقات سرخ بالا درمغرب ، تشکیل داده‌اند. آهکهای‌سفید اولیگو ـ میوسن، رگهٔ باریکی درمحورشمال غربی‌به‌جنوب شرقی، چین ها وپیچ هایی ساخته و شیب تندطبقات به‌طرف مشرق است .

ضخامت طبقات میانه درمنطقهٔ شوراب، بسیار زیاد وشامل آهک ومارن ماسه‌داروماسه مخلوط باآهک ومارن های سبز وآهک‌های فوقانی است. در داخل این سنگها رگه های گچ نیزوجود دارد.

درمغرب طبقات میانه طبقات سرخ بالا گچ ونمک وگل‌رس و مارن است . درمشرق ساختمان مذکور ، چاله‌ای است درجهتی موازی بامرتفعات ، که آبرفتهای‌فراوان طبقات‌سرخ پایین ، باطبقات میانه وطبقات سرخ بالا درآن پراکنده شده ومسیلهایی که‌ازبلندی های‌جنوب غربی به‌چاله می‌ریزند، آبرفت‌های زمینی ونمکی ومخصوصاً تودهٔ نمک‌را شسته و زمین ها را کویری نموده‌اند. این چاله، ناودیسی درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی است.

درمشرق چاله ، طبقات سرخ بالا، درطول طاقدیسی کوچکتر وباپهنای بیشتر ، درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی ، ظاهر می‌شود. طاقدیس طبقات سرخ بالا نامتقارن وشیب تندآن به‌طرف جنوب غربی وشیب ملایم‌آن به‌سمت شمال شرقی است. تیغهٔ طاقدیس ازبین رفته و ضخامت زیادی ازمارن، محوشده ودرمرکز طاقدیس، چاله‌ای درجهت محور چین‌آشکارگشته است. مارن های خاکستری وشیری رنگ، ارتفاعاتی بریده بریده به‌شکل کواستا ، درمشرق چاله ساخته‌اند. درجنوب شرقی طاقدیس، فرسایش بافعالیت بیشتری چالهٔ بزرگی‌ایجاد کرده ودرگوشهٔ چاله، یک حوضهٔ کویری کوچک پوشیده ازنمک سفید، دیده می‌شود.

درمشرق طاقدیس، منطقهٔ کویری شروع می‌شود وزمین های قهوه‌ای روشن زرده ، با رگه‌ها ولکه‌های نمکی، درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی ، تاحوضهٔ مسیله ادامه دارندو دراین قسمت ، رود معتبری به‌مسیله وارد نمی‌شود، ولی فاضل‌آبهایی که ازدامنه ها سرازیر

می‌شوند، عموماً جهت ساختمانی شمال غربی به‌جنوب شرقی دارند . نکتهٔ قابل‌توجه اینکه فاضل‌آبها باوجود مقدار آب کم، درزمین های سست کویری ، دره‌ای مشخص و گود دارند و گرچه کمی دورتر ، آب آنها در زمین پخش می‌شود ، ولی درهٔ آنها تا نزدیک مصب گود و حاکی ازفرسایشی بسیار جوان است .

شمال غربی حوضهٔ مسیله ، مخروط افکنهٔ بزرگی است که باشیب ملایم وجهتی‌شمال غربی به‌جنوب شرقی به‌دریاچهٔ نمک ختم می‌شود ، ولی دنبالهٔ آن به‌طرف شمال غربی ، دو حوضهٔ کوچک دیگری دربردارد که حوض‌سلطان وحوض‌سره باشد . درمغرب حوضه مخروط افکنه ازدشت کویری شمس‌آباد وسراجه شروع می‌شود ودرشمال غربی فاضل‌آبهای قمرودو مسیله رود ودرقسمت بالاتر ، آبهای کرج وجاجرود وارد آن می‌شوند. آبگیری دریای نمک ، فقط ازاین منطقه‌است، زیرا درمشرق وجنوب هیچ رود وسیلابی به‌آن‌نمی‌رسد. درروی‌نقشه ها، مجاری آب ها درمخروط افکنه ، بسیار اغراق‌آمیز است و بریدگی‌های سطح مخروط افکنه ، به‌حساب مجاری‌آب آمده‌اند .

درشمال شرقی ، نزدیک به‌دهات اطراف قم، طاقدیس نرداقی باهمان مشخصاتی که پیش‌از این شرح‌داده شد ادامه دارد ودرمشرق‌طاقدیس، راه‌آهن وراه قم به کاشان‌درناودیس واقع است‌ودراین قسمت‌پست، آبادی های‌بزرگی‌مانند شمس‌آبادوحاجی‌آباد وسراجه‌ودولت‌آباد قرار دارند. آبیاری تمام این‌دهات ازقنوات است ودرمشرق این چاله، دنبالهٔ طاقدیس‌طبقات سرخ بالا است ودرآنجا طاقدیس ، درنتیجهٔ فرسایش به‌کلی متلاشی شده ومارن‌های سرخ و قهوه‌ای‌زیر،نمایان گشته‌اند، ولی در دامنه ها وجلگه‌ها ، مارن‌های خاکستری و سفید رنگ بالایی نمایان است .

درشمال ومشرق طاقدیس، درجلگه‌ای هموار ، کفه وکویر شروع شده وفاضل‌آبهایی که درفصول مرطوب ازآبیاری دهات اطراف قم حاصل گشته ، درجهتی شمال غربی‌به‌جنوب شرقی وارد این کویرها می‌شوند. درسطح کویرهای سفید نمکی، فاضل‌آبها درفصل‌سردجریان دارند. هرقدر به سمت مشرق برویم ، رطوبت زمین زیاد شده و آبهایی درسطح زمین ظاهر می‌شوند. کویرهای زرده ، جبهه‌ای مرطوب سمت‌مشرق یافته وازاین جبهه نهرهایی‌سرچشمه

گرفته وبه طرف دریای نمک جاری می‌شوند ، حاشیهٔ ساحلی دریاچه،نهرهای‌فراوانی مانند دهانهٔ رود بزرگی داراست.

منطقهٔ کویری مشرق قم ، تادریای نمک، بسیار وسیع است و به‌طور تقریب، می‌توان گفت که درمشرق جادهٔ دولت‌آباد به قمرود ، تمام زمین تا دریا نمک کویری است . بلوك قمرود نهری از رود انار بارقم دارند. البته درتابستان آبی به‌این نهر نمی‌رسد، ولی درفصل سرد که آب هرز است، نهر به‌صورت رودی درآمده ودهات سلطان باغی وسیف‌آباد وقمرود و غیره از آب آن مشروب می‌شوند . در فصل سرد ، فاضل آب‌های زیادی از دهات سراجه و دولت‌آباد وبلوك قمرود، درجلگهٔ کویری جریان یافته وزمین را خیس و شور می کنند. جلگهٔ قمرود،بین دوطاقدیس رسوبات سرخ بالا واقع است وطاقدیس شمالی،توسط مسیلهای زیادی که هرزآبهای‌رود انار بار هستند، شکافته شده ومواد آبرفتی نمکی و گچی‌وسارنی،درجلگه های شرقی پخش شده‌اند.

بین دولت‌آباد وقمرود، کویر، رسی وماسه‌ای است،ولی به‌طرف جنوب شرقی ، در لبهٔ کویر، آبهای زیرزمینی‌ظاهر شده وبه‌صورت چشمه ، ده‌هانهر، روی زمین جاری‌می‌سازند. این نهرها درجهت ساختمانی شمال غربی به جنوب شرقی به سمت دریاچهٔ نمک جریان دارند و هیچ آبادی دراین منطقه وجود ندارد. کویر زرده، درنزدیکی دریا مرطوب است و سطح آن ازشیارها ونهرهای متعددی که درفصل سرد آب دارند پوشیده شده و بعضی ازاین نهرها ، حتی در تابستان هم‌آب کمی دارند و زمین ازآب اشباع شده است ، اگر کمی‌زمین را بکنند ، آب نمایان می‌شود.

پیدایش کویرهای مغرب مسیله، درنتیجهٔ بی‌مبالاتی انسان دراستفادهٔ نابجا ازآب ، درآبیاری زمین است. درفصل گرم ، کشاورزان ازقطرات آب هم برای زراعت‌استفاده‌می کنند وخوب می‌دانند که‌باچه‌تدبیری باید ازاتلاف آب جلوگیری نمود، ولی در فصل سرد که آب هرزاست ، یعنی احتیاجی بدان نیست ، هیچکس دلسوزی برای زمین ندارد. گویی زمین بی‌ارزش وآب فقط درفصل گرم گرامی وعزیز است وبدین‌جهت درهردهی، فاضل‌آبها را به‌حال خود رها می کنند وغالباً از ته زمینهای زراعتی نهرآب شکسته و زمین‌ها را شسته و درجلگه

پخش می‌شود وچون زمین وآب هردو شور می‌باشند، نتیجهٔ حاصله ، تشکیل شورزار و کفه و کویر است. درصورتی که اگر مجرای ثابتی برای فاضل‌آب وجود داشت، زمین کویری نمی شد، بلکه ازهمین آب‌های فاضل ، استفاده شایانی انجام می گرفت.

رود مسیله

بزرگترین منبع آب برای دریای نمک، درشمال غربی حوضه ، رود مسیله است . رود اناربارقم که‌بعداز قم، قمرود نام دارد به طرف شمال شرقی جاریست و پس‌از ترکیب با رود قره چای، رود مسیله می‌شود . رود مسیله، درازمنهٔ گذشته وحتی در دوران تاریخی، تغییرات مجرای عمده‌ای داشته و امروز تقریباً تمام آب آن وارد دریای نمک می‌شود و مخروط افکنهٔ بزرگی که درشمال غربی دریای نمک وجود دارد، ساختهٔ رود مسیله است.

ازبستر قمرود ، قبل‌از التقای باقره چای، چند شاخه جدا شده که‌دهات‌قمرود راشروب کرده وفاضل‌آب‌ها وارد کویرهای قمرود می‌شوند.

اناربار درقسمت علیا آب گلپایگان‌است که ازاجتماع دو رود به‌دست آمده‌است. شاخهٔ اصلی ازجنوب غربی گلپایگان ، ازکوه‌های کوهپیجان سرازیر می‌شود وآب بویین که یکی از شاخه‌های زاینده رود است، بدان بسیار نزدیک می‌باشد. شاخهٔ دومی آب خوانسار است که ازکوه‌های خوانسار سرچشمه‌می گیرد واین دو رود بعدازگلپایگان به‌هم متصل‌شده وبه‌طرف شمال جریان دارد. در دشت خمین، فاضل‌آب‌های زیادی ، از جمله آب خمین بدان متصل شده ورود اناربار تشکیل می گردد. درمنطقهٔ دلیجان، بازفاضل‌آبهایی ازجنوب‌بدان می‌رسند. در دودهک وداغان، سرراه قم به‌اصفهان، باز فاضل‌آب‌هایی دریافت می‌شوند، رود اناربار از قم گذشته ودرجهت جنوب غربی به‌شمال شرقی جریان دارد ودرپل دلاك به‌قره چای متصل می‌شود.

میزان آب رود اناربار ، تغییرات فاحشی درعرض سال دارد. درسال‌های‌سرطوب گاهی تمام دره مملو ازآبست ودرقم باوجود پل‌های عظیمی برروی رود مزبور بارها اتفاق افتاده که تمام چشمه‌های پل‌هارا آب گرفته وطغیان رود به‌شهر خسارت زده است.ازماه دوم بهار،

آب رود کم می‌شود وشاید هیچ رودی به‌اندازهٔ اناربار قم ، در زندگی کشاورزی محل تأثیر ندارد. قبل‌از قم، مقسم های مختلفی‌سهم آب هرنهر را معلوم کرده‌واز رودآب گیری‌می کنند، به‌طوری که درخردادماه بستر اناربار درقم بکلی خشک وباریکهٔ آبی‌ازنهری زیرپل‌می گذرد (نهر تنه پایین) که کمی دورتر به‌مصرف زراعت می‌رسد، درپنج ماه ازسال یک قطره آب هم ازپل قم به‌پایین نمی‌رسد، ولی درطول رود، چشمه‌هایی بسترود را مرطوب‌می کنند.

قره چای ، از کوه‌های شاه زند اراك سرچشمه گرفته وبه‌طرف شمال ، به سمت همدان جریان دارد. درشمال شرقی همدان، آب‌های ارتفاعات آوج‌واسدآباد (آب رزن، آب‌درجزین، آب کبوتر آهنگ) بدان ریخته وبه‌طرف مشرق جاری می‌شود. قبل‌از شهرساوه ، رود مزدقان بدان می‌ریزد وازبلوك جنوبی ساوه گذشته ، خط تهران به‌قم را درعسگرآباد ، قطع می کند و کمی دورتر به‌قمرود متصل می گردد.

آب قره چای، خیلی کمتراز اناربار است وازماه دوم بهار،تمام آب‌رود، طبق‌سهمیه‌های دقیق بلوك ساوه ، صرف آبیاری می‌شود وآبی به‌مسیله نمی‌رسد. اما درشش ماه ازسال ، آب فراوانی ازآن به‌سمت مسیله جاری است. پس‌از التقای دو رود باهم در پل‌دلاك،آب‌حاصله را مسیله رود گویند. ازه ارد یبهشت به‌بعد،بسترمسیله رود ، خشك می‌شود ، ولی‌درزمستان وبهار، بسترپوشیده ازآب است که به‌دریای نمك می‌ریزد.

تغییرات مجرای مسیله رود، بحثی بسیار جالب ومجرای فعلی رود چنین است . کمی بعداز آبادی کاج دربرابر ده کوه سفید، رود دوشاخه می‌شود. شاخهٔ شرقی که آب‌دار است، ابتدا به سمت شمال شرقی رفته و سپس پیچ بزرگی به طرف جنوب شرقی گرفته و در جلگهٔ آبرفتی، مصب شاخه شاخه شده وبه‌دریای نمك وارد می‌شود.

بعداز دوشاخ، درهٔ مسیله رود بسیار تنگ وجوان وعمق‌آن درحدود ۱۰ متر است. از رود به‌طوری که باید استفاده آبیاری نمی‌شود ومسألهٔ حیاتی برای بلوك مسیله، ایجاد سدی برروی مسیله رود است که بتوان برای آبیاری ازآن استفاده نمود، زیرا زمین های‌مسیله بسیار حاصلخیز است وجلگه مخروط افکنهٔ رودها گل ولای به‌مقدار زیاد ، انباشته دارد و درختان گز به‌طوری پا گرفته‌اند که این قسمت را جنگل گویند. جنگل و مرتع برای دامداری بسیار مساعد است.

محصول گندم دهات مسیله ، فوق‌العاده است و چنانچه سال مرطوب باشد ، برداشت محصول بسیار زیاد می‌شود ومردم باوسایل بدوی ، سعی کرده‌اند که درمحلهایی درطول رود، سدبندی کنند، ولی این سدها دوامی نیافته وطغیان‌آب آن‌هارا خراب کرده است.

درهٔ مسیلهٔ رود، قبل‌از دوشاخ، فراخ وآبرفتی وعمق‌آن کم است، ولی پس‌ازدوشاخ، یک فرسایش کاوشی جوان به شدت ، خط بستررا پایین برده و درهٔ عمیقی حفر کرده است . نهرهای انشعابی هم برای آبیاری گود شده‌اند به این‌جهت، دره ونهرها ، زه‌کش مساعدی برای زمین‌های اطراف می‌باشند، به‌طوری که در دهات مسیله ، کفه وکویر وجود ندارد و زمینهای کویر وکفه ازمشک‌آباد که آخرین آبادی بلوك مسیله است، شروع می‌شود. کمی قبل‌از مشک‌آباد ، زمین‌ها کویری وشور است، به‌طوری که برای زراعت درمشک‌آباد، زمین را باید شیرین نمود.

پیچ بزرگ مسیله رود فعلی به‌طرف شمال شرقی وسپس به‌طرف جنوب شرقی به‌واسطهٔ وجود یک مخروط افکنهٔ بلند درجنوب پیچ است . علت این امر این است که یک مجرای قدیمی مسیله رود به‌طرف دریای نمک مسیری جنوبی‌تر داشته است. این مجرای قدیمی که امروز خشک ومتروك است، مقابل ده کوه سفید، قبل‌از دوشاخ ازمسیله رود جدا می‌شده و به‌طرف مشرق وجنوب شرقی آب جریان داشته وتمرکز مواد آبرفتی ، در دهانهٔ این مجرا ، مخروط افکنهٔ بزرگی ازمواد نرم تشکیل داده که این مخروط امروز کفهٔ سیاه رنگی است که درسطح آن تپه‌های ماسه‌ای پراکنده دیده می‌شود. کفهٔ ماسه‌ای دروسعت زیادی تا نزدیک دریای نمک ادامه دارد ودرشمال غربی وجنوب آن تپه‌های ماسه فراوان است . سطح این کفه امروز درحدود ۳متربالاتراز جلگه مسیله رود می‌باشد ودرجنوب این کفه بریدگیهاو وشیارهایی است که جریان سابق آب‌را نشان می‌دهد و حتی در زمان حاضرهم درسال های مرطوب، ازاین مجاری، فاضل‌آب به‌سمت دریای نمک جاری می‌شود.

کفهٔ ماسه‌ای مخروط افکنه مسیله رود، لااقل یکی‌از شاخه‌های عمدهٔ‌آن‌بوده وپس‌از این که تمرکز موادنرم‌آبرفتی، درمخروط زیاد شد، سطح مخروط بالاآمده وباعث‌عقب زدن‌آب دربستر رود گشته است و درنتیجه مسیله رود مجرای کنونی‌را درشمال مجرای قبلی در پیش

گرفته، ولی به‌واسطهٔ برخورد با اراضی بلند مخروط افکنه سابق ، آن‌را دور زده است.

مسیلهٔ رود، بعداز پیچ، شاخه شاخه می‌شود. مجرای رود اصلی ، کمی گودتر در وسط رشته‌ها نمایان است، ولی ده‌ها رشته از رود منشعب گشته وهریک‌پس‌از مسافتی‌بهم‌متصل شده ورشته تازه‌ای می‌سازند. شیارها و بریدگی‌های زمین بسیار زیاد است. جهت جریان‌آبها به‌طرف جنوب شرقی وموازی بااین رشته‌ها، آبهای دیگری به‌همین سمت است که از رود شور درشمال می‌رسند. کمی دورتر، آبهای دیگری ازشمال رسیده که آبهای انتهایی کرج - جاجرود می‌باشند. این آبها باآب رود شوریکی شده، ولی به‌مسیله رود نمی‌ریزند و حتی در نزدیکی دهانه آبهای رود شور، پیچی به‌سمت مشرق خورده و وارد دریای نمک می‌شوند. درهمین‌محل، آبهای کرج وجاجرودبه‌دریای نمک ختم می‌شوند، به‌طوری که‌ازلحاظ مصب، دهانهٔ کرج وجاجرود ورود شور، درشمال و دهانهٔ مسیله رود درشمال غربی است . مسیله رود نیزدرنزدیکی‌مصب به‌طرف مشرق پیچیده وبه‌دریا وارد می‌شود وعلت‌امرامتداد کفه‌های ماسه‌ای مخروط افکنه سابق مسیله رود، در دریای نمک است که حتی در دهانه ، سطح آن بالاتر است ومسیله رودآن را دور می‌زند.

تمام آب مسیله رود درگذشته وارد دریای مسیله نمی‌شده ومصب دیگری در حوض سلطان داشته است . مجرای شمالی مسیله رود در دوشاخ کوه سفید ، دره‌ای است وسیع ، بزرگتراز مجرای شرقی که عمق‌آن کمتر وعرض‌آن بیشتراست. این دره خشک است ودر کف آن بوته‌های گزدیده می‌شود. به‌طرف شمال غربی عمق بستر خشک کم شده وشاخه‌هایی‌از آن جدا می‌شوند. به‌طرف شمال‌شاخه‌ها به‌تدریج زیاد شده ودرجنوب حوض‌مره دلتای‌بزرگی می‌سازند ودرفصل مرطوب فاضل‌آبهای زیادی درشیارها جاری است.

حوض‌مره وحوض‌سلطان

درشمال غربی حوضهٔ مسیله چاله‌ایست درجهت غربی شرقی که به صورت خلیجی در گوشه حوضهٔ مسیله واقع شده ودرمرکز این چاله دوحوضهٔ کویری به اسم حوض سلطان و حوض‌مره قراردارند. این حوضه بیشتر به‌اسم حوض‌سلطان یادریاچه شاهی معروف است و

کمتراز حوض‌سره یاد می‌شود. راه تهران به‌قم ازمغرب‌حوض‌سلطان می گذردواین راه‌درفاصلهٔ بین علی‌آباد و کوشک نصرت مشرف‌به‌حوض‌است‌واز کوشک‌نصرت می‌توان‌وضع حوض‌سلطان را به‌خوبی دید. درتابستان چاله سفیدرنگ مایل به‌قهوه‌ای، کویر کامل است ودر زمستان و بهار آب درچاله جمع شده ودرفصل پرآبی دریاچه‌ای به‌ظهور می‌رسد که آبی‌صاف و آبی‌دارد وسایه ارتفاعات باقرآباد را می‌توان‌درآب دید. به طرف مشرق درانتهای دریاچه‌مسیلی‌فاصل بین حوضهٔ سره وحوض علی‌آباد یاحوض‌سلطان است ودورتر اگر دیدچشم‌اجازه‌دهد، چاله‌آبدار دیگری‌هویداست که حوض سره باشد.

ازکوشک نصرت به‌طرف قم جاده شمالی جنوبی به‌خط مستقیم از انتهای غربی چاله می گذرد وجنوب غربی حوضه توسط ارتفاعات باقرآباد درجهتی شمال غربی به جنوب شرقی مسدود است، ولی درمشرق وجنوب شرقی دلتاهای‌مسیله رود ورود شور و کرج و جاجرود حوض‌سلطان‌را ازدریای نمک جدا می کنند.

ارتفاعات علی‌آباد یا گوی‌داغ درجهتی غربی شرقی از زمین های آتشفشانی تراکیت و آندزیت است وزمین های ائوسن شامل توف ورسوبات آهکی به‌وسعت کم در اطراف آن یافت می‌شود. زمین های آذرین علی‌آباد انتهای منطقهٔ وسیعی ازآتشفشانی ائوسن‌است که‌حداکثر وسعت‌آن ازمغرب حوض‌سلطان تا خرقان وهمدان می‌شود. آتشفشانی به‌طریق‌خروج گدازه‌ها انجام گرفته ومواد‌پایین قلیایی ورو به‌بالااسید می‌شوند ودربین آنها رگه‌هایی به‌شکل‌دایک ظاهرشده وآتشفشانی دریک محیط دریایی کم‌عمق صورت گرفته است.

درجنوب حوض‌سلطان ارتفاعات باقرآباد است که درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی تا ده‌کاج ادامه دارد قسمت اعظم کوهستان از مواد آذرین است ، ولی درشمال غربی آن زمین های‌ائوسن ودرجنوب‌شرقی‌طبقات اولیگو- میوسن‌وجود دارند.

درارتفاعات پل‌دلاك ومحمدآباد کاج در روی زمین های آتشفشانی طبقات سرخ پایین قرار دارند که توف‌های سرخ و سبزرنگ بامارن و ماسه و رگه های گچ باشند و در روی آن جوشسنگ سرخ رنگ باترکیبی ازمواد آتشفشانی است. این طبقات با شیب تندی به طرف جنوب سرازیرشده و در روی آن‌ها مارن های گچ دار در نزدیکی پل دلاك ظاهر می‌شوند.

این تشکیلات درمغرب کاج بسیار نازك وشیب آن‌ها به‌طرف شمال وشمال شرقی و در طول دامنه های شمالی سمت حوض‌سلطان طبقات به‌صورت تپه هایی دیده می‌شوند ودرجنوب رو به درهٔ مسیله از بقایای آن‌ها قشرنازکی هنوز پابرجاست وآهك‌های سفید دریایی تادرهٔ مسیله نزدیك پل شکسته ادامه دارند.

درمغرب محمدآباد ، روی جوشسنگ مذکورطبقات میوسن میانه از آهك های سفید رنگی است که باشیب تندی سمت درهٔ مسیله سرازیر شده ودر روی آن‌ها مارن و مارن سنگ وسنگ ماسه است. امتداد این طبقات‌درجنوب درهٔ مسیله دوطبقه آهك درکوه سپررستم وکوه سفید است. آهك‌های کوه‌سپررستم طبقه‌ای از گچ درزیر دارند ودرکوه سفیددرزیرآهك‌های مرجانی سپررستم ودر روی‌آن مارن وآهك است.

طاقدیس باقرآباد طبقات رسوبی میوسن میانه‌را به‌سمت شمال یعنی حوض‌سلطان متوجه داشته وطبقات سرخ بالا بایددرکف حوضه باشند. ازطرفی‌طاقدیس درشمال غربی‌شکسته‌است وشاید ارتفاعات گوی داع نیزدامنه شکسته طاقدیسی‌را دارا باشند. به‌هرحال در این گوشهٔ حوض‌سلطان طبقات سرخ بالا پدیدارنیست.

بعداز این توصیف‌به‌وضع چاله های حوض‌سلطان‌وچالهٔ‌مره‌می‌پردازیم. چالهٔ‌حوض‌سلطان که درمغرب است، شکلی بیضوی‌داد وزمین‌آن نسبتاً سخت‌است، به‌طوریکه درفصل خشك ازهمه‌جای آن می‌توان عبورکرد وارتفاع تقریبی‌آن درحدود ۷۹۰ متر است. این چاله شیبی ازمشرق به‌مغرب دارد ومرکزچاله درجنوب غربی است. درجنوب‌چاله آثاری ازیك پادگانه آبرفتی به‌جاست که سطح آن ۶ تا۷متر بالاتراز سطح فعلی چاله وپیداست موقعی پادگانه لب آب بوده است.

درمشرق این چاله دلتای رود شور ومسیله رود به‌هم نزدیك شده وفاصله‌بین‌دوچاله تنگه‌ایست که ارتباط بین چالهٔ حوض‌سلطان وچالهٔ مره را برقرار می‌دارد. درمشرق این‌چاله حوض‌مره چاله‌ایست بیضوی درجهت شمال غربی به جنوب شرقی وسطح آن در ۸۰۰ متری است.

وضع آبگیری چاله‌ها به‌این صورت است:

۱ - شاخه غربی رود شور که به‌طرف چاله سره می‌رود تمام آب‌آن‌به‌چاله واردنمی‌شود بلکه شاخه‌های بزرگی ازآن در ده کیلومتری جنوب کاروانسرای دیر به‌سمت جنوب پیچیده واین مجراها بامجرای خشک جنوبی دیر یکی شده وآب‌های زیادی به‌سمت جنوب راه یافته واین آب‌ها با فاضل‌آب‌های مسیله رود به‌غرب رفته ودرگوشهٔ شمال شرقی حوض‌سره وارد چاله می‌شود، ولی اگرآب زیاد باشد مقداری ازآبها ازطریق دلتای کویری جنوب‌شرقی‌حوض سره به‌طرف دریای نمک برمی گردد.

۲ - شاخه‌های شمالی مسیله رود به‌جنوب حوض‌سره می‌رسند،ولی قسمت چال حوض درشمال است وشاخه درحاشیهٔ جنوبی روی زمین پخش شده ، مقداری‌آب‌وارد حوض سره گشته ومقدار زیادی هم ازطریق دلتای کویری جنوب شرقی به‌طرف دریای نمک بر می گردد، ولی شاخه‌های کوچکی ازمسیله رود راه مستقیم به‌سمت حوض‌سلطان دارند.

۳ - درگوشهٔ جنوب شرقی حوض‌سره حوضهٔ کویری دیگری جدا از چالهٔ سره است که دلتای کویری جنوب شرقی نام داده‌ایم. زیادی‌آب ازحوض سره و ازشاخه های مسیله رود و فاضل‌آب‌های رود شور واردآن شده واین آب‌ها به‌طرف دریای نمک می‌روند و درحقیقت این چاله مانع ازبالاآمدن زیاد آب درحوض‌سره وحوض‌سلطان است. به‌طور خلاصه ارتباط بین حوضه‌ها به‌این‌ترتیب است که فاضل‌آب‌های مسیله رود (اگر به این‌طرف جاری شود) وارد حوض‌سره می‌شود و کمی ازآن‌هم به‌حوض‌سلطان می‌رسد وقسمتی ازآب‌های رود شور ازشمال شرقی وارد حوض‌سره می گردد ومقدار زیادی ازآن هم ازجنوب به‌سمت دریای نمک می‌رود.

آب‌ها اول وارد حوض سره شده و وقتی حوض پرشد ازمسیل بین دوحوضه به حوض سلطان وارد می گردند وچون آب در حوض‌سلطان چند متری بالا آمد آب به طرف حوض‌سره برگشته وآن‌را لبریز می کند واگر وصول‌آب ادامه یافت حوض سره سرریز کرده ومازاد آب از گوشهٔ جنوب شرقی ازراه فاضل‌آب‌های رودشوربه‌سمت دریای‌نمک‌سر زیر می‌شود. باملاحظه اختلاف سطح، هیچگاه درحوض‌سلطان آب از حد معینی بالا نخواهد آمد و مازادآن ازطریق حوض‌سره روانه دریای مسیله می‌شود. این حدمعین همان پادگانهٔ‌شش متریست که‌حداکثر ارتفاع‌آب را درحوض‌سلطان معلوم می‌دارد.

وصول‌آب زیاد به‌این دوحوضه با ته‌نشست مواد آبرفتی درکفه حوضه‌ها همراه است بطوریکه روزبه‌روزکف دوحوضه پرشده وسطح آنها کوچک می‌شود. درپیش وسعت دوحوضه بیشتربوده ومتصل بهم یک حوضه می‌ساخته‌اند،آبرفتهای‌زیاد مسیله رود به‌تدریج حوضه را دوتکه نموده وحوض‌مره ازسمت جنوب توسط دلتای مسیله رود مسدود شده است.

امروز از رود شور ومسیله رود مقدارکمی آب وارد حوضهٔ‌مره می‌شود. شاخه‌های رود شور درجنوب کاروانسرای دیربه‌تدریج‌آبهارا ازمسیر حوض‌مره به‌طرف‌دریای نمک برگردانده وآب بسیارکمی ازمجرای غربی به حوض‌مره می‌رسد. ازشاخه شمالی مسیله رود امروز آبی به‌طرف حوض‌مره نمی‌رسد وبه‌طوریکه خواهدآمد گویندد رسال ۱۲۹۹ هجری‌قمری،اتابک سدی که دربرابر این شاخه قرار داشته خراب نموده وازآن سال تا سال ۱۳۱۳ هجری شمسی، آب به‌طرف حوضهٔ‌مره روان بوده است ودراین سال‌آخری درنتیجه سیل بزرگی مجرای شمالی‌بسته شده واکنون آب به‌طرف دریای نمک می‌رود. موضوع جالب دراین‌بحث وضع سابق‌دریاچهٔ حوض‌سلطان وکویرهای مجاورآن وتغییرات مجرای رود شور ومسیله رود است.

طبق روایت و افسانه‌های محلی، پیش‌از اسلام، دریای بزرگی درمشرق ساوه وجود داشته‌که در روزتولد حضرت محمد دریای مزبور خشک‌گشته است. هیچیک ازجغرافی نویسان دورهٔ بعداز اسلام اشاره یاتوضیحی‌دربارهٔ دریای ساوه نداده است. تنها شرح مضبوط دراین باب ازحمدالله مستوفی درنزهت‌القلوب است‌که اشاره به‌مطلب‌بالا نموده ورودهای‌قم رود وقره چای ورود شور را نام برده ولی می‌گوید فاضل‌آب‌آن به مفازه می‌رود. شرح حمدالله مستوفی درنزهت‌القلوب به‌این‌صورت‌است:

«این رودگاو ماسارود بعضی‌ازکوه الوندهمدان برمی‌خیزد و یک شعبه ازطرف گریوه اسدآباد وماسشان رود فریور همدان ویک شعبه ازکوه را سمند ودیگر جبال کرج و مرغزار کیتوبرولایت همدان و ساوه‌گشته وچون نزدیک ساوه وآوه رسند در پس سدی که صاحب سعید خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان طاب‌ثراه درمابین بروساخته بحیره شودوفضل آب بهار پیش‌از هفتاد پولان مابین ساوه وآوه‌که اتابک شیرگیر ساخته‌گذشته درمفازه منتهی می‌شود وبنیادآب تابستانی ولایت ساوه وآوه برآن‌سد است ومانندزاینده رود است».

مستوفی رود شور را نام نبرده ولی ابهر رود وخررود را ذکر کرده که هرزآب بهاری با آبهای قزوین جمع شده ودرسفازه منتهی می‌شوند. هم‌چنین گوید: آب‌سزدقان از کوه‌های خرقان همدان برمی‌خیزد وبر سزدقان‌می گذرد وبه‌ساوه وولایتش می‌رسید. هرزه آبش درجاهلیت دربحیره ساوه جمع می‌شد واکنون به معجزهٔ رسول آن بحیره خشک شده وآنجا شهرساوه ساخته‌اند آن آب روان گردانیده است ودرسفازه منتهی می‌شود.

روایت حمدالله مستوفی تنها کسی که دربارهٔ دریاچهٔ ساوه ورودهای اطراف آن شرحی نگاشته درخوربحث وتأمل است.

۱ - معلوم است که درزمان مستوفی و حتی درصدر اسلام دریاچه‌ای به اسم دریاچه ساوه وجود نداشته وآبهای کرج وجاجرود ورود شور وسیله به‌سفازه می‌رفته‌اند، ولی سفازد در کجابوده معلوم نیست، زیرا اصطلاح عام سفازه به‌تمام بیابان‌های واقع درشرق راه فعلی تهران به‌قم تاخراسان و کرمان گفته می‌شده است.

۲ - رود قره چای یاقره سورا حمدالله مستوفی گاوما سارود نام داده که از حیث وضع آبگیری ازکوه‌های الوند واسدآباد وآوج وشاه زند درست است و آثار سد مخروبهٔ ساوه که در غرب شهرقرار دارد وبنابه گفتهٔ‌مستوفی ازبناهای صاحب‌سعید شمس‌الدین صاحب‌دیوان‌بوده واین خواجه وزیر سلطان احمد پسرهلاکو است وجود دارد وبرحسب تصادف فشار آب سد را خراب نکرده بلکه محل سد در زمین‌های آهکی مساعد نبوده و آب کناره سدرا شکافته و دریاچه خالی گشته ومجرای تازه‌ای برای رود بازشده است و اما هفتاد پل مذکور حمدالله مستوفی پل مخروبه سرخ ده بین ساوه وآوه است و معلوم است که درآن زمان هم نهرهای مقسم آب همه درغرب پل بوده‌اند وازپل به‌سمت شرق فاضل‌آبهای بهاره جریان دارند. امروز هم نهربزرگ آخری رود که نهر انجیلاوند است،درغرب راه شوسهٔ ساوه به‌اصفهان ازرودجدا می‌شود وبعداز پلی که روی قره‌چای درطول این راه ساخته شده ازبهار به‌بعد آبی دربستر رود دیده نمی‌شود.

۳ - توصیف حمدالله مستوفی ازآب سزدقان نادرست‌است. کدام رود را حمدالله مستوفی سزدقان نامیده که ازبلوك ساوه بگذرد و فاضل‌آبش به بحیره ساوه برسد؟ سزدقان شاخه‌ای از

قره سو است که از کوه‌های خرقان می‌آید ودرآبادی مزدقان به قره‌سو متصل می‌شود و عجب اینکه مستوفی می گوید که گاوماسارود به بحیرهٔ ساوه می‌ریزد و مزدقان‌را به چنین دریاچه‌ای می‌رساند وضحک‌تر اینکه گوید «آن بحیره خشک شده وآنجا شهرساوه ساخته‌اند و آب روان گردانیده است». دراین روایت ضدونقیض زیاد است اگرمحل شهرساوه دریاچه بوده پس رود گاوماسارود چه مجرایی داشته‌است. بهرحال بحث دراین‌باره بی‌نتیجه وازگفتهٔ حمدالله‌مستوفی معلوم نیست که بحیره ساوه کجا بوده و طبق این نوشته با دریاچهٔ حوض‌سلطان هم منطبق نیست.

ازوجود دریاچهٔ ساوه یا دریای ساوه جزاین روایات هیچ‌مدرکی در دست نیست، ولی ممکن است که پیش‌از اسلام حوض‌سلطان بصورتی وجود داشته وبعدازخشک‌شدن، دریاچه ساوه نام گرفته باشد وچون پس‌از نابودی دریاچه حددقیق آن معلوم نبوده و تمام زمین‌های واقع درچالهٔ‌حوض تادریای نمک ودشت کویر مرطوب وشور و کویری بوده‌اند‌درازهان‌مردم، تمام این منطقه جزو دریای عظیم ساوه به‌حساب‌آمده است.

حوض‌سلطان بعدازاسلام تاسده نوزدهم دوره‌های خشک‌ومرطوب‌فراوان‌دیده‌وبرحسب تغییرات مجرای مسیله رود ویا رود شور بصورت دریاچه و باتلاق وکویر درآمده است، ولی این اتفاقات تغییری دراصل روایات متداول دربارهٔ دریای‌ساوه ایجاد نکرده است، ولی درسال ۱۸۸۵ مسیحی به‌شرحی که خواهد آمد وقتی دریاچهٔ‌حوض‌سلطان کنونی زاده شد، این واقعه بصورت تجدید زندگی دریای ساوه جلوه نمود.

جای بسی تأسف است که این روایات، مورد عنایت‌دانشمندان هم قرارگرفته وهوتوم شیندلر[1] ژنرال قونسول انگلیسی درتهران که مطالعات جغرافیایی زیادی درایران انجام داده می‌نویسد[2] «به‌تحقیق نمی‌توان گفت که دریاچهٔ مزبور طبق روایات موجود در زمان مشهور خشک شده باشد، ولی برحسب اقوال وروایات یک قسمت ازداخله‌ایران قبل‌ازاسلام پوشیده از آب بوده است و به احتمال دریاچه هایی جدا از هم وجود داشته‌اند که در اذهان مردم

1) Houtum - Schindler 2) Proceed of . Th. Roy. geogr. Soc Vol. x 1888 P. 624.

نمونه‌هایی ازدریای عظیم بین قزوین وکرمان و ساوه تاسیستان به‌حساب آمده‌اند» . این نظر متکی به‌هیچ اصلی علمی نیست وبه‌شرحی که خواهیم دید، در نواحی کویری اطراف مسیله راه‌های عمدهٔ ارتباطی قبل از اسلام برقرار بوده واگر درآن زمان کویرهای آن مناطق خشک‌تراز زمان حاضرنبوده‌اند لااقل رطوبتی به‌مقدار موجود داشته‌اند وگرنه درباتلاق ومانداب راه‌های کاروان‌رو عبور نمی‌دادند.

اقوال وروایات اتصال حوضهٔ حوض‌سلطان به‌حوضهٔ مسیله، درتنظیم نقشه‌های جغرافیائی نیزمؤثر افتاده ونقشه‌های چاپ سرویس نقشه‌برداری هندوستان ازایران عموماً چاله‌ها را بهم متصل ودربعضی اوراق رنگ آبی‌دریای نمک را تاچالهٔ حوض‌سلطان کشانده‌اند و دراوراقی دیگر چاله‌ها بهم متصل ولی، رنگ آبی‌مخصوص دریای‌نمک است.

راه‌های ارتباطی تهران به‌قم

راه فعلی شوسهٔ بین تهران به‌قم، درسال ۱۸۸۳ مسیحی توسط اتابک ساخته شده و داستان ایجاد این راه، رابطهٔ مستقیم باپیدایش درياچهٔ حوض‌سلطان‌دارد.

قبل‌از ایجاد راه بالا، جادهٔ قم به‌تهران به راه پل دلاك‌وکاروانسرای حوض معروف بوده که مسیرآن به‌این شرح است: ازقم رو به‌شمال شرقی سوازی‌بادرهٔ قمرود به محل برخورد رود قره چای باقمرود می‌رفتند ودرآنجا پلی به‌اسم پل دلاك بعد از اتصال قمرود باقره چای وجود داشته ومنزل اول به نام پل‌دلاك است. پل دلاك ۱۶ دهنه دارد که چند دهنهٔ آن خراب شده وبنای پل از آجر است. پل قدیمی نیست و شاید از زمان صفویه باشد که برای برقراری ارتباط بین قم ومشهد این راه را ساخته‌و یاتعمیرنموده باشند، زیرا ازپل دلاك راهی مستقیم ازحاشیهٔ غربی مسیله به‌طرف‌وراسین وخوار می‌رود ونام پل‌دلاك شاید مأخوذ ازاسم شخصی خیرمربوط به‌دوران صفوی باشد وچه‌بسا پل‌جدیدتر وازاوان قاجاریه باشد که‌تهران دارالخلافه شده وزوار ازپایتخت عازم قم بوده‌اند.

درشمال پل مزبور دوساختمان مخروبه اقامتگاه قوافل بوده که اولی از خشت و گل شبیه به کاروانسرا است ودومی ازآجربنا شده وشکل قلعه‌را دارد.

ازپل دلاك راه رو به‌شمال رفته ازبلندیهای باقرآباد در ده سلمان‌آباد کنونی گذشته‌واز وسط چالهٔحوض‌سلطان عبورنموده وبه منزل دوم که کاروانسرای حوض نام داشته می‌رسیده است. کاروانسرای حوض قلعه‌ای محکم دارد وازآجر بناشده ودر زمان گذشته‌چند رشته قنات آب‌انبار بزرگ آن‌را پرآب می کرده‌اند. کاروانسرای حوض چندین مرتبه تعمیر گشته واسروز هم مسکونی است.

محل کاروانسرا در دشت‌های جنوبی کوه مره است . پایه‌های بنا ازسنگ و بهربالا از آجرساخته شده وداخل‌آن حیاط بزرگی است که آب‌انباری دریک گوشه دارد . اطراف حیاط اطاق‌های آجری وازاره‌های دورازسنگ سفید آهکی است. درجلوی کاروانسرا حیاط دیگری است طاق‌نمادار ودیوار کاروانسرا هم ازبیرون طاق‌نماهایی داشته که مخروبه است . امروز درقلعه چند خانواده ازایل کلاه کوهی منزل دارند.

راه سابق درجلوی کاروانسرا پهن وآثارآن بخوبی پیدا است . درشمال کاروانسرا قلعه مخروبهٔ دیگری ازخشت و گل است که دورادورآن اطاق‌های متعدد داشته وروبروی آن باغ مخروبه قدیمی است که معلوم‌می‌شود درزمان‌آبادی‌این راه،قلعه گلی‌محل‌مسکونی کشاورزان وازآب قنات‌ها برای‌باغ‌وزراعت استفاده می‌شده است. درجلوی کاروانسرا آب‌انبار گردبزرگی نظیرآب‌انبارهای سیاه کوه است که ازآب باران پر می‌شده ومعلوم می گردد که آب قنات شور وغیرقابل شرب بوده است.

بعدازکاروانسرای حوض راه ازبریدگی‌ها و دره‌های رود شور گذشته و این بهر از راه به‌واسطهٔ مشکلات راه‌پیمایی وعدم امنیت به درهٔ ملك‌الموت معروف‌بوده است. رود شور در مسیراین راه پلی داشته که خرابهٔآن هنوز بجاست وازآنجا شب سوم‌را درآبادی کنارگرد که امروز درمسیرراه تهران به‌قم وجود دارد وکاروانسرای سنگی‌آن زیباست، می گذراندند و روز چهارم ازگردنهٔ حسن‌آباد گذشته وبه‌حضرت عبدالعظیم وتهران می‌رسیدند. شاید امروز هم پیرمردانی باشند که خاطراتی ازمسافرت خود دراین راه برای‌ما نقل کنند.

راه فعلی وموجودبین تهران به‌قم درحدودسال۱۸۸۳ مسیحی‌ساخته شده است‌درآن‌زمان اتابك در برنامه‌های عمرانی کشور اهمیت شایانی برای ایجاد راه‌ها و چاپارخانه‌ها درنظر

گرفت وراه تهران به‌قم نمونهٔ کوچکی ازشاه راه بزرگ ارتباطی تهران باخلیج فارس بود. این راه به واسطهٔ وجود کفه‌های نمکی در منطقهٔ حوض‌سلطان وناهمواری های بد در دره‌های ملک‌الموت به‌تغییر مسیراحتیاج داشت، خاصه که رفت‌وآمد دراین شاه راه جنوب باملاحظهٔ اهمیت زیارت گاه قم زیاد بود.

طرح ساختمان راه به‌این‌صورت تنظیم شد که قراردادی‌بایک شرکت خارجی امضاء وشرکت دربرابر مخارج انجام شده عوارض راه ازوسائل نقلیه وقوافل دریافت‌دارد. راه ساخته شد واتابک توجه خاصی مبذول داشت که این راه بسیار آبرومند باشد. علی‌آباد که امروز در سرراه وجود دارد ازساخته‌های اتابک واسم اتابک‌را داراست.

درآنجا باغ بزرگ وقلعه‌ای‌بسیار زیباباحیاط واطاق های‌متعدد واستخرآب‌وکاروانسرا وطویله وحتی حمام ودکان می‌باشد وجایی بسیارمعمورو‌آباد گشت واسروز لوحه‌ای هم برسر حمام مخروبهٔ‌آن وجود دارد که تاریخ بنا وسابقهٔ امرا حاکی است[1]. شهرت علی‌آباد معروف شد، ولی بعدها که علی‌آباد مخروبه شد ودیگران ازآن دیدن کردند چون شهرت گذشته با وضع حاضرمنطبق نبود ضرب‌المثل (فکر می کردیم علی‌آباد شهریست) رایج گشت.

اتابک بعداز علی‌آباد، کوشک نصرت‌را دربرابر کوشک‌بهرام، سرراه غربی بنانمود. در کوشک هم باغ بزرگی باقنات‌آب واستخر ساخته شد ومنزل بعدی را در منظریه قرار داد. منظریه هم یک قلعه بزرگ بابرجهای آجری مخلوط باکاشی و باغ بسیار زیبا پیدا کرد و منظریه چه‌ازلحاظ منظره خود وچه نگاه به‌سمت دریاچه جدیدالاحداث تماشایی بود. بعداز منظریه روی رود قره‌چای پلی زده شد ودرآن محل عسگربک سازمانی برای مرمت کالسکه ودلیجان وتعویض اسبها به‌وجود آورد وراه تهران به قم‌بسیار راحت و مجهز گردید. بعدها عسگربک ده محل‌را نیزخرید وآن‌را آباد کرد وعسکرآباد نام نهاد. کتیبه‌ای برسر درقلعه مخروبه آنست که حاکی‌از عمل خیر اثرعلی عسکربک می‌باشد.

این راه دورتراز راه قدیمی بود وعوارض هم دریافت می‌شد. اگر دلیجان دارها آنرا

۱- برسردرحمام که فعلاً مخروبه است کتیبه‌ایست که برسنگ مرمرنوشته‌شده‌واشعاری ناجور تاریخ بناراکه ۱۳۰٤ باشد متضمن است.

۲- در زمان حاضر دروازه و کتیبه را بکلی خراب کرده‌اند.

مطلوب می‌دانستند کاروان‌های شتروبارباز ازراه قدیمی رفت‌وآمدمی‌نمودند. گویندعلی‌اصغرخان اتابک برای اینکه راه قدیمی بکلی متروك وغیرقابل عبورشود، مجرای مسیله رود و رودشور را ازدریای نمک به‌طرف حوض سره تغییرداد وحوض‌سلطان به‌این‌صورت پیداشد و راه قدیمی بکلی زیرآب رفت (سال۱۸۸۳ مسیحی۱۲۶۲ قمری).

عمل اتابک دربرگرداندن‌آب مسیله به‌طرف حوض‌سره کار تازه‌ای نبود زیرا باتوصیفی که ازمجرای سابق مسیله رود به‌طرف حوض سره نمودیم معلوم می‌شود که در زمان قدیم مسیله رود وارد حوض سره‌می‌شده واتابک ازوجود چنین مجرایی‌اطلاع داشته وروایات‌حاکی ازجریان قبلی‌آب به‌سمت شمال بوده است، ولی درآن موقع هم‌آب دردو مجرا می‌رفته زیرا با ملاحظهٔشیب تند مسیل به‌طرف دریای نمك اگر سدی‌هم روی مسیله رود بسته شود نمی‌توان تمام آب‌را به‌طرف حوض‌سلطان جاری ساخت وبعلاوه زراعت بلوك مسیله ونیزارازبین‌خواهد رفت مگراینکه درپایین دهات نیزارسدی روی مسیله رود بسته شود که هم بلوك مسیله آبیاری شوند وهم‌آب به‌طرف حوض‌سره جاری شود. گویند اتابک سدرود شور را نیزشکست و آبرا ازمجرای شرقی سمت حوض‌سلطان روانه کرد. چگونگی اقدام اتابک دربرگرداندن مسیر مسیله رود ورود شور روشن نیست واین عمل درنهایت اختفاء انجام گرفته و درجایی ضبط نگشته است، زیرا خراب کردن یک‌راه قافله رود موجود برای وادارکردن‌مردم به‌عبورازجاده تازه‌ساز ودریافت عوارض باالتفات باین‌نکته که کاروانسراهای بین راه همه متعلق به اتابک بوده‌اند کار پسندیده‌ای نبوده است. لرد کرزن درکتاب‌خود تغییرمسیر را مربوط به‌قره‌چای یا مسیله رودمی داندوسون‌هدین[1] هم همین روایت‌را نقل کرده اما امروز مجرای شمالی مسیله رود خشك است. البته دریاچهٔ حوض‌سلطان‌هم بسیارکوچك شده ولی باز درفصول سردآب کمی درسرکزآن دیده می‌شود و آب دریاچه در زمان حاضر از مجرای رود شور می‌رسد و نمی‌توان تصورکرد که در زمان آبادی راه پل دلاك رودشور مسیرکنونی را در پیش داشته چه‌درآن‌صورت عبور ازدریاچه ممکن نبوده است.

برحسب سیاست آن‌زمان اقدام اتابک یک پیش‌آمد طبیعی خارق‌العاده معرفی کشت‌و

ناصرالدین‌شاه اعلامیهٔ جغرافیایی جالبی منتشرنمود[1] . که دریاچه نوزاد بین تهران وقم همان دریای تاریخی ساوه است که ۳۵۷ سال قبل درروز تولد حضرت‌رسول‌اکرم خشک گردید و اکنون به‌واسطهٔ فوران چشمه های فراوان‌از زمین دوباره احیاء گشته است .شاه باقلمی‌شاعرانه توصیفی ازمناظرزیبای اطراف دریاچه وعلف‌زارها وسیاه چادرها و شترها داده است . هوتوم شیندلر انگلیسی ترجمه‌ای ازاعلامیه مزبور برای مجلهٔ جغرافیائی لندن با نقشه‌ای فرستاد و توضیحی دربارهٔ دریاچه نوشت که رود قره‌چای درپایین پل دلاك درفصل پرآبی راهی‌به‌سمت شمال بازنموده است .

مداخلات انسان نمی‌تواند برخلاف قوانین ونظام طبیعت انجام گیرد . وجود مجرایی ازمسیله رود به‌طرف حوض‌سره نشان می‌دهد که درگذشته‌حوض‌سره وحوض‌سلطان چون کف پایه نزدیکتری به‌مسیله رود بوده‌اند آبهارا بخود کشانده‌اند وشاید درآن زمان کف دوچاله پایین‌تراز سطح دریای نمك بوده باین‌جهت‌آب‌مسیله به‌طرف‌شمال می‌رفته‌است، ولی‌به‌تدریج تمرکزمواد آبرفتی درکف دوچاله و درمخروط افکنهٔ رود شور و مسیله رود کف حوضه را بالاآورده وآب به‌طرف دریای مسیله برگشته است . این اتفاقات بسیار قدیمی و شاید در ازمنهٔ تاریخی هیچگاه جزدر فواصل سالهای ۱۲۶۲ تا۱۳۱۳ شمسی‌مسیله رود به‌طرف‌حوض‌سره نرفته باشد .

راه‌ها و آثار دورهٔ ساسانی

چهارکیلومتر بعداز پل دلاك به‌طرف مسیله دربرابر گردنه‌ای که به‌محمدآباد کاج‌می‌رود آثار یك پل مخروبه بسیار قدیمی است‌وآن‌را پل شکسته گویند . دهانه‌های آن‌را گل گرفته تاحدی که چشمه‌ها پرشده وامروز رود مسیله از زیرآن نمی‌گذرد . پل درشمال بسترقراردارد ورود درجنوب بسترجاری است . دهانه‌های این پل ازآجر ضربی ودرپایه‌های ضربی‌آجرهای بسیارقطوری است که دربناهای دورهٔ ساسانی دیده می‌شود ودر دهانه‌های ضربی‌آجرهای تازه

۱- متن فارسی اعلامیه درروزنامه ایران تاریخ ۱۰ و ۱۹ ماه مه سال ۱۸۸۸ چاپ شده است .

است که بین آنها بازآجرهای قطورپایه یافت می‌شود وپیداست که پل چند مرتبه خراب و ویران گشته ودوباره تعمیرشده ودرهرتعمیر مقداری ازآجرهای قدیمی بکاررفته تاتعمیرآخری که خیلی کم ازآجرهای قدیمی درآن دیده می‌شود.

این پل درمعبر شاهراه بسیار قدیمی ساسانی است که اصفهان را به‌ری متصل‌می‌نموده. بعدازآبادی محمدآباد کاج درپای اولین تپه‌های آهکی به‌طرف‌شمال شرقی آثار دوساختمان قدیمی مخروبه‌ای بجاست ودرداخل ده محمدآباد هم‌خرابه‌های قدیمی فراوان است که‌به‌نظر می‌رسد محل شهرقدیمی کاج بین قم ودیرباشند که جغرافی دانان مسلم به‌دفعات ازآن یاد کرده‌اند. بنای اولی که به‌قلعه گلی معروف است وخرابه‌های آن شامل یک دیوار بلند از خشت‌های ضخیم‌است محوطه‌ای‌را محدود نموده ودر وسط آن خرابه‌های‌خشتی‌و گلی‌بناهایی چند طبقه داشته‌اند. دربرجها وپی‌هاسنگ‌های ورقه‌ورقه آهکی برای استحکام بکار رفته ولی چون ساختمان بکلی فرو ریخته قبل‌ازکاوش دقیق نمی‌توان نقشهٔ اصلی آنرا روشن نمودبهر حال خشت‌های قطور وبزرگ بدنه‌ها و پایه،ساختمان پیش‌از اسلام را می‌رسانند. درخارج قلعه گلی آثارچند بنای مخروبه گلی دیگرپابرجاست.

درجنوب شرقی ساختمان مزبور ساختمان بزرگتر وکاملتری به‌قلعه‌سنگی معروف است. قلعه سنگی ازدورشبیه به‌یک دژنظامی است که هیچ درندارد ودربدنه‌های دیوارهای قطور وسنگی هرطرف سه‌برج ساخته شده ودرمشرق بنای مزبور درهای ورودی واقع‌است که‌به‌حیاط مستطیلی می‌رسند. دراصلی ازمشرق بوده و درکنار در ورودی اطاق سرایدار واقع است. دیوارهای حیاط نیزبسیار بلند وقطور وازسنگهای ورقه‌ورقه آهکی است که سنگها را درجهت ضخامت مانند آجرصاف روی‌هم چیده وملاط گچ بکار برده‌اند. مقابل در ورودی حیاط سردر بزرگ و ورود یه‌قلعه ویاقصر است که ازمسرای سرپوشیده به‌داخل می‌روند. قسمت داخلی حیاط‌بزرگی‌است که‌دورادورآن ایوانهایی باطاق نما ودرپشت‌آن اطاقهایی‌قرار دارند. دریک گوشه حیاط‌طالاربزرگ‌ودرکنارآن‌ساختمان‌دوطبقه‌مانندبرج دیده‌بانی‌ساخته‌شده ودراین‌قسمت‌اطاقهای کوچکی‌شبیه به‌آشپزخانه وخلوتگاه‌وجود دارد. بناها ازسنگ‌وسقف‌ها ازآجرهای‌ضربی‌پهن به‌عرض بیش‌از۶۰ متربه‌سبک‌ضربی‌لوله‌ای‌دارد. جرزهاودیوارهاوبدنه‌هافوق‌العاده‌ضخیم‌وضخامت‌جرزها

به‌بیش‌از یک‌سترونیم می‌رسد. دربعضی ازدیوارها هنوز قشر گچی روپیدا است، ولی برروی هم تمام سقف‌ها فرو ریخته وحتی یک سقف‌سالم وجود ندارد. ملاط بین‌آجرها و سنگ‌ها از گچ است ودرجاهایی که ضربی‌طاق‌نماها باقی مانده‌خبر گی ودقت عمل درساختمان‌را می‌توان‌دید. دراین‌بنا هیچ محلی برای طویله وچارپادار نیست و قلعه هیچ شباهتی به رباط های اقامتگاه مسافرین ندارد. ساختمان بیشترشبیه به‌قلعه مستحکم ویاقصری اشرافی است.

دراین قلعه کتیبه یانوشته‌ای امروز وجود ندارد. اما ازاهالی محل شنیدم که تاچندی پیش نوشته‌ای برسردر ورودی بوده که امروزچیزی ازآن بجانیست. بنای مذکور رباط سرراه ری نبوده زیرا درنوشتهٔ جغرافی‌دانان اسلامی بحث ازقریه کاج است که درآن‌زمان‌هم‌بنابگفته آنها به‌شرحی که‌بیاید خراب وخالی‌از سکنه بوده ودرمحمدآباد کاج محلی به‌نام‌سلیم‌آباد کاج است که آثارمخروبه‌ای درآن یافت می‌شود وگویند قریه قدیمی کاج درآنجا بوده است.

قریهٔ کاج در دورهٔ اسلامی مخروبه وغیرمسکون شده وشاید درصدر اسلام و در دورهٔ هجوم اعراب خراب شده باشد وچه‌بسا بعدازخرابی کاج برای قوافل قلعه سنگی ساخته شده باشد که‌بعید است، زیرا ساختمان قلعهٔ‌سنگی شبیه به کاروانسرا نیست وبرای اقامتگاه بین راه چنین ساختمان عظیمی مورد ندارد وساختمان گلی چندطبقه باخشت‌های قطور از دورهٔ پیش‌از اسلام است. بهرحال تاکاوشهای دقیق درمحل انجام نشود تاریخ بناهای مذکور نامعلوم است. دراطراف قلعه گلی بقایای ظروف شکسته وکاشی‌های لعاب‌دار فراوان است و باید انتظار داشت که از زیرخاك چیزهای جالبی‌به‌دست‌آید. شاید در موقع آبادی قریهٔ کاج قلعهٔ گلی وقلعهٔ سنگی به‌منظور دیگری ساخته‌شده باشند، زیرا راه قدیمی ساسانی هم از کنار این دوقلعه می گذرد.

در دست راست آخرین تپهٔ شمالی آثاریک راه قدیمی است که اهالی محل بدان سد گویند. درابتدای تپه نشانهٔ‌آن نمونه سنگ‌های درشت است که برای ساختمان‌راه‌به کار رفته وازسطح زمین کمی برجسته دیده می‌شوند. کمی دورتر علایم‌آن‌محو می‌شود، ولی در مشرق اسمعیل‌آباد و در مغرب حسن‌آباد به‌صورت پشته‌ای به ارتفاع دو تا سه‌متر بالاتراز زمینهای کویری اطراف نمایان است ودرطول چندین کیلومتر به‌خط مستقیم درجهت شمال ٤٥ درجه

شرق ادامه دارد وبه‌طرف جنوب آثارآن درشرق محمدآباد دیده می‌شود.

در روی پشته،ریگهای قدیمی هنوزپیداست ودرکنار پشته گاهی چاله‌ایست که خاك آنرا برداشته‌وراه را باآن ساخته‌اند. به‌خط مستقیم‌این راه به‌تنگهٔ بین‌حوض‌سره وحوض‌سلطان می‌رسد ودراین محل‌هم هنوزسنگهای درشت جاده آشکاراست وچون سطح آن از کویرهای اطراف بلندتر است آنرا دروازه گویند. ازتنگهٔ حوض راه به‌طرف دست‌راست پیچیده ودرسخروط افکنهٔ رود شور به‌قلعهٔ سخروبهٔ دیر می‌رسد. این‌راه هنوزمال رو ومورد استفاده است.

پل شکستهٔ ساسانی وخرابه‌های محمدآباد وراه سنگ‌فرش نشانی‌ازیک راه بسیار قدیم وتاریخی بین اصفهان وری بوده است که عموم جغرافی‌نویسان سده سوم وچهارم هجری‌ازآن یاد نموده وتوصیف ناروشنی ازوضع این راه بدست است.

قبل‌از اینکه مشاهدات محلی خودرا دنبال‌کنیم نوشته‌های مربوط به‌این راه‌را بررسی می‌نماییم که باید ازنوشته‌های جغرافی‌دانان مسلم استفاده کرد.

ابن‌خرداد به‌درتوصیف راه اصفهان به‌ری گوید ..... ثم الی قارص تسعة فراسخ ثم الی قم‌ستة فراسخ ومن قارص الی‌الدیرسبعة فراسخ ثم‌الی دزه سبعة فراسخ ثم الی‌الری سبعة فراسخ ودرنسخه دیگرابن‌خرداذبه به‌جای دیر (دیرکجین) آورده.

اصطخری درسده چهارم (۳۴۰) درکتاب مسالك‌الممالك گوید: الطریق من‌الری‌الی اصبهان من‌الری‌الی دزه مدینة فیهامنبر مرحلة ومن‌الری‌الیها عمارة‌الامقدار فرسخین فی‌وسط ـ الطریق ومن دزه الی‌دیرالجص‌مرحلة وبین‌دزه‌ودیرالجص‌مفازة‌محاذیة کرکس کوه‌وسیاه کوه و دیرالجص رباط من‌جص وآجریسکنه بذرقة‌السلطان وهومنزل للمارة ولیس به‌زرع و لاشجر و فیه بئرماء ملح‌لایشرب وماوهم من‌المطرفی حوضین خارجین من هذا الدیر والمفازة تحیط به من کلی‌الجانبین ومن‌دیرالجص الی کاج ایضا مفازة وکاج کانت قریة فخربت ولاسکان بها وانما هی منزل و ماوها من‌الامطار ایضا فی حیاض والاباربها مالحة و من کاج الی قم منزل الخ.

درمتن مسالك‌الممالك ابن خردادبه راه اصفهان به‌ری ازقم نمی‌گذرد و فاصله قارص به‌قم وقارص به دیرضبط گشته است و معلوم می‌شود درآن زمان راه اصفهان به ری از طریق

بیابان به‌خط مستقیم شهرهای قم و کاشان‌را درکنار مسیرقرار می‌داده. محل قارص به‌ظاهر همان کاج است که ازآنجا منزل بعدی دیربوده است. قصبه کاج درآن زمان‌مخروب ومتروك بوده ولی قوافل درهمان محل اقامت می‌نمودند وشاید قارص نام منزلگاه جانشین کاج بوده است. درنسخه دیگر ابن‌خردادبه به‌جای دیرکلمه دیرکجین ضبط گشته است و قدامه در کتاب‌البلدان توصیفی ازراه اصفهان به‌ری داده که باشرح فوق تفاوتی ندارد.

باید قبول کرد که در دوران آبادی کاج مسیله رود مجرایی به‌طرف مشرق یعنی‌مسیله داشته ومجرای شمالی متروك بوده است،زیرا اگرمسیله رود به‌طرف حوض روان‌شود راه کاج به‌دیرباتلاقی وخطرناك می‌شده است و باملاحظهٔ شرایط زمان ممکن نبود شاهراه اصفهان به ری ازاین محل بگذرد. ازطرف دیگرذکر این مطلب توسط اصطخری که آب آشامیدنی کاج ازباران است ثابت می کند که رودی ازنزدیکی کاج نمی گذشته زیرا ممکن بود که باکندن آب‌انباری درزمستان که آبها شیرین است، ذخیره‌ای‌ازمسیله رود گرفت.

دربارهٔ محل دیرالجص،ازتنگهٔ بین دوحوض راهی به‌طرف شمال شرقی‌رفته ودرمخروط افکنهٔ رود شور به‌ساختمان بزرگی می‌رسد که امروزکاروانسرای دیرنام‌دارد وفاصلهٔ آن‌ازکاج درحدود شش فرسخ است. درکاروانسرای دیرزمستان‌ها عده‌ای ازایلات کلاکوی شتردار وگوسفنددار زندگی می کنند. درپیش شمارهٔ آنها زیادتر بوده اکنون ۲۰ خانوار هستند و باآنها تعدادی شاهسون همراه است.

قبل‌ازاینکه شواهد تاریخی‌را دنبال کنیم به‌توصیف کاروانسرای دیرکه محل سابق دیرکجین یادیرالجص یادیرکرد شیراست‌می‌پردازیم.

ازراه تهران به‌قم بعدازحسن‌آباد راهی‌به‌طرف دست چپ جدا می‌شود که‌به‌بندعلیخان وورامین می‌رود. این راه درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی درشمال رود شور است. ۱۲ کیلومتر قبل‌از بندعلیخان راه دیگری‌ازجنوب به‌شمال آن‌را قطع می کند واگر آن‌رابه‌سمت جنوب دنبال کنیم به کاروانسرای دیر می‌رسیم وامتدادآن به‌طرف شمال از طریق دولت‌آباد به‌ورامین می‌رود واین همان راه قدیمی ساسانی است که اصفهان را به‌ری متصل می کرده و درکاج‌آثارمخروبهٔ‌آن‌راکه ازپل شکسته می گذشته توصیف نمودیم.

بعداز دوراهی بندعلیخان به‌طرف دیرراه ازارتفاعات گچی وارد جلگه‌ای کویری‌می‌شود. درمنطقهٔ کویری باز راه درحدود یک‌متر برجسته‌تراز جلگه ودر سطح آن ریگ و شن فراوان است که پیداست برای احتراز از زمین کفه‌ای‌آن‌را برجسته ساخته‌اند.

قدری دورتر راه به‌ارتفاعات رود شور برخورد کرده و دیگر ساخته نیست . با ملاحظه کیفیت‌راه پیداست که هرجا راه از زمین‌سخت می گذشته ساخته نیست وهرجامانند کویرهای حوض‌راه به‌زمینهای مرطوب و کفه می‌رسیده آنرا برجسته ساخته‌اند. به طرف شمال هم بعداز دوراهی چون زمین‌ها کویری بوده باز راه برجسته به‌عرض بیش‌از ۱ متر به خط مستقیم تا درهٔ رود کرج ساخته شده است. در روی‌رود کرج پلی درمحل‌مشاهده نشد. شایدپل‌آن‌خراب ومنهدم شده باشدوشاید هم‌چون کرج‌آب زیادی ندارد ازگدارهادرفصل زمستان‌می گذشته‌اند واحتیاجی به‌پل نداشته‌اند. درمقابل راه آنطرف رود کرج خرابه‌های ده قدیمی دولت‌آباد است که شاید محلی تاریخی بوده و ازدولت‌آباد تاوراسین راه به‌خط مستقیم دو فرسخ بیش نیست.

کاروانسرای فعلی دیر برروی خرابه‌های دیرالجص یادیرگجین یادیرکردشیر معروف تاریخی ساخته شده وظاهرساختمان قدیمی به‌نظر نمی‌رسد. دروازهٔ ورودی دوبرج درکنار دارد ودوطبقه است . داخل آن حیاط بزرگی است بااطاقهای کوچک بایک درو بدون پنجره که اطاقها روی سکویی قرارگرفته که جرزها آجری وسقف‌ها ضربی است. وسط بدنه‌های حیاط‌در سه‌طرف ایوانهایی بزرگ شبیه به‌ایوانهای داخل مسجد دارد که معلوم نیست‌به‌چه‌منظوری ساخته شده‌اند.

درپشت اطاقها طویله‌های سراسری باسحل آخور وسکویی برای چهارپادارواجاقی‌جهت طبخ غذا تعبیه شده است. دریک‌گوشهٔ حیاط شبستان بزرگ مسجدی است باجرزهای بسیار قطور وسقف ضربی ودریک گوشه حمام ودریک‌گوشه محل گچ کوبی باسنگهای آن و دریک گوشه حیاط داخلی است . درگوشه‌های کاروانسرا پلکانی به پشت‌بام است که دیواره‌ای مضرس ازدوطرف به‌سمت خارج وداخل دارد ودر دست اندازها سوراخهایی جهت دیده‌بانی است. روی بام دودکش اطاقها وطویله‌ها خیلی تمیزساخته شده وروپوشی دارندوناودانهای

سنگی بام به‌طرف حیاط متوجه‌اند.

درخارج ساختمان یک آب‌انبار است که آب باران ازاطراف به‌سوی‌آن سرازیر می‌شود. عمق آب‌انبار زیاد نیست وآب مشروب و مصرفی ساکنان کاروانسرا از این آب‌انبار است. دورکاروانسرا به‌فاصله ۳۵متر ازچهار طرف تل خاکی بسیار بزرگ است که تقریباً ارتفاع آن نزدیک به‌ارتفاع دیوار قلعه ودرمقابل در ورودی دوتل خاك بزرگ دیده می‌شود که با ملاحظهٔ ارتفاع فعلی ونشست خاکها درنتیجه شست‌وشو وبرداشتن آجرهای آن باید تصور نمود که تل خاك ها شاهدی ازبنای بسیارعظیم و مرتفع بوده‌اند. دربدنهٔشرقی بناخرابه های آجری دیده می‌شود ودرتل خاك ها هرجا زمین کنده شود آجرهای قطورشکسته نظیر آجرهای دورهٔ ساسانی ظاهرمی گردد. درجلوی محوطه دردومحل تپه های کوچکی است که درزیر آنها ساختمان آجری هویداست ودرپشت محوطه دو کورهٔ آجرپزی مخروبه‌است.

درمشرق این بنا به‌فاصلهٔ کمی یک قلعهٔ بزرگ گلی بابرجهای کوچک بنایی مخروبه‌با اطاقهای فروریخته است. این بود صورت فعلی محلی که امروز کاروانسرای دیرنام دارد اما باندك توجه دروضع ساختمان معلوم می‌شود که درآنجا لااقل سه‌بنا متعلق به‌سه‌دورهٔمختلف وجود داشته‌است. طرح اولی‌بنا شامل ساختمان‌بسیارعظیمی‌بوده که هیچ اثری‌ازآن امروزمعلوم نیست وشامل تل خاك های خارج کاروانسراست. خرابه های آجری خارج هم متعلق‌به همان دوره است که در تواریخ دیر کجین ودیرالجص‌ضبط شده‌است. این بنامعلوم نیست‌درچه زمانی خراب شده که درداخل محوطهٔآن ازآجرهای ساختمان مخروبه ساختمان فعلی طراحی گردیده است. درجرزها وبدنه های دیوارها ونمای‌خارجی وشبستان مسجد،آجرهای بسیارقطور قدیمی مربع به‌اندازه ۳۵سانتیمتر در۹سانتیمتربکار رفته وبه‌نظر می‌رسد که تمام بنای فعلی‌ازآجرهای خرابه های‌قدیمی بدست‌آمده باشد. این‌ساختمان درچه‌زمانی‌طراحی‌وپی‌ریزی‌شده است؟ شاید باشرحی که خواهیم داد، بعدازقرن ششم یا هفتم هجری باشد که سعی شده در طرح جدید مایحتاج کاملی برای زندگی فراهم شود. ساخت‌مسجد وحمام وطویله های بزرگ‌می‌رساند که ساختمان انجام شده به‌منظورپذیرایی ازقوافل‌بوده است وآب‌انبارخارج هم‌ازهمان عهد است. اما این بناهم دوامی نیافته و مخروبه شده زیرا سردر و بالاخانه ورودی ازآجرهای کوچکست

که ازلحاظ رنگ هم با آجرهای قدیمی فرق دارد واصولاً نقشه ورودی با ساختمان داخلی متناسب نیست. داخلهٔ حیاط ودیوارهای‌اطراف وجرزهای اطاقها تماماً ازآجرهای‌تازه است. باآجرهای تازه بازگاهی آجرهای قدیمی کهنه بکار رفته که در بهربالا نمایان است. تجدید بنای‌آخری هم چندمرتبه تعمیرشده ودربعضی جاها بکلی از نوساخته شده است.

حال وضع قدیمی‌محل را ازرسالهٔ دوم ابودلف مسعربن‌المهلهل الخراجی‌شاعروجهانگرد آغازقرن چهارم هجری که بین‌سالهای ۳۳۱ و ۳٤۱ هجری‌قمری سفرهایی در ایران نموده نقل می کنیم.

ابودلف بعداز توصیف قم گوید. ومنها (ای‌قم) الی‌الری‌مفازة سبخیة فیهارباطات‌ومناظر ومصالح وفی‌وسط هذه‌المفازه حصن عظیم عادی هائل‌البناءله ابرجة مفرطةالکبر والعلو و سوره عریض حال مبنی بالاجرالکبار وداخله ابنیة وازاج وعقود ویکون‌تقدیر صحنه جریبین مساحة اواکثر وعلی‌بعض‌اساطینه مکتوب تقوم‌الاجرة من‌اجر هذا القصر بدرهم وثلثی وثلثة ارطال‌خبزودانق توابل وقنینة خمرصاف فمن صدق ذلک والافلینطح راسه‌بارکانه شاء وهذا الحصن یعرف‌بدیرکجین وحوله‌صهاریج منقورة فی‌الحجارة واسعة عظیمة.

برجهای بسیاربزرگ وبلند وحصارعظیم که‌ابودلف ازآنها یادکرده بنای‌سخروبهٔ‌خارجی موجود است وآجرها یادگاری‌ازآجرهایی است که هریک، یک درهم و دوثلث درهم و سه رطل‌نان ویک‌دانگ ادویه ویک‌بطری شراب ناب‌خرج برداشته وشاید بنای‌اصلی‌هم‌به‌سبک بنای فعلی بوده. نکته‌آخری ابودلف درتوصیف دیراینکه در دیرهیچ اثری ازایرانیان موجود نیست زیرا اعراب آثارپاسیان‌را ازبین‌برده وساختمان‌های ایشان‌را ویران نموده‌اند (اگرصحیح باشد چون بگفته ابودلف نمی‌توان‌زیاد اعتماد نمود). در رسالهٔ دوم ابودلف‌ترجمهٔ‌مینورسکی اینطور ضبط شده ولی درنسخهٔ روسی این مطلب اشاره به ری است یعنی در ری اثری از ایرانیان نیست واعراب آثارپارسیان‌را خراب کرده‌اند. بنظرمی‌رسد که ضبط روسی صحیح باشد چون ابودلف‌بعدازدیر از ری توصیف کرده واین‌موضوع مربوط به‌توصیف ری باید باشد، زیرا باشرحی که ابودلف دربارهٔ دیرداده دیگرمعنی‌ندارد که بگوید آثارپارسیان‌را خراب کرده‌اند.

کتیبهٔ منقورمربوط به‌خرج بنابه‌تحقیق ازدورهٔ پیش‌از اسلام است وسبک برآورد خرج

شبیه به‌دورهٔ هخامنشی است که مزد به‌پول ونان وشراب تسعیرمی‌شده‌واینکه عظمت‌بناباعث تعجب ابودلف گشته ثابت می کند که بناظاهراصلی خودرا درآن زمان محفوظ داشته‌است.

دراشارهٔ ابودلف به‌اینکه ساختمان‌مربوط به‌زمان‌عاد است،باید تصور کرد که ساختمان بسیارقدیمی باشد والاابودلف متذکر می‌شد که ساختمان قدیمی ازبین رفته وبنای تازه‌ای‌جای آنرا گرفته ولی‌آنچه دربنای کاروانسرای دیر ازآغاز پیدایش تابه‌امروز چشم گیراست،چندنکتهٔ جالب می‌باشد. اول وضع آب‌انبار محل است که درخارج قلعه بوده ودر هرمرمتی آب انبار تعمیروتجدید بنا گشته وامروزهم آب آشامیدنی کاروانسرا از آب باران آب انبار خارج قلعه است. دوم بکاربردن آجر درساخت کاروانسرا است که درزمان ابودلف هم موجب شگفتی گشته وسوخت کوره‌های آجر ازدرختان گز اطراف فراهم شده است. مسلم اینکه در پیش‌از اسلام، دشت دیردرخت‌فراوان داشته وامروزهم بوته ودرخت گز در دره رودشور زیاد است و خرابه‌های آجری خارج قلعه کوره‌های آجرپزی بوده‌اند ودرتجدید بنای آخری کاروانسرا که شاید درصدسال‌قبل صورت گرفته به‌همان رویه سابق درمحل آجر پخته و بناهای جدید هم ازآجر است.

مطلب سوم موضوع گچ است که نام دیرالجص یادیرکجین ازآن آمده است. دراین مورد هم گچ ازمصالح اصلی ساختمان قلعه دیربوده وسنگ گچ ازاطراف‌به‌آسانی‌فراهم‌می‌شده ودرکوره‌محلی باسوخت گزآنرامی‌پخته‌اند،ولی معلوم نیست که‌عنوان گچین به‌واسطهٔ بکاربردن ملاط گچ باآجر بوده ویااینکه چون این محل کورهٔ گچ پزی‌بزرگی داشته، دیرمعروف را باین نام موصوف کرده‌اند. کورهٔ گچ پزی هم درهرتجدیدبنا محل خود را حفظ کرده به طوری که دربنای موجود هم کورهٔ گچ داخل قلعه گوشه‌ای ازکاروانسرا را گرفته است.

موضوع مسجد داخل کاروانسرا درخور تأمل است. کاروانسرای‌سرراه محل بنای‌مسجد نیست ودرهیچ یک ازبناهای متشابه، مسجد دیده نشده است وباید تصور کرد که با ملاحظهٔ عظمت‌بنا ومحل ساختمان، قلعهٔ‌دیراصلی کاروانسرا نبوده است ودرحاشیهٔ بیابان‌های داخلی ایران دیررا محل عبادت کاهنان، درپیش‌از اسلام باید دانست و در صدراسلام بنابر عادت مسلمین عبادت گاه قدیمی به‌مسجدی بدل گشته وچون بساط کاهنان برچیده شده لاجرم بنای

اصلی به کاروانسرا بدل گشته است.

ابن‌حوقل در کتاب صورة الارض توصیفی ازراه اصفهان به‌ری داده که هیچ فرقی با گفته اصطخری ندارد ودر حقیقت نوشته ابن‌حوقل دراین باب اگر ازروی اصطخری نباشد ازهمان منبع سرچشمه گرفته.

المقدسی کمی بعد در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ازراه اصفهان به ری توصیفی به‌همان شرح نموده ولی وصف دیرالجص اندکی فرق دارد: و اما صقة المنازل التی ابتدا انابذکرها. دیرالجص وهومن آجر کل آجره مثل اللبنه العظیمه واسع کثیرالمراقف علیه ابواب حدید وعلی بابه بقال مقیم وحیاض الماء خارج منه مدورة یجتمع فیهاماء المطر غیرانی رایته شعثا وکاج کانت قریه علی رابیة وقدخربت وانجلی اهلها اظن من القفص وتفترق منهاالطرق واحدة هی التی ذکرنا وفیها عبرنا والاخری الی قم مرحلة.

مطلب تازه دراینجا درهای آهنی دیرالجص است که درنوشته ابودلف واصطخری ازآن حرفی نشده وشاید قابل ذکر ندانسته‌اند، اما اگر درهای دیرآهنی بوده باید تصور کرد که این مکان برای منظور بزرگی ساخته شده زیرا دروسط بیابان شور و با ملاحظه بعد مسافات چطور درهای آهنی برای دیرتعبیه شده واین درها ازکجا آمده است؟ اینکه مقدسی بقالی برای فروش مواد غذایی درآنجا دیده ثابت می‌دارد که دیرمورد رفت‌وآمد زیاد بوده ومواد مورداحتیاج کاروان‌ولو ازنقاط دوربه‌آنجامی‌سیده است. دربارهٔ خرابی شهر کاج به‌نقل ازمقدسی که گویدبه‌واسطهٔ تطاول اقوام قفص به‌تاراج رفته وسکنه‌آن منهدم شده‌انداعتباری‌نیست، زیرا دزدان قفص به بضاعت مردم دستبردمی‌زدند وخرابی محل باید علل دیگرداشته باشد ودور نیست که طغیان وتغییر مجرای مسیله‌رود باعث مرگ شهر کاج شده باشد.

نکته دیگر درنوشته اصطخری وابن‌حوقل وجود نگهبانان شاهی در دیراست. نگهبانان برای امنیت راه درآنجا گمارده شده بودند، زیرا اصطخری وابن حوقل توصیف مفصلی دربارهٔ ناامنی این بیابان‌ها داده‌اند واین راه‌را محل تاخت‌وتاز دزدان گفته‌اند.

درسیاست‌نامهٔ خواجه نظام‌الملک داستان مفصلی‌آمده وپیره زنی به‌سلطان‌محمودشکایت کرده که مایملک او را دزدان در دیرالجص برده‌اند ودزدان از کوچ‌وبلوچ از نواحی کرمان بوده‌اندوسلطان‌محمود به‌بوعلی‌الیاس که اسیر کرمان بود دستور دستگیری وقلع وقمع دزدان را داد واعمال مجدانه‌ای دراین راه انجام گرفت. حکایت ومحتویات‌آن نمی‌تواندمأخذ ومدرکی باشد، زیرا اشتباه درآن زیاد است مثلاً سلطان‌محمود به‌سال ۳۸۷ هجری‌قمری به‌سلطنت‌رسید ونمی‌توانسته باامیرابوعلی محمدبن الیاس امیر کرمان که درسال ۳۰۶ فوت کرد معاصرباشد و خواجه نظام‌الملک درسال ۴۸۰ به‌قتل رسید وتدوین کتاب‌دراواخر عمر او صورت گرفت، ولی حکایت اگر به‌ظاهر افسانه است متضمن این حقیقت است که این صحراها در صدسال پیش‌از خواجه نظام‌الملک ناامن بوده و دیر کجین ودزدان اطراف آن ضرب‌المثل بوده‌اند.

آقای مینورسکی درحواشی وملحقاتی که درچاپ رسالهٔ دوم ابودلف‌آورده اشاره‌به‌داستان خواجه نظام‌الملک نموده ومعلوم نیست به چه‌علت دیرکجین مذکور درحکایت را در ناحیهٔ کرمان قرار داده درصورتیکه ازمتن حکایت کاملاً پیداست که محل‌مورد دستبرد بین‌اصفهان وری بوده که همین محل‌مورد بحث است. شاید اشتباه از آنجاست که چون دزدان از کرمان بوده‌اندمینورسکی محل‌دستبرد را هم‌در کرمان‌دانسته‌است. درحواشی،مینورسکی می‌نویسد در زمان مقدسی دیرمخروبه بوده درصورتیکه چنین مفهومی ازنوشتهٔ مقدسی بدست نمی‌آید.

توصیف بیابان‌های بین اصفهان وری درنوشته‌های اصطخری و ابن‌حوقل و مقدسی به تفصیل آمده‌و کرکس کوه نزدیک‌دیرالجص را مأمن دزدان گفته‌اند. ابن‌حوقل گوید:

دزدان دراین بیابان پناهگاهی دارند که درآنجا مخفی می‌شوند واموال وذخائرخودرا پنهان می کنند. این پناهگاه جبل کرکس نام دارد و کرکس کوه نام بیابانی‌است درمجاورت ری وقم که به‌اندازه مسیرچند روز ازآنها فاصله دارد ودرمشرق آنها واقع است واین کرکس کویه، کوه بزرگی نیست وازجبال بریده شده وپیرامون بیابان است وشنیدم که محیط پایین‌آن دوفرسخ است، ولی خود به‌آن آگاهی‌ندارم وفقط ازآنجا عبور کرده‌ام. دراین کوه آبی به نام آب بیده هست و وسط کوه چون هامون ودربیراهه‌های آن آب اندك است و راهی که بتوان

به‌قلل آن رفت کم است. گردنه‌ها وراههای ترسناك دارد واگر کسی درآن متواری شود بدو نمی‌توان دست یافت وآنگاه که کسی به‌آب بیده برسد گویی در دیوارپستی قرار گرفته و کوه اورا احاطه کرده است. کوه کرکس کویه ازمشرق به‌مغرب کشیده شده است وبه‌وسیلهٔ راهی دشوارگذروپراز تپه ودره به‌مسافت دوفرسخ به‌جبالی درناحیه ری می‌پیوندد وازآنجا به‌جبال جیل (گیلان) می‌رسد[1].

ابن‌حوقل درتوصیف راه ری به‌اصفهان توضیح دیگری می‌دهد:

راه ری به‌اصفهان ازمیان‌سیاه کویه و کرکس کویه‌است وچنان است که کرکس کویه درطرف چپ مسافروسیاه کویه درطرف‌راست وی قرار می گیرد. درسیاه کویه دزدان پناهگاهی دارند ودرنزدیکی‌آن آبادی‌نیست وازکرکس کویه تادیرجص چهارفرسخ وازآنجا تاسیاه کویه پنج فرسخ است. سیاه کویه کوهی بدمنظر است وفاصله آن تاکرکس کویه نه فرسخ است. سراسر راههای دشوارگذروتپه ودره است وازکرکس کویه تاذره هفت فرسخ است.

شرح ابن‌حوقل کم‌وبیش شبیه به نوشته اصطخری و مقدسی است و درباره بیابان‌های کرکس کویه وسیاه کویه بحث فراوان است که بااوضاع واحوال امروزمحل مطابقت‌ندارد. نکته اول درگفته ابن‌حوقل وضع کرکس کویه است که آنرا مأمن‌دزدان دانسته‌وبیابان‌های مجاور به‌ری وقم‌را به‌نام کرکس کویه نامیده وگوید کرکس کوه درمشرق‌آنها به‌فاصله‌چند روزاست. برحسب چنین موقع جغرافیایی کرکس کوه باید کوهستان واقع درمشرق حوضهٔ مسیله باشد که ازکوه ملك‌آباد شروع شده وازطریق سیاه کوه موجود به دوازده امام می‌رسد ودراین صورت بیابان مشرق حوضهٔ مسیله‌را بیابان کرکس کویه نام داده‌اندواینکه می گوید کرکس کویه کوه بزرگی‌نیست وازجبال‌بریده شده وپیرامون بیابان‌است باامشخصات سیاه کوه معروف معادل است وبه‌ظن قوی سیاه کوه همان کرکس کوه قدیم است. اما دراین کوه آبی به‌نام آب بیده هست و وسط کوه چون هامون (چاله) می‌باشد کم و بیش باوضع سیاه کوه وچشمه معروف‌آن که درچاله محصوری قرارگرفته مطابق است. آب بیده درنسخه‌ای آب‌بنده ضبط شده واگر درست باشد چیزی شبیه به‌سنگ آب‌های سیاه کوه است وشاید درجلوی‌چشمه

۱- ترجمهٔ دکترجعفر شعار.

حوضی درگذشته وجود داشته است.

جهت سیاه کوه شمال غربی به‌جنوب شرقی است و باجهت کرکس کوه توصیفی تفاوت زیادی ندارد و راه پراز تپه وگدار با درازی دوفرسخ باید به کوه های ری و ورامین برسد گواینکه فاصله درحدود چهارفرسخ می‌شود.

نکته دوم وضع راه ری به‌اصفهان بین سیاه کوه و کرکس کوه است . کرکس کوه در طرف چپ مسافر وسیاه کوه طرف راست‌آن است. بااین توصیف‌یافتن‌سیاه کوه ابن‌حوقل‌مشکل است، زیرا درمغرب راه ساسانی کوه‌های گوی‌داغ و کوه سره قرار دارند و کدام یک‌آنهاسیاه کوه ابن‌حوقل است که آنجا نیزپناهگاه دزدان بوده ودرنزدیکی‌آن آبادی‌نیست؟ . ابن‌حوقل‌فاصلهٔ کرکس کوه را تا دیرجص چهارفرسخ وازدیر تاسیاه کوه را پنج فرسخ تعیین کرده که بهیچ حسابی درست نیست..

فاصله سیاه کوه (اگر کرکس‌فرض کنیم) تادیر چهارده فرسخ وتاورامین ۱۶ فرسخ است وجزسیاه کوه هیچ جایی با مشخصات کرکس کوه مطابق نیست که چهارفرسخ تادیر فاصله داشته باشد وچهارفرسخ درمشرق دیرخرابه‌های کریم‌خانی ودامنه های شمالی کوه دوازده امام است مگرتصور شود که کرکس کوه معروف گذشته‌ازسیاه کوه، دوازده امام را نیز شامل بوده وازانتهای دوازده امام تادیرفاصله‌را چهارفرسخ گفته‌اند. درپنج فرسخی دیرسیاه کوه ابن حوقل‌را باید کوه ارات دانست وگرنه فواصل نادرست می‌شوند.

نکته سوم وضع سیاه کوه و کرکس کوه در نقشه‌ای است که ابن حوقل از بیابان‌های داخلی ایران بدست داده[1] ودراین نقشه رشته جبالی ازجنوب اردستان روبه‌شمال تا نزدیکی ری رسم شده که کرکس کوه است. این منطقه باملاحظه معکوس بودن جهات نقشه شامل کوه‌هایی است که ازانارك تا دوازده امام‌ادامه دارند، ولی سیاه کوه نقشه از جنوب اردستان شامل کوه‌های نطنز وکاشان وقم وگوی داغ است واگر دورشته کوه‌های موازی یکی سیاه کوه ودیگری کرکس کوه نام داشته چراکرکس کوه اصلی‌را درسیاه کوه قرارداده وسیاه کوه انتهای شمالی ارتفاعات مرکزی گشته است؟

۱- نقشه مربوط به‌بیابان‌های فارس وکرمان درصورة‌الارض ابن‌حوقل.

توصیف ابن‌حوقل در کتاب صورة الارض ازموقع راه به‌این شرح است: والطریق من الروی الی اصبهان بین سیاه کویه و کرکس کویه وعن یسار السائر و سیاه کویه عن یمینه وسیاه کوه ایضا مساوی للصوص ولیس وبقریهٔ عمارة من کرکس کویه الی دیرالجص اربعة فراسخ و من دیرالجص الی سیاه کویه خمسة فراسخ وسیاه کویه جبل اسود قبیح المنظر والمخبروبین سیاه کویه و کرکس کویه تسعة فراسخ اعارد ربی و وهاد علی دیرالجص ومن کرکس کویه الی دزه سبعة فراسخ .

درنوشتهٔ جغرافی‌دانان قرن سوم وچهارم وپنجم هجری بیش‌از این توصیفی از راه ری به‌اصفهان دیده نشد. اماآنچه به‌طورخلاصه‌مستفادمی‌شود اینکه‌این راه‌قدیمی‌در زمان‌ساسانی وشایدپیش ازساسانی از زمان هخامنشی‌وجود داشته‌زیرا باتوجه‌به‌اینکه‌درآثار دورهٔ‌هخامنشی ازشهر راگاکه همان ری باشد نام برده‌اند واصفهان هم مرکز جمعیتی بزرگ بوده باید راه معتبری بین اصفهان وری برقرار باشد.

باید قبول کرد تازمانیکه اصفهان و ری شهرهای آبادی بوده‌اند این راه هم مرتب بوده زیرا باملاحظهٔ وضع طبیعی محل راه کوتاه بین اصفهان و ری همین راه است . در زمان فرهاد اول اشکانی ری اعتبار داشته واز دورهٔ ساسانی آثار فراوانی در ورامین و ری بجامانده که حاکی ازآبادی ری قبل‌از اسلام است. اینکه جغرافی‌دانان سده سوم وچهارم شهرکاج‌را مخروبه وخالی ازسکنه ذکرکرده‌اند می‌رساندکه خرابه‌های کاج وپل شکسته و قلعه های محمدآباد باملاحظهٔ مصالح ساختمانی‌لااقل مربوط به‌دورهٔ‌ساسانی ودیرهم باشهر قدیمی کاج هم‌زمان است زیرا به‌ظن یقین کاج شامل‌شهرستان بزرگی بوده است وامروز هم کاروانسرای دیر را دیرکاج می گویند. غالب دهات مسیله کلمهٔ کاج را بعدازاسم خود دارند مثل محمدآباد کاج وحسین‌آباد کاج وسنگ‌آباد کاج وغیره.

درهجوم عرب این‌منطقه هم ازتطاول وتاراج مصون نماند وشاید شهر بزرگ کاج در این زمان ازبین رفته باشد واشارهٔ‌ابودلف به‌خرابکاری اعراب وتوصیف اصطخری‌وابن حوقل والمقدسی از وضع فلاکت‌بارکاج شاهدآن است.

درسده‌دوم هجری ری‌دوباره اهمیت یافت ومقرحکمرانی مهدی‌پدر هارون‌الرشید کشت

ومسجد محمدیهٔ قدیم ری ازبناهای او است ویکدورهٔ اعتبار ری از زمان سلجوقیان است که طغرل بیگ مؤسس این سلسله در ری مدفون گشته وبنابراین تازمان سلجوقیان راه ری‌بایستی آباد ومعمور بوده باشد. بعداز حملهٔ مغول وقتل‌و غارت ری این شهر دیگر اعتباری‌نیافت و سعی غازان‌خان در برقراری عظمت ری بجایی نرسید وباوجود فرمان وی که‌شهردوباره ساخته شود جمعیت ری پرا کنده گشته بود وقسمت مهم جمعیت به شهر نوظهور تهران و وراسین رفته بودند.

آبادی راه اصفهان به‌ری ومنازل بین راه و وضع دیرالجص مربوط به‌اهمیت واعتبار ری بوده وتا ری مرکز جمعیت بزرگی بوده ازاین راه در دوره‌های مختلف مراقبت‌به‌عمل می‌آمده و باانهدام ری این راه متروك شده است.

محل آبادی دزه آخرین‌مرحله راه قبل‌از ری‌روشن نیست. ابن‌حوقل گویددزه مسجدی دارد ورود کوچکی باآب جاری ازآن می گذرد وازآنجا تادوفرسخی ری آبادی نیست.

دزه باید ازتوابع ری بوده باشد ودر آنزمان دومحل به‌نام‌دزه وجود داشته که یکی در ورامین ودیگری دزه قصران‌است. به‌تحقیق نمی‌توان محل دزه را معلوم‌داشت زیرادرورامین آثار مخروبه فراوان است وچون نام‌های روستاها بعداز هرخرابی وآبادانی تغییرصورت داده‌اند باید تفحص بیشتری به‌عمل آورد. رود کوچکی که از دزه‌بگذرد معروف نیست. در دشت ورامین بغیرازجاجرود رودی که آب جاری داشته باشد نمی‌شناسیم. بظاهر دزه تاریخی باید بین دولت‌آباد وباقرآباد باشد.

یاقوت درمعجم‌البلدان دیرجص را دیرکرد شیر ذکرکرده و هیچ اسمی از دیرالجص یادیرکجین نیاورده است. توصیف یاقوت نقل شرح مضبوط در رسالهٔ دوم ابودلف است ولی نکتهٔ جالب دراینجا نام کرد شیر است که برای اولین دفعه دیده می‌شود و معلوم نیست یاقوت ازکجااین‌اسم را بجای دیرکجین بکار برده ودرهیچیک از آثار قبل‌از یاقوت نام دیر کردشیر دیده نشده است. مسلم اینکه توصیف یاقوت ازدیر باوضع محل در زمان یاقوت‌وفق نمی کند زیرا بین سفر ابودلف وزمان یاقوت قریب سیصدسال فاصله است وباملاحظهٔ اوضاع واحوال حمله مغول به‌ایران توصیف ابودلف که یاقوت بدون هیچ تغییری آنرا نقل کرده‌ناظر به‌وضع زمان نبوده است.

قزوینی درآثارالبلاد به‌سال ۶۷۴ باز دیر کجین را دیر کردشیربهمان شرح ابودلف توصیف کرده است. آیا دیر کرد شیر از بناهای اردشیر ساسانی بوده ودر زمان اعراب به دیرالجص معروف گشته معلوم نیست وبهرحال دقت بیشتری دراین خصوص ما را ازسنظور جغرافیایی خود دور می کند ولی یک موضوع آخری درخور بحث است وآن اینکه دیر چه معنی داشته و بچه‌نوع محلی گفته می‌شده است؟

درمعجم البلدان یاقوت تعریفی ازدیر بمعنی دارو محل عبادت کاهنان یهود و نصاری نموده وموقع آنرا بیشتر درصحاری دوردست وبرفراز جبال قرار داده وتعداد زیادی ازدیرها را درعراق ولبنان ومصر توصیف نموده ولی درایران کنونی فقط ازدو دیر یاد شده که یکی دیر الاباق درناحیه اردشیر خره ودیگری دیر کردشیر است.

اردشیرخره ناحیه‌ای ازفیروزآباد تا سواحل خلیج فارس بوده است. آیا هردو دیر را از بناهای اردشیر بابکان باید دانست؟

درکتاب المعجم شمس‌الدین محمدبن قیس‌الرازی در وصف‌قصور خورنق وسدیر گوید: «سدیر سه گنبد بوده متداخل یکدیگر وآنرا سه‌دیر خواندندی و عرب آنرا سدیر کردند و سه گنبد معبد ایشان بوده است و گنبدرا بزبان پهلوی دیرمی‌خوانده‌اند ودربعضی‌ازکتب مسالک خوانده‌ام که ازطرف اصفهان برصوب ری منزلی هست که آنرا دیر کجین می‌خوانند و گنبدی مجصص بوده است» مأخذ نویسنده معلوم نیست و آنچه درتوصیف دیر به‌ما رسیده مربوط به گنبد مجصص نبوده ویا اگر دیر گنبدی مجصص داشته مورد توجه نیافتاده بهرحال دیر در سه‌معنی مختلف گنبد یاعبادتگاه ویامنزل ومسکن بکار رفته‌ونمیدانیم دیر کجین ناظربه کدام معنی بوده است.

جنوب شرقی

(منطقهٔ سفیدآب)

درنقشه های‌موجود ازایران به‌مقیاس $\frac{1}{250000}$ دربارهٔ عوارض طبیعی زمین درمنطقهٔ مورد نظرما صحیح نیستند وحتی نقشه های امریکایی سرویس هوایی که‌از روی‌عکس تصحیح شده اساسی بسیارکمی دربر دارند واین اساسی هم درست نیستند. جهت ارتفاعات‌مغلوط است وحد کویر نارساست وبه‌ویژه ازجهت مسیلها وآبهای روان بکلی عاری ازحقیقت است.

در روی چنین نقشه‌ای به‌مقدارزیاد مسیلها وآبهای‌موسمی درمشرق‌وجنوب‌شرقی وشمال مسیله رسم شده که انسان به‌فکر می‌افتدتمام دامنه هابریده ومنقطع بادوره‌ها وشکافهایی‌است که ازآنها درفصول مرطوب‌آب به‌سمت مسیله جاری می‌شود که برخلاف واقع است. درواقع درمنطقهٔ مرنجاب وسفیدآب و کوشک کوه وحتی سیاه کوه هیچ رود یا فاضل آبی با بستر ثابت به‌مسیله نمی‌رسد وآنچه‌در دشت وجود داردشیارهایی‌است که‌از بارانهای کم و سیلابی‌حاصل شده وبطوریکه وضع آنها نشان می‌دهد هیچگاه آب بافرصت زیادی درآنها جاری نبوده است. برید گیهای دشت گرچه دربعضی جاها زیاد است ولی مانع‌عبور ومرور نیست‌اگر زمین کویری ویا کوهستانی ویاماسه‌ای نباشد درهمه‌جا می‌توان ازدشت عبور نمود.

فرسایش جوان فعلی هنوز نتوانسته شبیهای منظم ومتد به‌طرف مرکز حوضه ایجاد نماید. عوامل فرسایش که ترکیبی ازعمل آبهای روان درمنطقهٔ نیمه خشک و فرسایش مکانیکی وشیمیایی است یک فعالیت جدید ودرهم وبرهمی‌را شروع کرده که هنوز نتیجه آن مشهود نیست. اشکال ناهمواری بطور مستقیم اثر ساختمان زمین‌را می‌رسانند که درمنطقه‌ای خشک ونیمه صحرایی. آبهای روان کارمهمی انجام نداده و مجراهای‌ثابتی پیدا نکرده‌اند. هر چاله‌ای محل‌تمرکز آب شده واین چاله‌ها هنوزفرصت نیافته که بهم متصل شده وارتباطی به خارج یابندبطوریکه درپای هر کوه یک کف پایه محلی وجود دارد. جدال برسر تغییرات خط تقسیم‌آب‌فراوان است.

به‌واسطهٔ ترکیبات نمکی‌و گچی زمین اگر رودی ولو بطور موسمی جریان یابد درمدت کوتاهی مسیر خود را نمکی و کفه‌زار می کند و اگر آب آن در چاله‌ای بطور موقت هم بجا ماند کویر کوچکی پیدا می‌شود . وصول آب بیشتر باعث‌توسعهٔ کویر می‌شودتاجایی که چاله مخرجی پیدا کند و درآن صورت نیز تا مدتی زمین کفه‌ای خواهد ماند و امروز هم درطول بسیاری ازمجراهای موسمی زمینهای کویری فراوان است .

درشمال کوشک کوه بعدازپایکو یه دشتی حدفاصل باارتفاعات‌ملاصدرا است . در دشت هیچ مجرای ثابت ویامسیلی وجودندارد . فقط شیارها حاکی‌از جریان آبهای موقت است که بطور بادبزنی ازکوه منشعب می‌شوند . این شیارها دروسط دشت به‌دو سمت متوجه گشته قسمتی از راه مسیلی به‌طرف شمال غربی درمشرق‌مرنجاب به‌مسیله می‌رسند وبهری به مسیل دیگری روبه شمال شرقی رفته ودرکویری درجنوب سفیدآب وارد می گردد . کویر شرقی جزء حوضهٔ دشت کویر است و خط تقسیم آب بین دوحوضه در ۲۶۹۰پا (۸۸۰ متر) است . کف کویر سفیدآب در ۸۰۰متر ولب کویر بزرگ در ۷۴۰متر و سطح مسیله تقریباً ۸۵۰ متری است . فرسایش قهقرایی مسیل شرقی باید بزودی مسیل غربی‌را اسیرکرده آبها باید به سمت کویر بزرگ سرازیر شوند ولی نه آبی درمسیل وجود دارد که قابل برگشت باشد ونه‌بارانی کافی که چنین تغییرمجرایی پیش آورد . حتی شیارها هم طبق ساختمان دورادوری اطراف کوشک کوه به دوسمت متوجه‌اند .

درشمال کوه سفیدآب باز برزخی حدفاصل بین‌حوضهٔ مسیله وحوضهٔ‌دشت کویرمی‌شود . درحال حاضر بیشترشیار های دامنه‌های شمالی سفیدآب به حوضهٔ مسیله می‌روند و شیارهای شرقی به‌طرف کویر سفیدآب دراین‌محل خط تقسیم آب قدری بلندتر است ولی‌به‌تدریج اتصالی بین دوحوضه برقرار خواهد شد .

درشمال دشتهای کوشک کوه کوهستان دیگری در جهت جنوب غربی به شمال شرقی است که مغرب آن‌را کوه ملک صدرا ومرکز آنرا کوه چاه خلیج ومشرق‌آنرا کوه تل بورگویند ودرشمال شرقی این کوهستان کوه سفیدآب قرار دارد . کوه ملک صدرا توده‌ای از زمینهای خروجی بیشتر تراکیت وآندزیت سیاه رنگ است ومسیل های فراوانی کوه را شکافته‌تیغه های

نوك‌دار وبرجسته بین مواد آبرفتی ضخیم بجامانده است. درمشرق ودرشمال در کوه چاه خلج وتل بور زمینهای کرتاسه وتوفهای ائوسن باسنگهای دگرگونی ظاهر می‌شوند.

درشمال این ارتفاعات کوه سفیدآب است که ریشه‌ای از زمینهای اندرونی و سنگهای دگرگونی ومیکاشیست‌وفیلاد دارد. در روی این سنگها طبقات رسوبی کرتاسه با جوشسنگ سرخ وماسه‌سنگ وآهک طاق‌دیس بزرگی ساخته که مرکز آن از بین رفته وسنگهای‌اندرونی آشکار شده است. در روی کرتاسه درشمال کوهستان توفهای ائوسن قرار دارند وجبهۀشمالی وجنوبی به‌واسطۀ گسله هایی شرقی غربی‌شکسته است. گسلۀ شرقی‌غربی جزء ساختمان جنوب دریای نمک است و کنارۀ جنوبی حوضه باآن ارتباط دارد. دامنۀ شرقی سفیدآب چشمۀ آبی گوارا دارد که آب ازآن دراستخری جمع می‌شود ودر کنار استخرآثارساختمانی سنگی ومخروبه است و قسمت شمالی سفید آب‌بواسطه‌آبرفتهای آهکی وتوفهای‌سبز،رنگ روشن دارد و توسط شیارهایی بریده بریده شده وباشیب تند به کویر زرده می‌رسد و بعداز کویر زرده کویرهای مرطوب رسی است که درآن آبهای زیر زمینی ظاهرمی‌شوند و کمی دورتر دریای نمک است.

دشتهای واقع بین سفید آب و کوشک کوه و کوه‌های نخجیر و طلحه به‌واسطۀاختلاف جنس زمین و فرسایش مکانیکی شدید ناهمواریهای جوان دارند. گاهی قسمتی از ارتفاعات به‌صورت تپه شاهد باقشری ازمواد آتشفشانی در دشت‌ظاهر می‌شود وزمانی‌جبهه طبقات‌توسط مسیلها شکافته شده وسطوح ساختمانی درسنگهای سخت به‌شکل پوششی‌مسطح نمایان‌است. این مناظر درمنطقۀشرقی‌دشت‌مشرف به‌دشت کویر زنده‌تروبه‌واسطۀنزدیکی‌به کف‌پایه‌پایین‌تر سیلابها مسیل های عمیق وپیچانی ساخته‌اند.

بریدگیهای زمین زیاد و غالباً دره های تودرتو زمینی ناهموار و شکسته بار آورده که یافتن راه (اگر اصطلاح صحیح باشد) درآن بسیاردشوار است ودراین محل بود که‌سون هدین در ژانویه ۱۹۰۶ ازقافله جدا افتاده وراه راگم کرد ودرپیچ و خمهای دره‌ها یکروز حیران وسرگردان ماند.

در دشتهای آبرفتی پای کوه اگر انسان راهنما داشته باشد سفردشوار نیست و باماشین جیپ می‌توان تمام منطقه غربی‌را پیمود وبه‌علاوه‌اثر عبورقوافل و تل های سنگی که‌چوپان ها

برای هدایت خود به‌طرف چشمه‌ها تعبیه کرده‌اند. بهترین نشانه است. منطقهٔ شرقی‌سیمله‌از زمانهای بسیارقدیم یک معبر ارتباطی عمده بین اصفهان و کاشان و خوار و خراسان بوده و قوافل زیادی ازآن رفت‌و آمد می‌نموده‌اند و باوجود علف کوتاه کویری گوسفندداررها زمستان را درآنجا سر می کرده‌اند. از کاشان تاخوار راه ارتباطی ازاین دشتهای خشک‌می گذشته‌چون درمشرق وغرب این معبر کویرها سدطبیعی بوده‌اند. دراین بیابان سنگلاخ به‌فواصل کمتراز ۶ فرسخ چاه آب وچشمه گوارا وجود دارد ودرپیش که کاروان شتر وسیلهٔ ارتباط بوده بیشتراز این چشمه‌ها استفاده می‌شده وهرچاه اسمی داشته وهرعارضهٔ طبیعی نشانی برای‌خط عبوربوده است. چشمه وقنات مرنجاب‌وچاه زرگان ومزرعه کوشک کوه وچشمهٔ یخ آب سر این راه‌بوده‌اند ودر دامنهٔ شمالی کوشک کوه درماسه‌ها چاه دست کن است ودرنزدیک آن آثار خرابه‌ایست که روزی استراحتگاه یامنزلگاه کاروان بوده وآنرا نوشیروان گویند. دربیابان بین یخ آب و سفیدآب محلی به‌اسم چاه قباداست که ۷ تا۸ متر عمق دارد وآبدار است.

این بیابان بسیار ناامن بوده وغالباً دزدان وطاغیان به‌قوافل‌طول راه دستبرد می‌زدند و درآنجا سنگر ومخفی گاه داشتند وسالیان دراز تازمانی نزدیک راهزنان دراین‌منطقه‌زیادبودند ودرنزدیکی چاه قباد قلعهٔ مخروبهٔ گلی دیده می‌شود که چندان قدیمی نیست و معلوم است روزی قرارگاه بین راه بوده ولی بعد مرکز راهزن‌های ماشاءالله دزد معروف کاشی‌شده است. دیوارهای حیاط وداخل اطاقهای مخروبه آن ازاثرگلوله سوراخ سوراخ است و پیداست که مدافعین درجنگ‌سختی حتی اطاق به اطاق مقاومت کرده‌اند. شاید قبل‌از ماشاءالله این قلعه دزدان دیگری بخود دیده باشد.

بعداز چاه قباد به‌طرف دشت کویر دوچاه دیگر چاه گرگ وچاه بادام است و تنگهٔ بین دشت کویر و کویر سفیدآب را دهنهٔ ظلمات گویند. هریک از این چشمه‌ها و چاهها توسط علامتی مشخص‌است. گورخر وآهوازحیوانات‌محلی راه چشمه‌هاراخوب می‌شناسندوازفرسنگها راه برای رفع عطش به‌این‌نقاط می‌آیند. چاه وچشمه‌مکانی مقدس ومحترم است که زندگی‌در این بیابان‌بسته به‌وجودآنهاست.

جنوب غربی مسیله

مرنجاب ـ درمشرق وشمال شرقی کاشان درفاصلهٔ کمی ازشهر منطقهٔ ماسه های روان است که تاسواحل جنوبی مسیله ادامه دارد. درشمال شهر کاشان ودرمشرق راه‌آهن دهات آباد بزرگی ازآب قنات زراعت می‌نمایند واین قنوات درطول مسیلهایی درجهت شمال شرقی به‌جنوب غربی‌حفر گشته‌اند. ازبزرگترین آبادیهای محل آران وبید گل‌ونوش‌آباد وشیرین‌آباد است.

جادهٔ کاشان به‌آران بطرف شمال شرقی بین ماسه های روان می گذرد. ماسه هاقشرهای نازك ومنقطع درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی می‌سازند. آران ازآبادیهای بسیار قدیمی و دراطراف آن آثار بناهای خراب و ویران فراوان است که غالب آنها را ماسه فرا گرفته و حتی دیوارهای کهنه زیر تودهٔ ماسه غرق شده‌اند. درآران مقبره‌ایست منتسب به هلال بن علی.

درمشرق بید گل وآران تپه های ماسه‌ای وسعت زیادی‌را گرفته وراه شمال‌شرقی‌به‌طرف مرنجاب ازاین توده‌های‌ماسه می گذرد. درمشرق آران ماسه‌ها رشته‌های ممتد نمی‌سازندبلکه درسطح جلگه به‌صورت تپه های منقطع وکوچك دراطراف‌نباتات جمع شده‌اند وبین آنها سطح دشت نمایان است. بیشتر تپه‌ها درجهت شمالی جنوبی بهم متصل شده وخطوطی متوازی و نامتقارن می‌سازند که دامنهٔ شرقی آنها شیبی تند دارد.

رشته های منقطع وکوتاه ماسه به‌طرف مشرق تپه‌ایست درجهت شمال غربی به جنوب شرقی پوشیده ازماسه ودرپای این تپه ماسه‌توسط زمین های کویری محدود می‌شود. این تپه راکوه‌بند شقه وکوه معدن گویند وضخامت ماسه روی این تپه زیاد و حفره‌ها و چاله ها و بریدگیهایی در دامنهٔ غربی تپه وجود دارند.

درجنوب موجها نزدیك چاله های کویری و شیب تندی به‌سمت جنوب وجنوب غربی دارند.

به‌طرف مشرق تپه های ماسه‌ای درطول خطی شمال غربی به جنوب شرقی به دشت کوشك کوه محدود است ولی در شمال غربی ضخامت ماسه کم و لکه های سفید سازند سرخ بالا از زیر ماسه پیدا می‌شوند. درشمال‌شرقی‌بند شقه‌نزدیك کویرچاله های شمالی‌جنوبی

ماسه وسعت یافته ودرطول دوخط متوازی شمالی جنوبی حفره‌ای درسر برآمدگی می‌سازند. درمشرق این حفره موجهای شمالی‌جنوبی جهتی‌موازی باحفره دارندولبه‌تندی‌در دست راست چاله ساخته‌اند. موجهای دامنهٔ شرقی ازلحاظ شکل باموجهای مرکزی فرق دارند وپیداست که دامنه یک چین باشیب تند درطرف مشرق است ودرچاله‌ها ضخامت ماسه کم و از زیر ماسه مارن سنگ‌ها ظاهر می‌شوند. شکی نیست که تپه ماسه‌ای فعلی تاریخچه‌ای کوتاه دارد ودر زمان نزدیک برروی یک برآمدگی ساختمانی که طاقدیسی از سازند سرخ بالا باشد قرارگرفته وچاله‌ها وبرآمدگی‌های قبلی‌را مخفی داشته است.

ریگهای روان

بعداز تپه‌های بندشقه دشت کویری جنوب حوضهٔ مسیله است ولی درجنوب و جنوب شرقی دشت ماسه‌های روان باموج‌های بزرگ‌تر وارتفاع کمتری ادامه‌دارند. زمینهای‌مجاور دریاکفه‌ایست به‌رنگ قهوه‌ای و درآن اثر ساختمان زیرین که رسوبات سرخ بالا باشند در برآمدگیها هویداست مثل تپه‌ای کوچک ازمارن سنگ درمرنجاب. درجنوب مرنجاب‌ماسه‌ها یک برآمدگی ساختمانی دیگری را درجهت جنوب غربی به شمال شرقی پوشانده‌اند و درزیرماسه‌های نازك گچ ومارن رسوبات سرخ بالا است. دراین قسمت‌نیز تپه‌های‌ماسه‌ای باشیب تندی به‌کویر مرنجاب ختم می‌شوند بطوریکه اختلاف ارتفاع بین سطح کویر وتیغه ماسه بیش‌از ۲۰ متر است. راه مرنجاب ازتپه بندشقه می‌گذرد که درآنطرف بلندی زمین همواری پوشیده ازمواد آبرفتی درزیر گچ و مارن است. درجنوب دردشتهای غربی کوشك کوه زمینهای سرخ بالا بازظاهر گشته که‌ناودیسی درجهت جنوب غربی‌به‌شمال‌شرقی است. این چین تقریباً جهت غربی شرقی دارد ودر دامنهٔ غربی‌آن زمینهای سرخ بالا تپه‌های کوتاهی درهمین جهت ساخته‌اند. درشمال این تپه‌ها ارتفاع زمین زیاد شده و توف‌های ائوسن سیاه رنگ چین‌خوردگی دیگری‌رادرجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی نشان می‌دهند. جهت غربی شرقی وشمال غربی به‌جنوب شرقی را یک خط گسل ازهم جدا می‌کند و انتهای غربی طاقدیس طبقات سرخ بالا تپه‌ایست نامتقارن به‌شکل کواستا که‌پیشانی‌آن باشیب‌تندی

به‌چالهٔ کویری پای ماسه های روان ختم می‌شود.

چالهٔ کویری به‌سمت شمال ادامه ندارد وتوسط ماسه‌های روان کور می‌شود ولی در جنوب شامل مسیل چالی در زمین های سرخ بالا است.

مرنجاب مزرعه‌ایست بسیار کوچک وآخرین نشانهٔ زندگی و آبادانی در جنوب مسیله است. درپیش اعتبار بیشتری داشته ودو رشته قنات که امروزمخروبه است برای آبیاری زمین شور وزراعت ناچیزبه کار می‌رفته‌اند. امروزآب ازچشمه‌ای فراهم‌شده ودراستخری جمع می‌شود. باغ بزرگ آن خراب شده وباآب کم مقداری گندم وصیفی درمحل می کارند.

درمرنج‌آب آثار یک ساختمان مخروبهٔ قدیمی آجری است که پایه‌های آن از سنگ و ملاط ودرداخل ساختمان حیاطی است که دورادور آن اطاق بوده وپشت‌اطاقهاسرسرای‌بزرگی برای اصطبل پیش‌بینی شده است. این نقشه ازبسیاری جهات شبیه به‌ساختمانهای سیاه کوه است وپیداست که اقامتگاهی برای قوافل بوده ولی بناهای مرنجاب تازه‌تر و شاید از زمان صفویه باشند. ازمرنجاب راهی به‌سمت جنوب شرقی به کوه یخ‌آب می‌رود وازبیابان‌شنی‌دشت کوشک کوه می گذرد. راه دیگری درحاشیهٔ حوضه ازکویرهای زرده گذشته و به سفیدآب می‌رسد. راه درکنارهٔ مسیله بین تپه‌های ماسه‌ای وچالهٔ مسیله است وکویرزرده همیشه قابل عبورو مرور نیست و به‌این‌جهت این محل را تنگ مرنجاب نام داده‌اند. کمی دورتر خرابه دیگریست که چاه زرکان باشد.

درمشرق چاه زرکان ماسه‌های روان تالبهٔ حوضه وسعت یافته و حد مسیله را معلوم می‌دارند. دراین قسمت حتی پیشروی ماسه درداخل دریای‌نمک هم انجام شده ودماغه‌ای ازماسه روان وارد آن گشته است. پوستهٔ سفید کویر درداخل موجهای ماسه نمایان است و قشر نازك ماسه کویر را پوشانده است. تپه‌های ماسه‌ای به سمت مشرق به زمینهای مرطوب کویری ختم می‌شوند. لبهٔ تپه دیواره‌ایست بلند ودال بر شکل که شیب تندآن روبه مغرب است. کویرهای زرده وچربه مشرق تپه ماسه گیری را محدود کرده وتپه بین دو کویردرتنگنا افتاده ودال بر شکل گشته است. جهت موجها جریان بادرا ازشمال غربی ومغرب می‌رساند.

کویرهای اطراف مرنجاب اقسام مختلفی دارند. گاهی کویر در زمینهای گچی است

وزمانی کویرها ماسه‌ای و گاهی کویر رسی است. کویرهای گچی درقسمت‌خارجی و کویررسی درکنار حوضه و کویر ماسه‌ای بین آنها قرار دارد.

درتنگ سرنجاب کویر بیشتر شخمی وسیاه رنگ است که به‌طرف جنوب توسط تپه‌های ماسه روان محدود می‌شود. کویر شخمی در زمینهای رسی ومارنی است که رطوبت را بیشتر حفظ کرده وسیاه رنگ می گردد. هرقدر محلول نمک درطبقات رسی ومارنی زیادتر باشد کویر شخمی مشخص‌تر است. آب اجزای نمکی داخل رس ومارن را حل کرده و مارن و رس پف کرده وبالا آمده‌اند.

کویر شخمی در زمینهای هموار پیدا می‌شود یعنی جایی که‌آب‌جریانی نداشته باشد. بعدازکویرهای شخمی کویر زرده ماسه‌دار حاشیهٔ باریکی بین تپه‌های ماسه‌ای ومرکزحوضه است.

بین دشتهای کوشک کوه و کوه ملاصدرا وتپه‌های ماسه‌ای چاله‌ایست که درآن‌فاضل آبهای ارتفاعات جمع شده وبه‌حوضه وارد می‌شوند. دهانهٔ فاضل آبها درحوضه‌دلتایی کوچک است که هرشیاری درجای هموار مخروط افکنه کوچکی ساخته که کویری شخمی است. واز انتهای مخروط آب‌ها مجرایی‌یافته وکمی دورتر مخروط دیگری می‌سازندودر وسط کویرهای زرده وشخمی وکفه سفید ظاهر می‌شوند.

حاشیهٔ جنوبی حوضهٔ مسیله

حوضهٔ مسیله مانند تمام حوضه‌های کویری حدمشخص وثابتی ندارند ونمی‌توان‌به‌طور دقیق حدی بین کویر وغیرکویر معلوم نمود. دراینجااز ذکر چند توضیح ناگزیر است.

اگرکویر را به‌معنی عام یعنی آنچه اهالی بدان کویر وکفه گویند ومراد ازآن زمینی شور ویا گچی است به حساب آوریم حدود چنین اراضی بسیار وسیع می‌شود . در جنوب غربی حوضهٔ مسیله درشرق خطآهن قم به کاشان ازایستگاه فیروزآباد تااقبالیه تمام اراضی کفه و کویری است ودرجنوب کویرها به‌تپه‌های ماسه که تانرنجاب ادامه دارند محدود می‌شوند وباریکه‌ای ازکویر بین‌حوضه وتپه‌ها فاصل است ولی درجنوب غربی‌ومغرب‌این‌حدنامشخص

وآنچه در روی نقشه ها به‌صورت حدحوضهٔ مسیله رسم گشته‌منطقه‌ای است که زمین ازیک‌قشر سفید نمک وشوره پوشیده شده است. خواه این نمک وشوره مرطوب باشدوخواه خشک وچون غالباً حدفاصل بین قشر نمک وکویرهای خارجی به‌واسطهٔ رطوبت زمین خطی است تیره یا سیاه رنگ دربعضی جاها می‌توان‌حد قشرثابت نمک را معلوم کرد ولی درجاهای‌دیگرزمینهای کویری به‌طورنامحسوس به‌قشر یکنواخت‌نمک می‌رسند ودراین‌صورت تعیین حد حوضه آسان نیست. گذشته ازاین بین حوضه مسیله وسایر حوضه‌های کویری تفاوتی موجوداست‌وآن‌اینکه مسیله‌را دریای نمک گویندوبه‌این‌جهت‌نبایدحدحوضهٔ مسیله را باحددریای نمک‌یکی گرفت. ماهم دراینجا اصطلاح حوضه‌را برای دریای‌نمک به‌کار برده‌ایم‌وهرجا صحبت ازحوضهٔ مسیله است مراد منطقهٔ کویری شامل دریای نمک وسناطق مجاورآن می گردد.

درمشرق ایستگاههای ده نارو قاسم‌آباد راه‌آهن کاشان روستاهای معتبری مانند لابش وشمس‌آباد وفیض‌آباد وفخرآباد واقع شده‌اند. زراعت تمام این دهات ازقنوات است و دراین جلگه بیش‌از ۵۰ رشته قنات وجود دارد که عموماً ازجنوب به‌شمال کشیده شده‌وپس‌ازآبیاری مزارع فاضل‌آبها درفصل سرد درشمال این دهات در زمین پخش می‌شوند. درمشرق این دهات یک طاقدیس طبقات سرخ بالارا ظاهر می‌دارد و درسطح این برآمدگی گچ های سفید نمایان است. برآمدگی ساختمانی به‌طرف مشرق شکافته شده وچاله‌ای که پدید آمده محل تمرکز فاضل‌آبهای شورو گچی است که به‌طرف شمال درفصل مرطوب‌در زمین پخش می‌شوند. درشمال بلوك مذکور زمین‌ها همه کفه وکویری ازنوع ناکامل زرده ودرفصل‌سرد ومرطوب زمین گلی مست وخیس وعبور ازآن بسیار مشکل است ودرفصل خشک‌تابستان دراواخربهار که بارندگی تمام می‌شود نمک بالا آمده ویک قشر سفید نمکی تمام زمین‌را می‌پوشاند ولی حتی تا وسط تابستان رطوبت در طول مسیل‌ها و چاله‌ها باقی مانده و کویرهای ترکیده و سیاه رنگ می‌سازد.

طاقدیس طبقات سرخ بالا به‌سمت مشرق وشمال شرقی‌ادامه دارد. درمشرق دنبالهٔ‌آن پوشیده ازماسه وتپه‌های ماسه‌ای است که تامرنجاب به‌طرف مشرق دیده می‌شود. مرنجاب را باید انتهای یک منطقهٔ وسیع ماسه‌های روان دانست که ازمشرق اردستان شروع شده و در

مشرق کاشان به حداکثر وسعت می‌رسد.

به‌طرف شمال‌شرقی طاقدیس طبقات‌سرخ بالاباشیب تندی‌به کویر بزرگتری ختم‌می‌شود که حاشیهٔ دریای نمک باشد. این چاله کویری دوحوضهٔ آبگیر در دست راست و دست چپ ویک مخروط افکنه دروسط تشکیل می‌دهد. مخروط افکنه شیارها ونهرهای زیادی‌دار است. وضع مسیل‌ها ونهرهای مخروط افکنه ثابت نیست. درهرفصل بارندگی‌آبها مجرای تازه‌ای در پیش گرفته ومجرای‌قدیم راترك می‌کنند. باوجود این به‌واسطهٔ شیب‌زیاد مخروط وجریانی‌سیل آسا نهرها ومسیل‌ها بریدگیهایی به‌عمق یک یا دومتر درسطح مخروط بار آورده‌اند. سطح مخروط پوشیده ازآبرفتهای ماسه‌ایست و در زیرآن گچ ونمک وجود دارد. گاهی درپستی‌ها قشر نمک سفید بجا مانده و گاهی هم کویرهای زرده توسعه یافته است. انتهای این مخروط افکنه ساحل دریای نمک است با لبه‌ای بریده بریده در زمینهای رسی و مارنی یا کویرهای شخمی و کویرهای زرده.

درمشرق این شکاف از لبهٔ طاقدیس طبقات سرخ بالا آبهایی درفصل مرطوب فراهم گشته که حوضه وسرچشمهٔ کوچکی می‌سازند. ازشیارها ونهرهای پنجه‌ای شکل پیداست که آبگیری توسط آبهایی‌است که از زیر ماسه های روان سرازیر شده‌اند. در روی ماسه و کویری که درشمال ماسه واقع است مجرا ومسیلی درکار نیست ولی درشمال درکفه های کویر زرده آب ظاهرگشته ومنطقهٔ مرطوبی باشیارها وبریدگیهای زیاد است. فاضل‌آبهای مخروط افکنهٔ دست چپ نیزقسمتی‌به‌این‌سمت متوجه‌شده ودرمسیل‌ثابت‌وچالی به‌دریای‌نمک‌منتهی‌می‌شود.

منطقهٔ ساحلی دریای نمک دراین قسمت تاتنگ مرنجاب بریدگیها وشیارها ومسیل‌ها زیادی‌را دارا است که شاهد ازیک نوع آبگیری از زیرماسه های روان است. گل ولای‌ورس ومارن درساحل دریا بجاماندەویک منطقهٔ‌مرطوب سیاه رنگ دریای‌نمک‌را ازکویرهای‌خارجی جدا می‌کند.

درمغرب مخروط افکنه درپای تپه‌های طبقات سرخ بالا چالهٔ‌کویری دیگری محل جمع‌آوری آب می‌شود. قسمتی‌از آبهای مخروط افکنه به‌زمین فرو رفته وکمی دورتر درمغرب آشکار شده ونهرهایی پنجه‌ای شکل آبهارا به‌دریای نمک می‌رسانند. نکتهٔ جالب‌اینکه‌چون

زمین دراین قسمت هموار و کم‌شیب است شیارها ونهرهای کوچک وزود گذر پیچ وخم یافته وبعضی‌از پیچها نیزبریده شده است.

درمغرب این منطقه کویر بزرگی‌است که تا آب شیرین ادامه‌دارد . کویر زرده جهت جنوب شرقی به‌شمال غربی دارد که باشیب ملایمی به‌دریای نمک منتهی می گردد . منطقهٔ شرقی این کویرها نزدیک به دریای نمک درقسمت اعظم از سال خیس و مرطوب است و پیداست که فاضل‌آبهای دهات غربی که درکویرهای آب شیرین فرو رفته دوباره به‌روی‌زمین رسیده ومقدار زیادی نمک دارندبه‌طوری که درسطح کویر هرجا آبی‌ظاهرشودموادنمکی‌داخل زمین‌را به‌روی زمین آورده ورشته‌های کویری پوشیده ازنمک درطول مسیل‌ها تادریای نمک ادامه دارند وبه‌این علت درجنوب غربی مسیله نمکهای مسیل‌ها با نمک مرکز حوضه بهم آمیخته وحدفاصل بین دریای نمک و کویر مشخص است.

درجنوب مرنجاب تپه‌های ماسه‌ای به‌شرحی که گذشت به سمت مغرب و مشرق ادامه دارند. جهت عمومی تپه‌ها ازشرق شمال شرقی به غرب جنوب غربی‌است ولی درکویرهای کاشان جهت تپه‌ها جنوب شرقی است. جهت تقریبی غربی شرقی در منطقهٔ مرنجاب جهت ساختمانی‌بوده ومعلوم می‌شود که ماسه‌ها درانتشار خود آزاد نبوده ویک‌برآمدگی ساختمانی طبقات سرخ بالارا پوشانده‌اند . وجود حفره‌ها وبریدگی‌ها وحتی تپه‌ها دربین توده‌های ماسه دلیل براین است که درزیر ماسه ناهمواری محسوسی وجود دارد و ماسه‌ها تا آنجا که توانسته‌اند آنرا پوشانده‌اند . جهت شرقی غربی ساختمانی که درحاشیهٔ جنوبی حکمفرماست همان جهت خط ساحل دریای نمک است.

کوشک کوه

درجنوب حوضهٔ مسیله ارتفاعاتی درجهت شمال غربی به‌جنوب شرقی که جهت‌عمومی ساختمانی است ازجنوب شرقی مسیله شروع شده وبه‌طور ممتد ویامنقطع درجهت‌جنوب شرقی تاانارك ادامه دارد که درجنوب شرقی چالهٔ مسیله کوه‌های کوشک کوه کوه یخ آب‌راشامل است. نکتهٔ جالب درساختمان این کوه‌ها ازقرار زیر است:

۱ - برخلاف قسمت شرقی و شمالی مسیله که جهت ساختمانی شمال غربی به جنوب شرقی وشمال شرقی به‌جنوب غربی بود دراینجا جهت دومی وجود نداردوبه‌علاوه جهت‌عمومی شمال غربی به‌جنوب شرقی پیچها وخمهایی دربر دارد وارتفاعات جهت غربی شرقی به ریگ جن می‌رسند.

۲ - زمینها دراین قسمت قدیمی و رسوبات دورهٔ میوسن کم است بلکه کرتاسه بالا وائوسن باسنگهای دگرگونی وآذرین وسعت دارند.

کوشک کوه ابتدای این ارتفاعات درمغرب کاشان است. قسمت شمالی کوهستان از سنگهای درونی تراکیت وآندزیت ائوسن است که بریدگیهای زیاد باخاکهای سفیدی که‌از تجزیه تراکیت حاصل شده دربر دارد. جنوب کوه دیوارهٔ بلندی مشرف‌به‌دشت‌است که‌دامنهٔ یک گسل باشد واز سنگهای دگرگونی تشکیل شده ومسیل های زیادی ازاین دامنه به‌سمت دشت روان است. درمغرب کوشک کوه ارتفاعات کم شده وتوفهای سبز ائوسن اولیگوسن‌چین خورده درجهت تقریبی شمالی جنوبی روی سنگهای خروجی ودگرگونی را گرفته‌اند. توفهای سفیدرنگ‌بارگه هایی‌از رخسارهٔ شیستی‌چین های فشرده‌ای نزدیک‌به‌جهت‌قائم‌می‌سازند وشیب رسوبات به‌طرف مغرب است. درانتهای غربی کوهستان‌مشرف به‌دشت در روی‌توفها سنگهای اولیگومیوسن باآهکهای سفید مخلوط بامارن حامل اوسترا ویرلتی است. در تماس توفها با سنگهای خروجی چشمهٔ آب کوشک کوه دربستر خشکی ظاهر می گردد. تیغه های رسوبی نگین‌وار دور توده مرکزی‌را گرفته ودوخط کواستا درجهت شمالی جنوبی می‌سازند ودر دامنهٔ غربی کواستا دشت آبرفتی باشیب تند توسط مسیلهایی بریده بریده شده است. پشت دشت چشمهٔ آبی شیرین باکمی علف است که آن‌را مزرعهٔ کوشک کوه گویند. دشت‌ناهموار به‌طرف مغرب به‌توده‌های ماسه‌ای محدود می‌شود.

دشت کوشک کوه به‌طرف مغرب وشمال غربی متمایل‌است وشیب های تند پوشیده از آبرفتهای درشت وسیاه رنگ آتشفشانی بریده بریده وشکسته توسط مسیل های فراوان است. در دامنه ها طبقات اولیگومیوسن گاهی ظاهر شده وزمینهای سنگلاخی می‌سازند که‌سنگلاخها دربالا قرارگرفته‌وهرقدر به کویر نزدیک شویم مواد نرم سیاه وسفیدیکنواخت‌ترشده وسرانجام

به زمینهای کفه‌ای ختم می‌شوند.

رشتهٔ کوهستانی کوشک کوه درمشرق به کوه یخ آب و کافر کوه می‌رسد. در جنوب این کوهستان کوههای دیگری از زمینهای خروجی وتوفهای ائوسن سیاه کوه کاشان می‌شوند. این کوهها جهت غربی شرقی دارد و ارتفاعات مشرف به چالهٔ کاشان به اردستان را می‌سازند. جهت غربی شرقی درسمت مشرق درکوه دم به‌جهت شمال غربی به‌جنوب‌شرقی بدل می‌شود که جهت ساختمانی چالهٔ اردستان است.

پایان

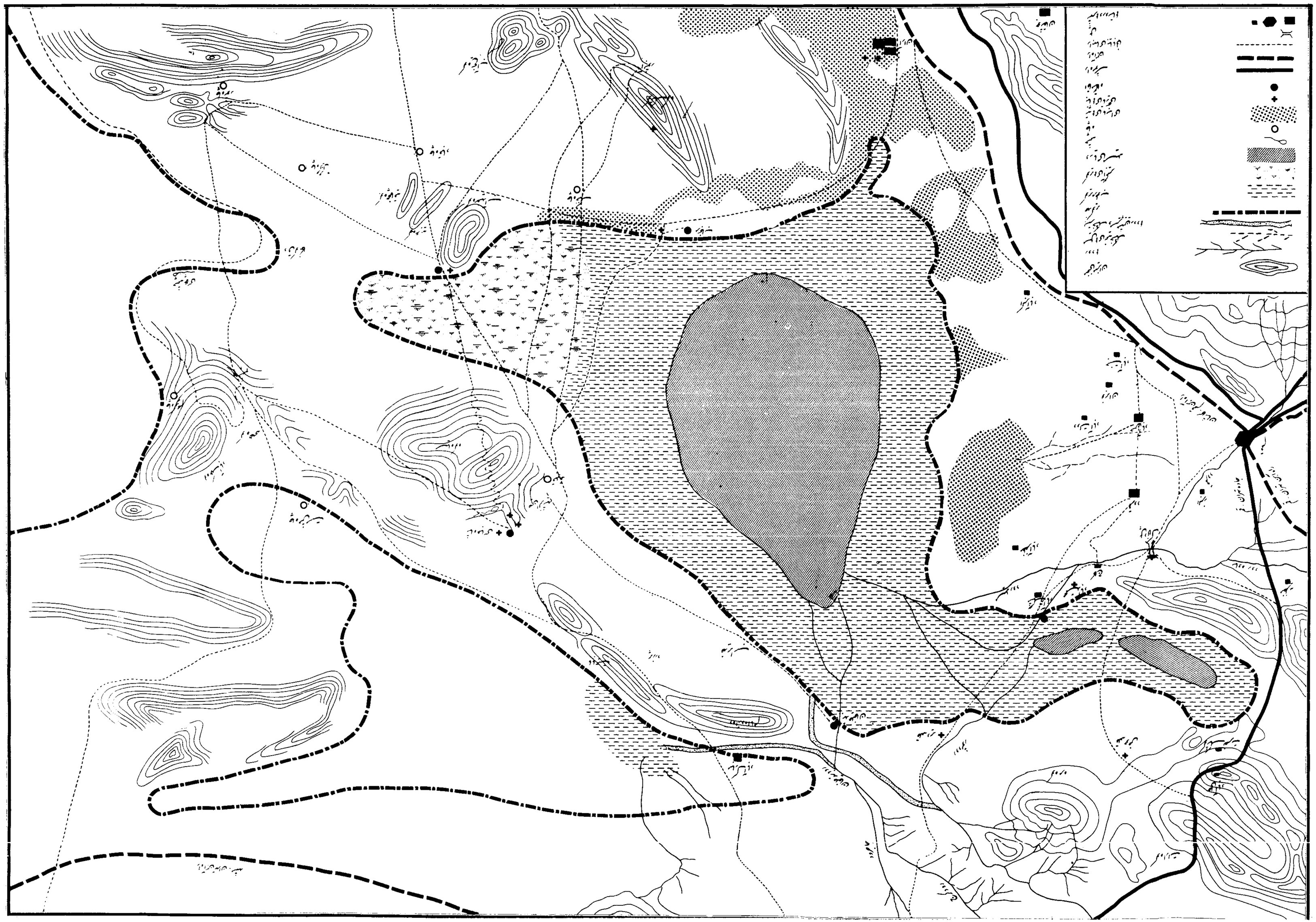

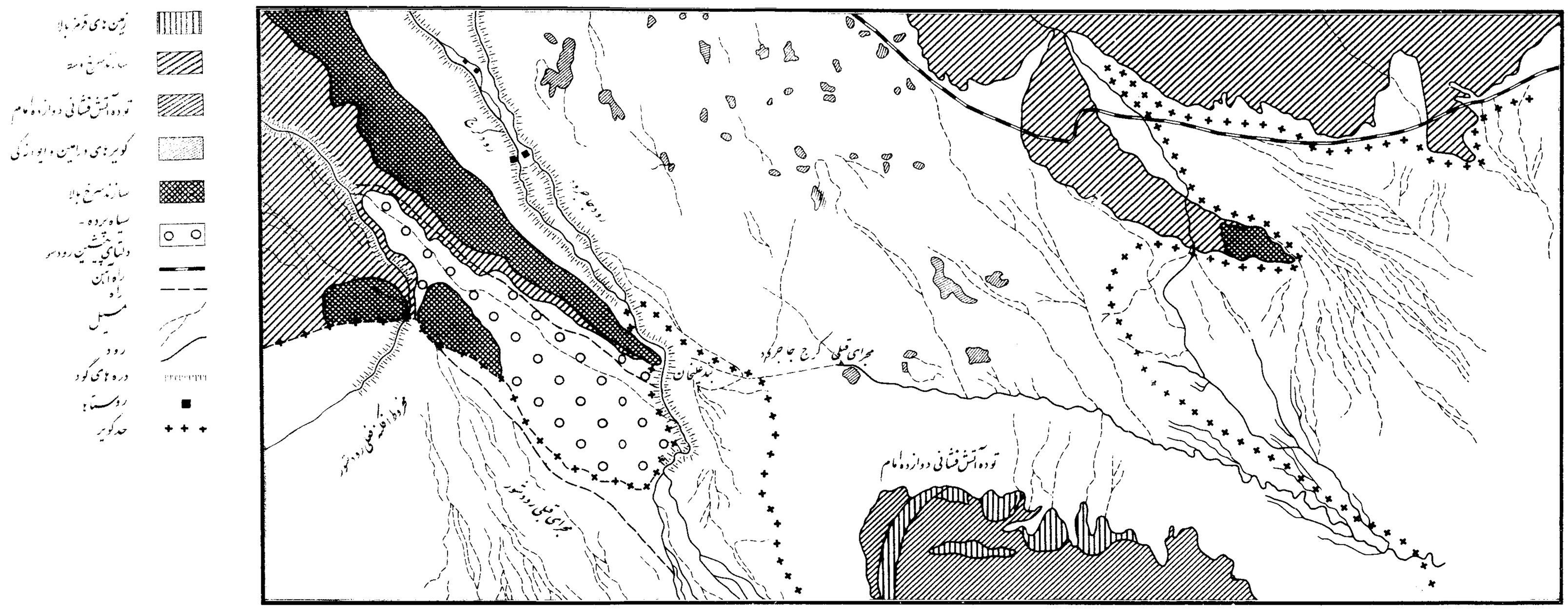

حوضه انتهائی رود شور - رود کرج و جاجرود



حوضه انتهائی مسیله رود



قره چای و قمرود در پل دلاک

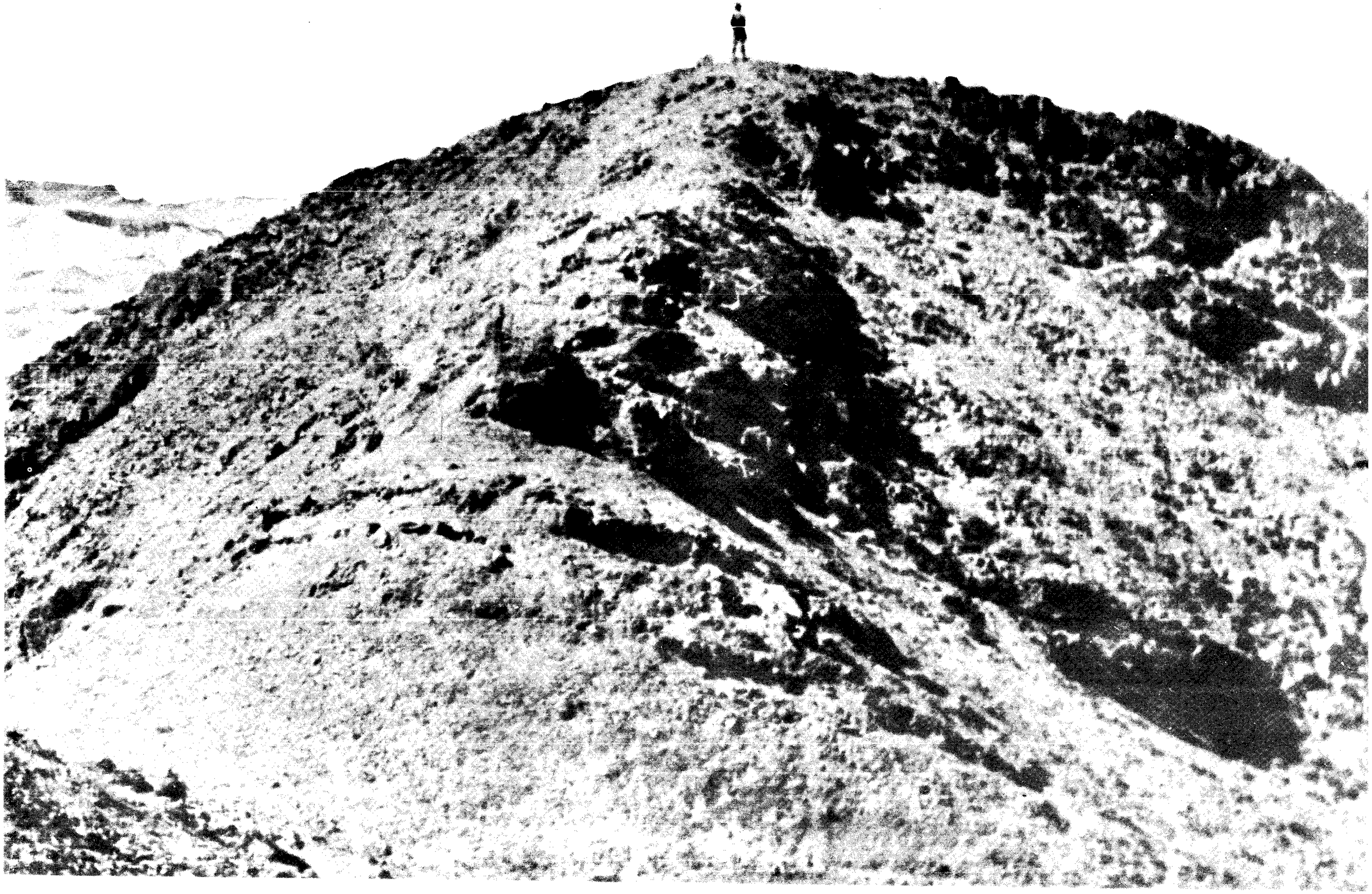

شکل ۱ ـ سیاهکوه قله مرکزی

,



شکل ۲- دشتهای اطراف سیاهکوه

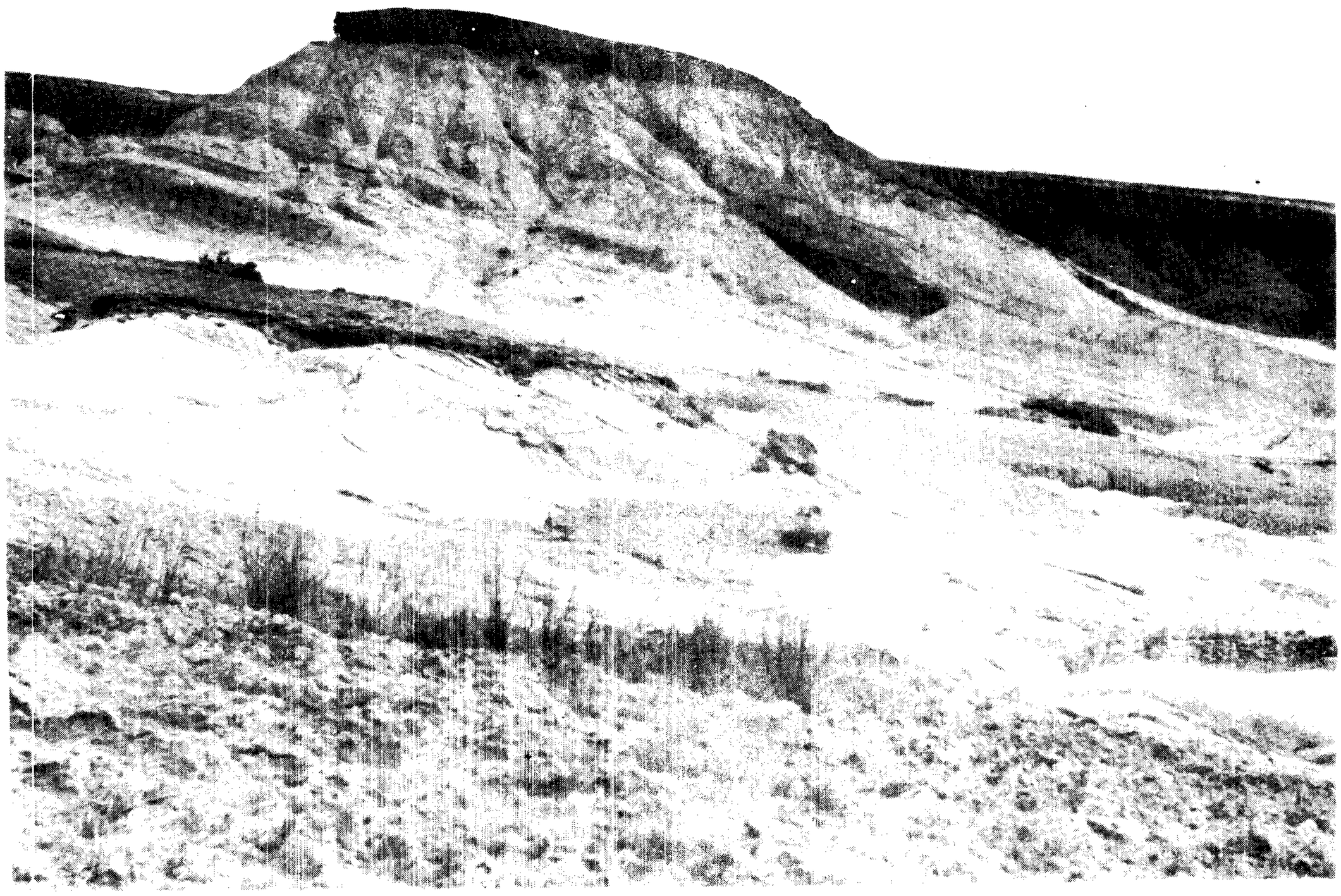

شکل۳- طبقات رسوبی میوسن درشمال سیاهکوه

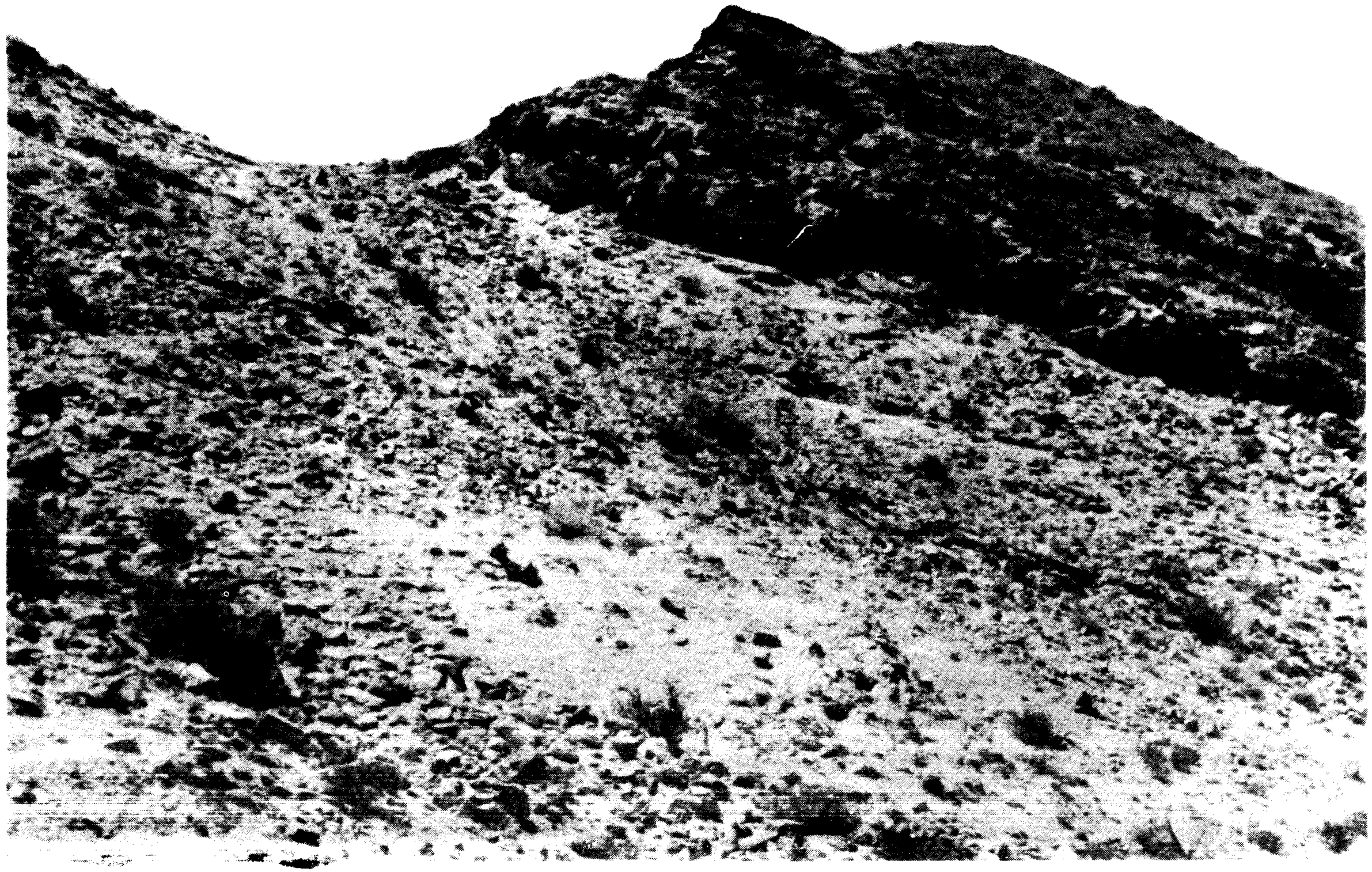

شکل ٤ـ طبقات مایل بوردی گالین درسیاهکوه

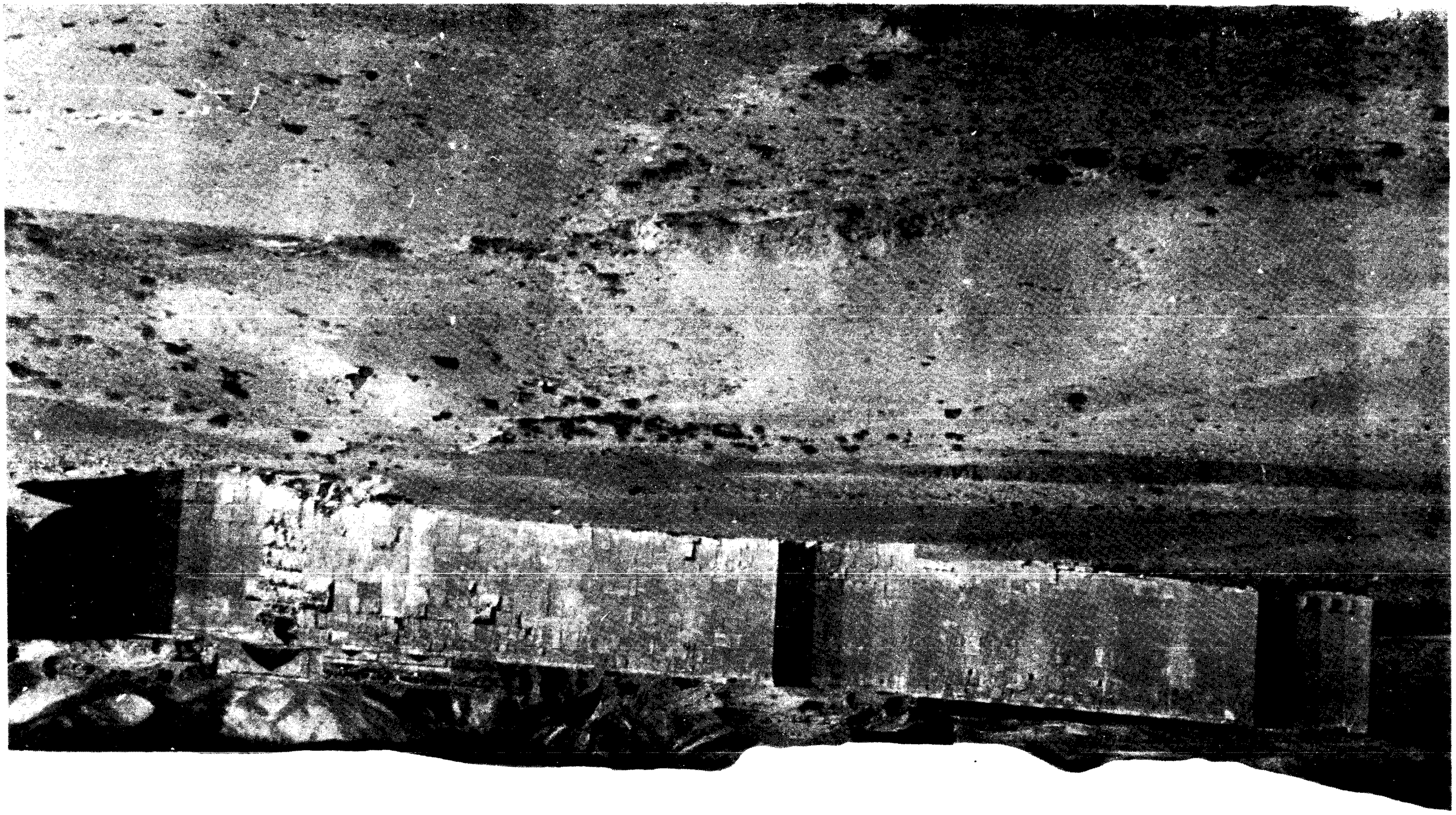

شکل ۵- کاروانسرای شاه عباس سیاهرود

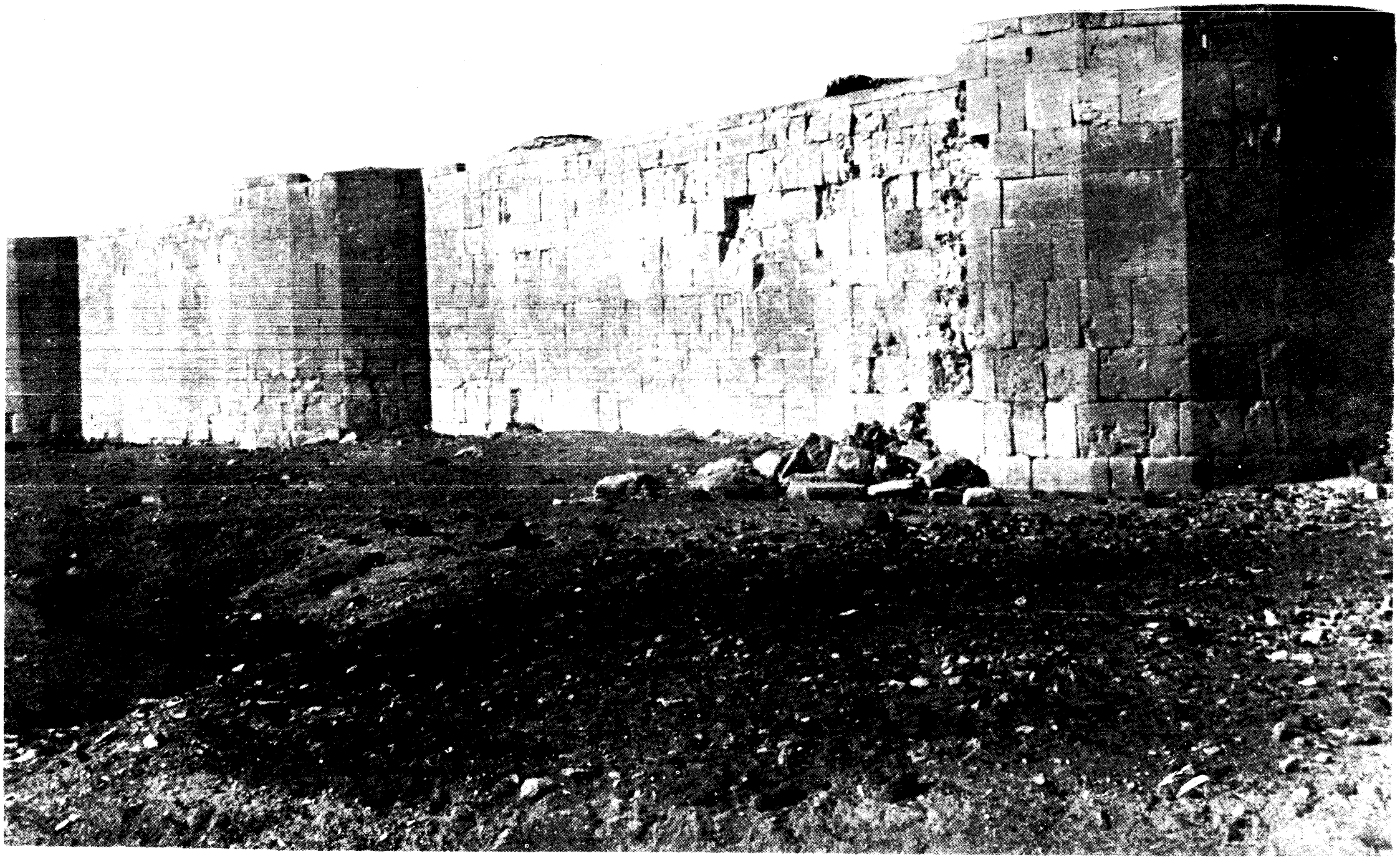

شکل ٦- دیوار خارجی کاروانسرای شاه عباس

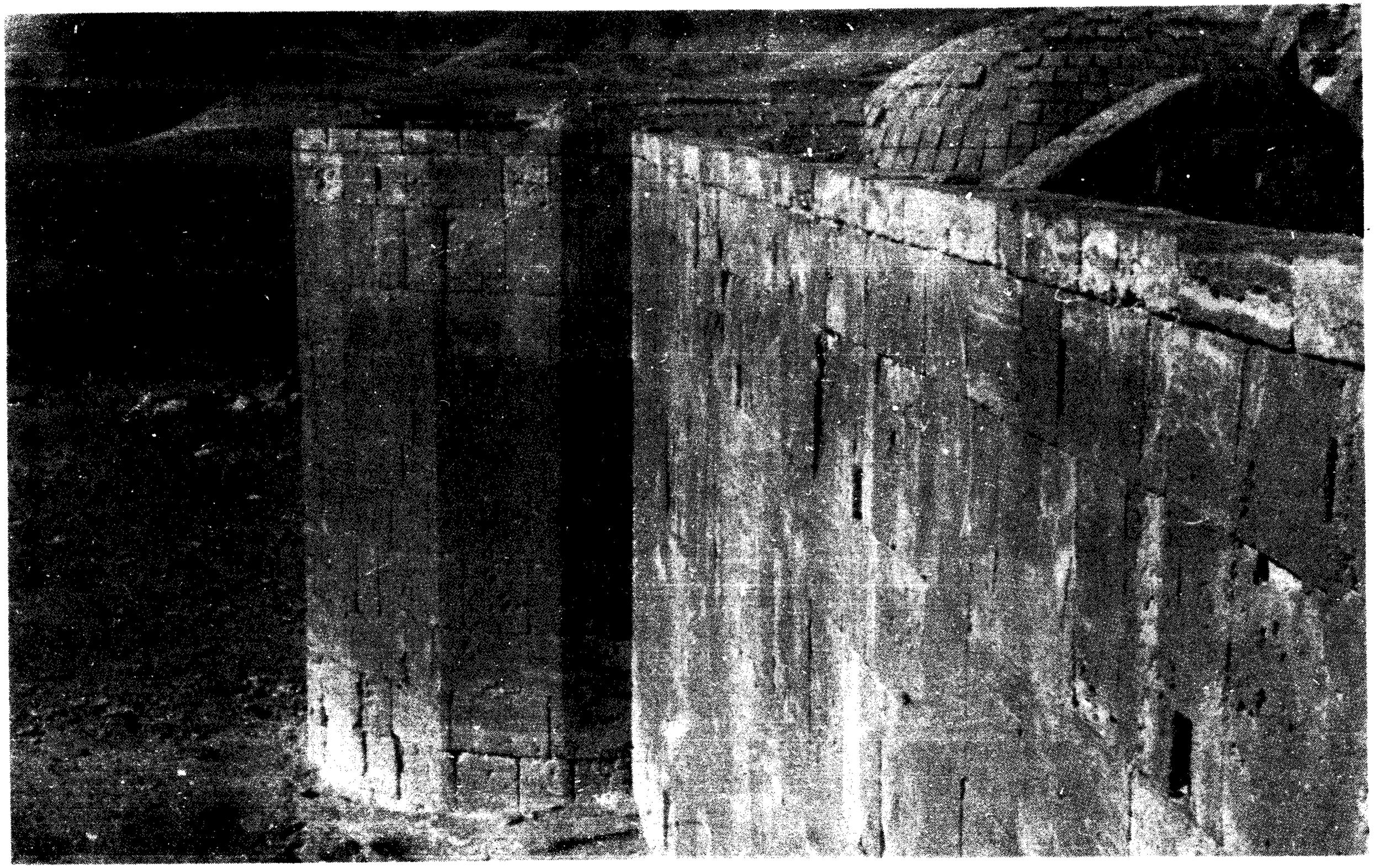

شکل ۷- برج گوشه کاروانسرای



شكل ٨- مدخل قصر عين الرشيد

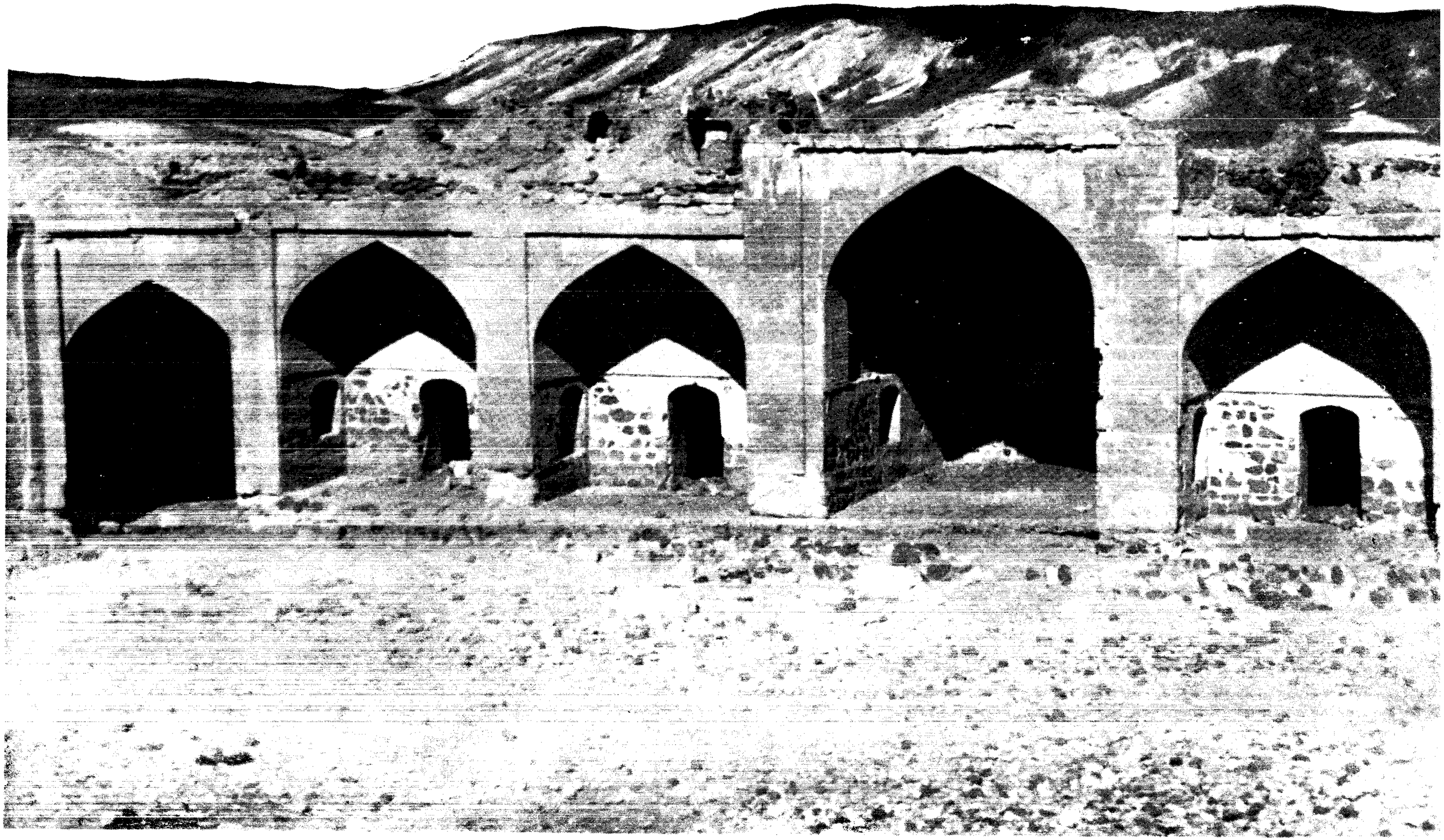

شکل ۹ـ داخل کاروانسرای سیاهکوه

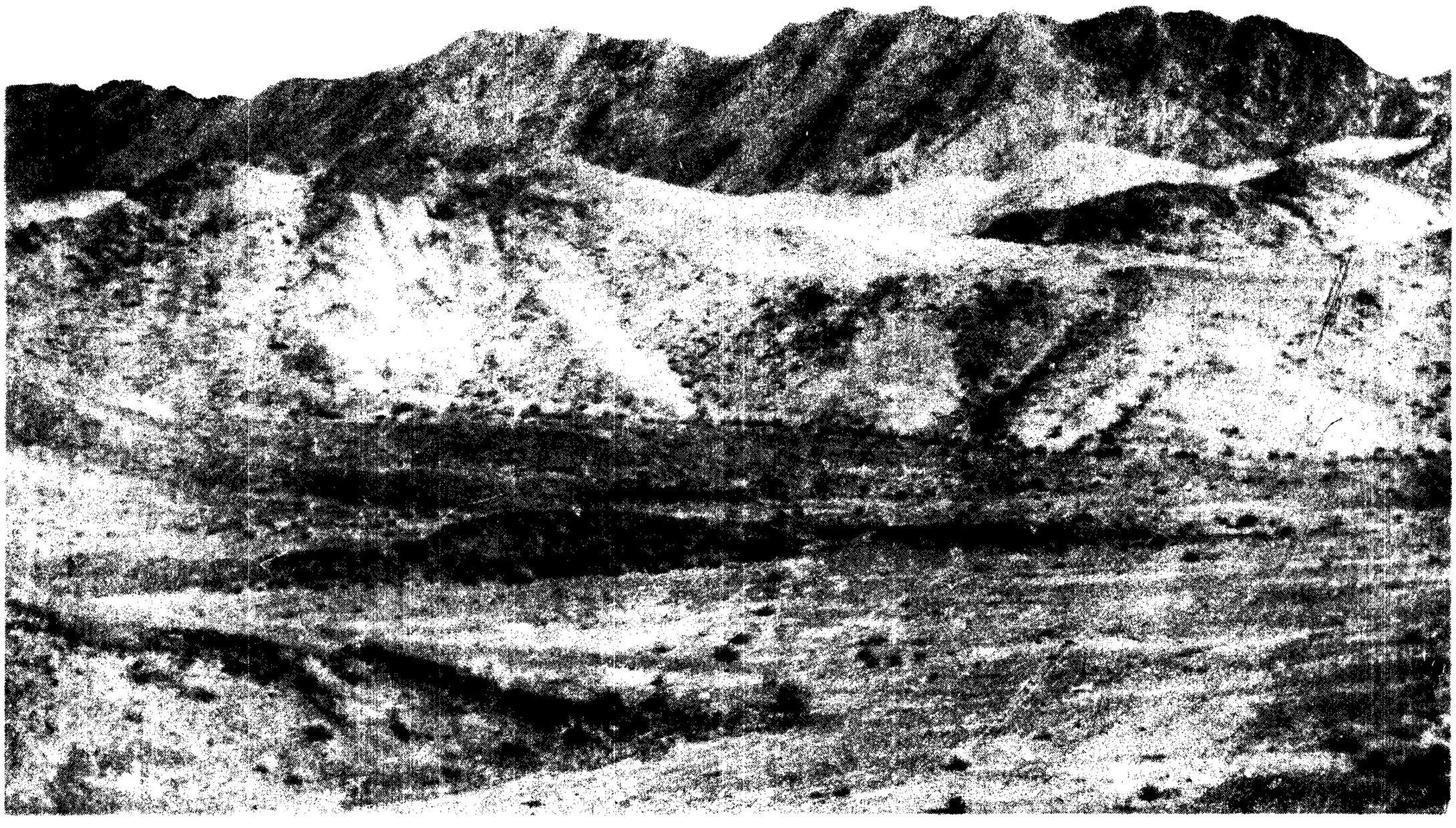

شکل ۱۰ - دامنه های جنوبی سیاهکوه



شکل ۱۱ - راه سنگفرش درشمال سیاهکوه

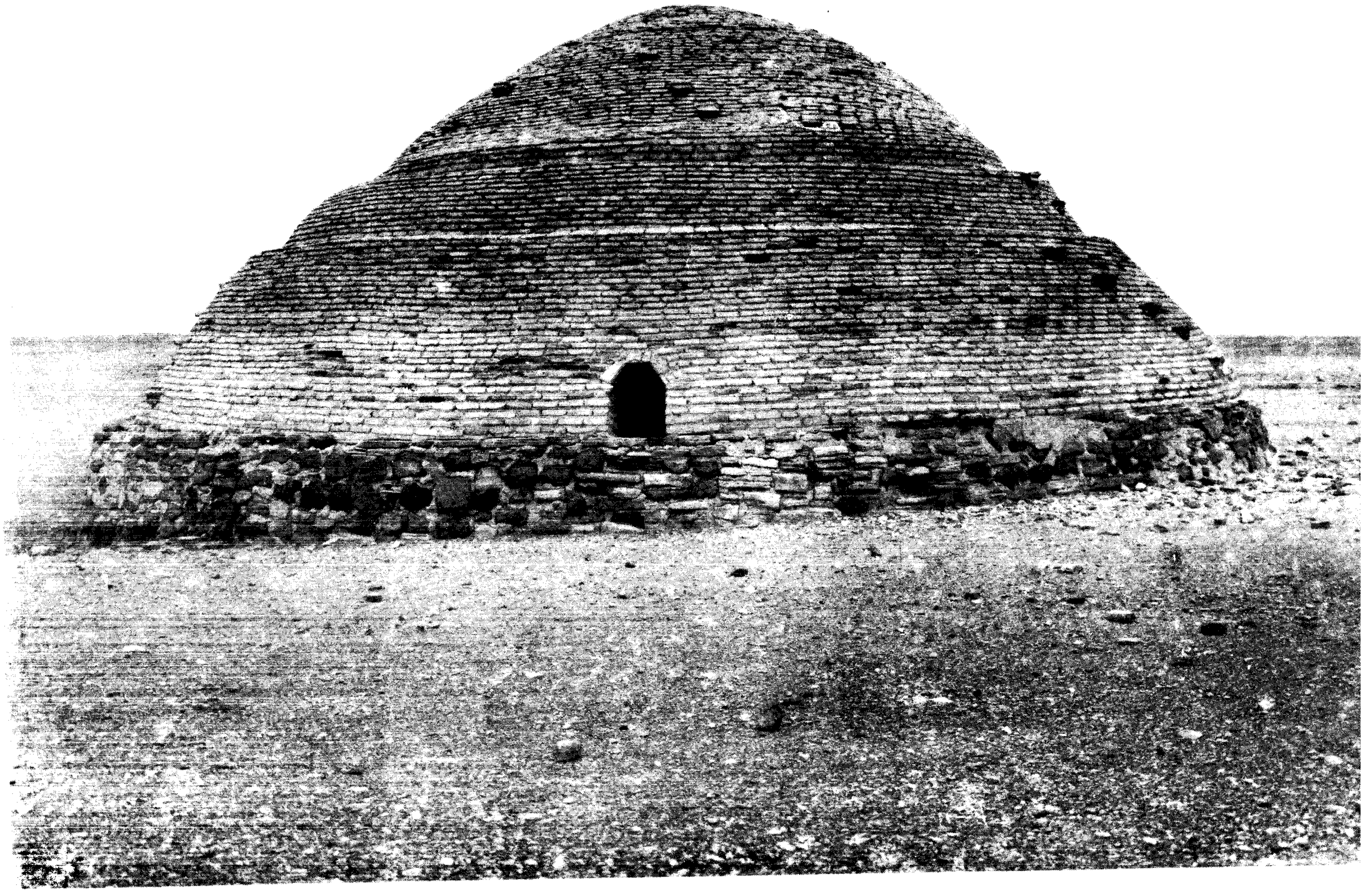

شکل ۱۲- آب‌انبار جدید دربیابان ورامین



شکل ۱۳- حوض قیلوقه



شکل ۱٤ ـ رودخانه جاجرود درپارچین



شکل ۱۵ ـ نهرهای تقسیم آب جاجرود درپارچین

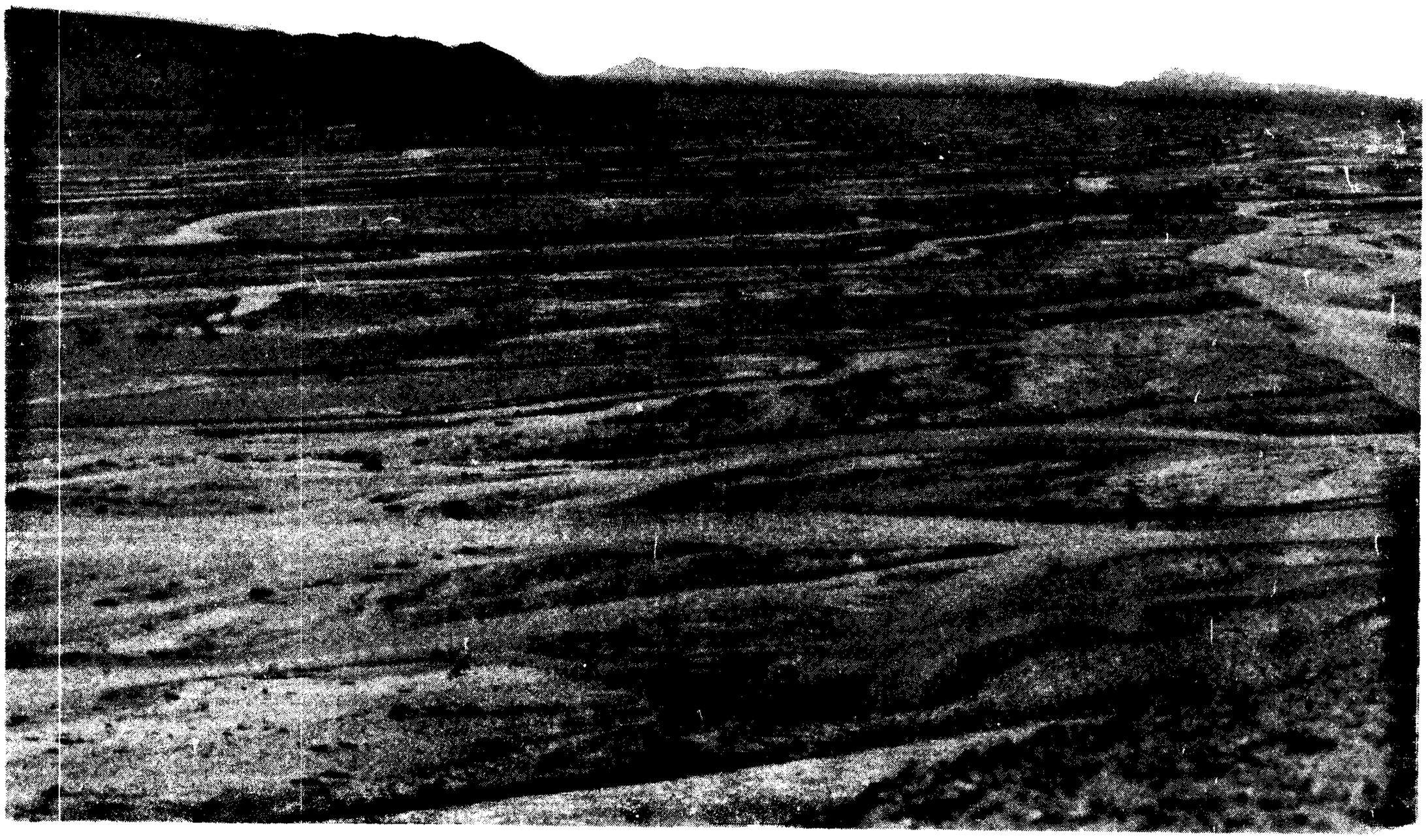

شکل ۱۶- جاجرود در دشت ورامین



شکل ۱۷- بستر جاجرود در دشت ورامین

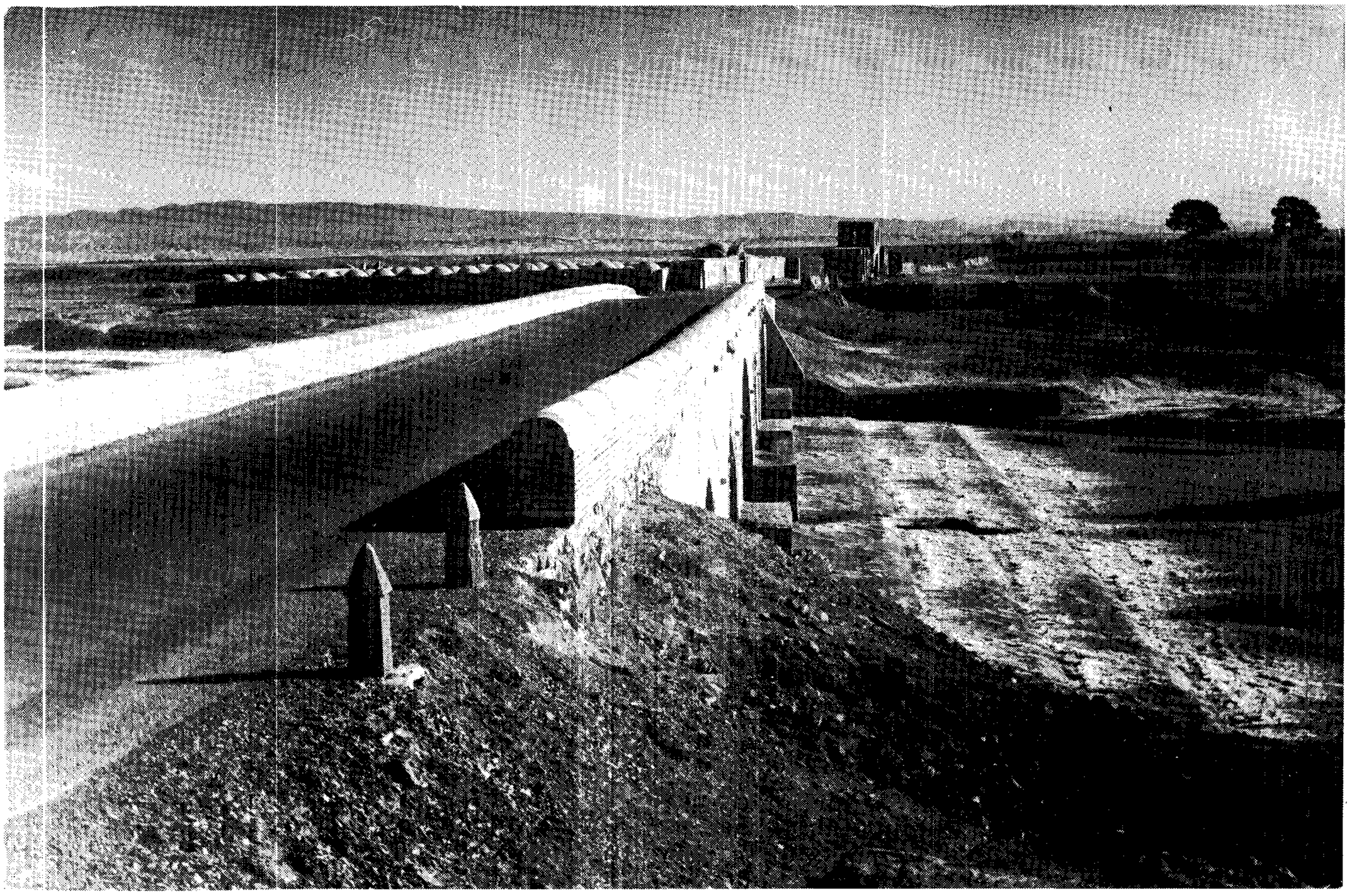

شکل ۱۸- پلدخانهٔ لرج درحسن‌آباد راه قم



شکل ۱۹- مسیل قدیمی رود شور بسمت حوض‌سلطان

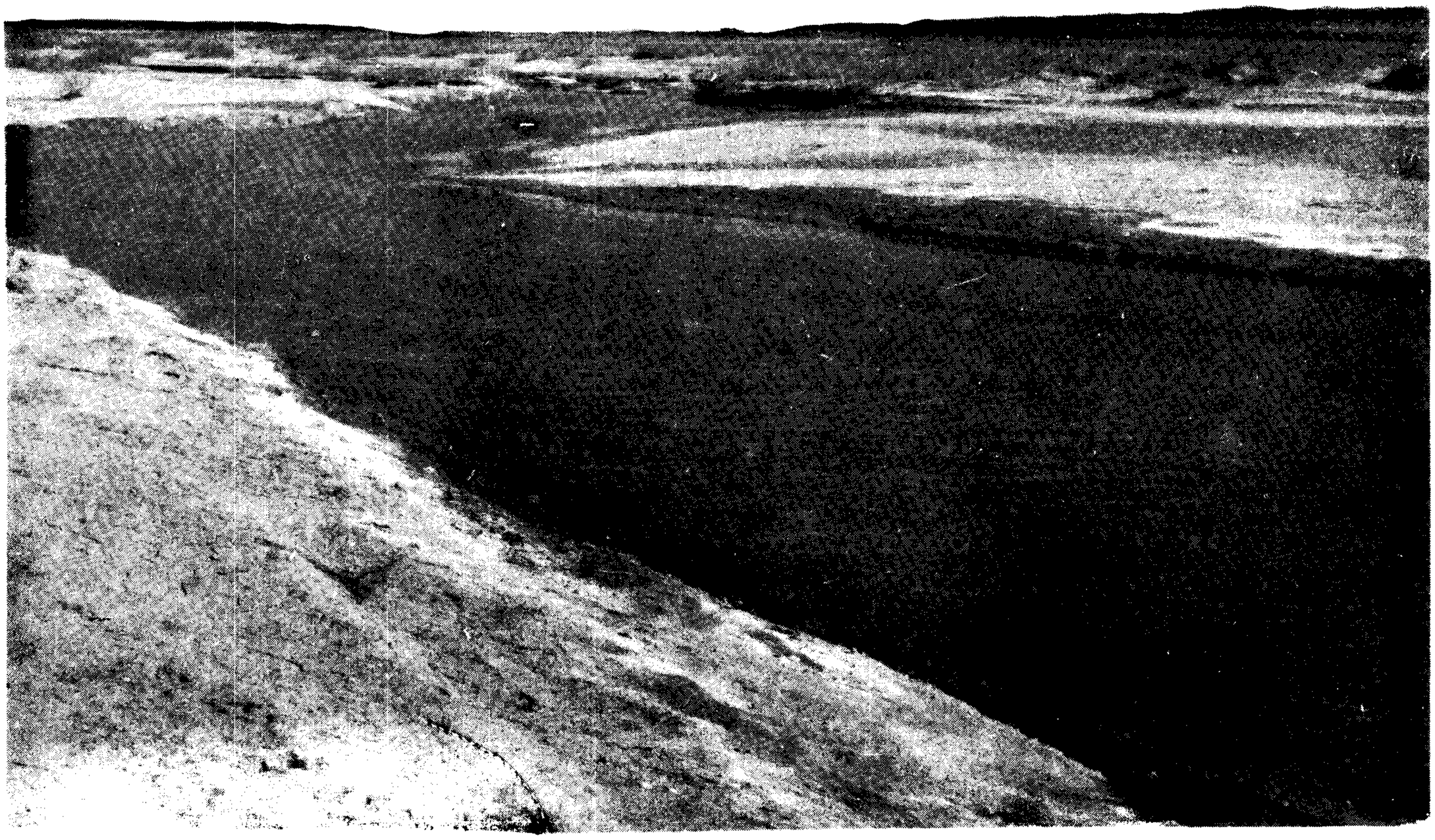

شکل ۲- رود شور درجنوب سیاه پرده



شکل ۲۱- مسیرپیشین رود شور درجنوب سیاه پرده

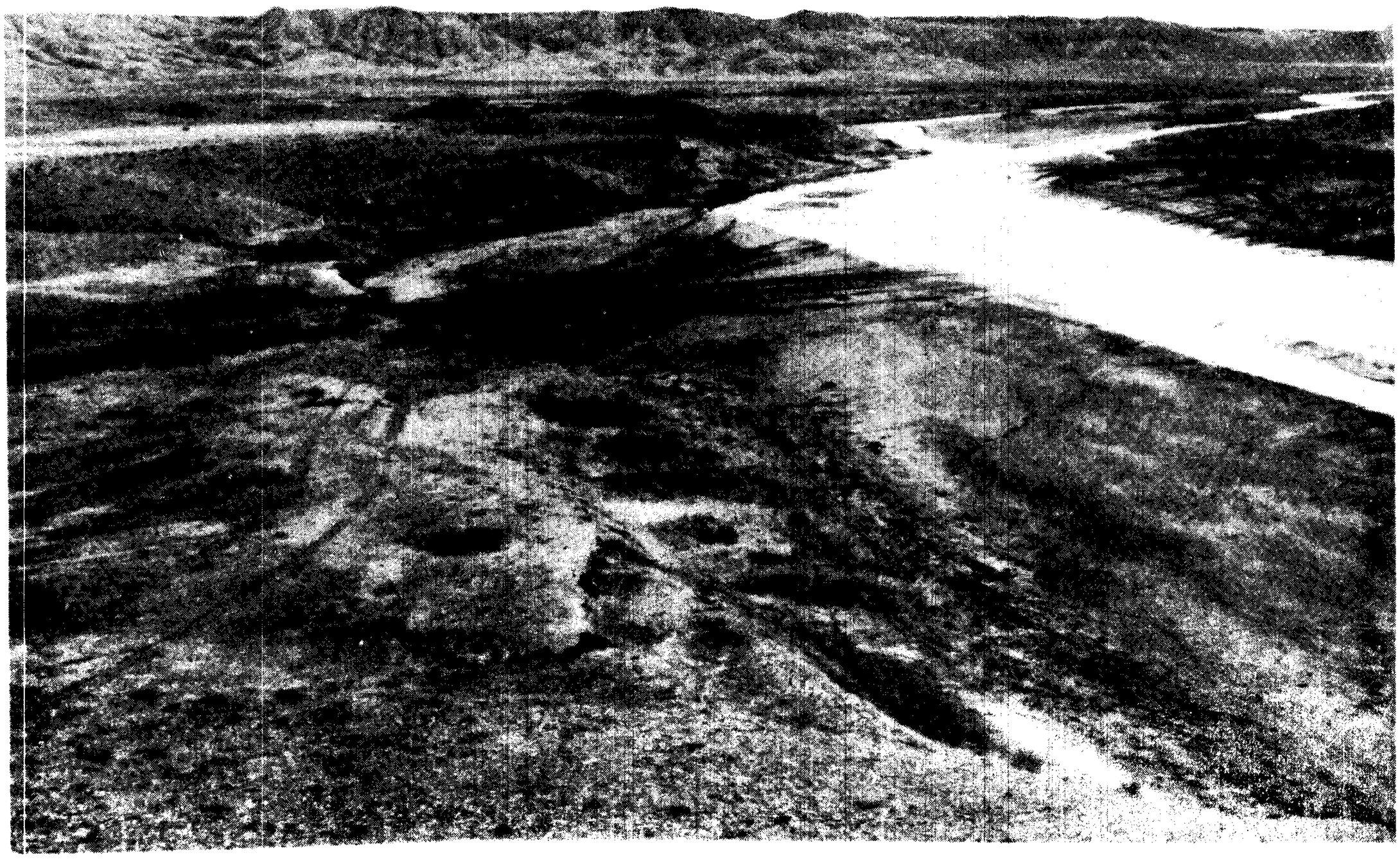

شکل ۲۲- گدار رود شور در راه قدیمی قم به تهران

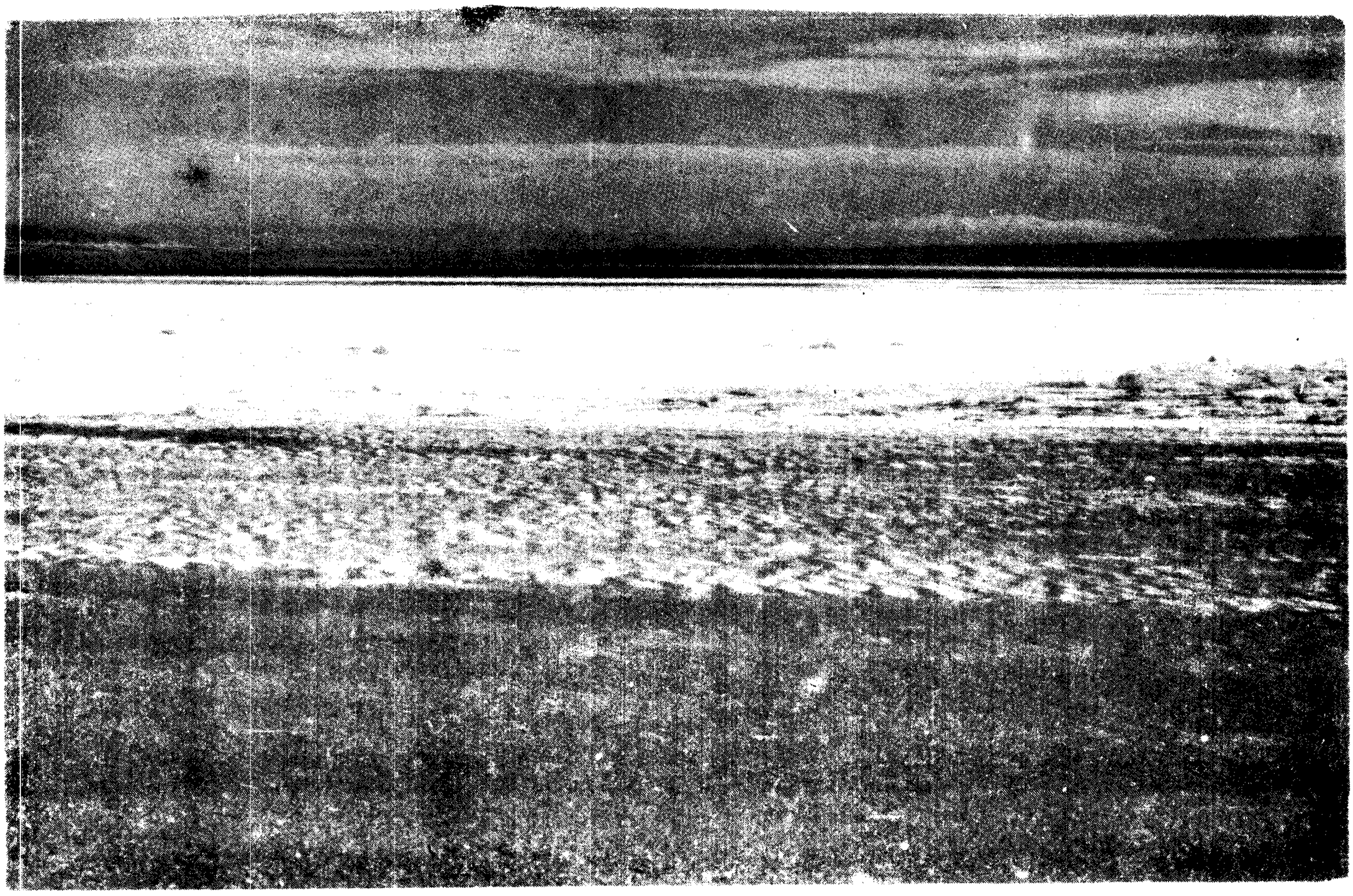

شکل ۲۳- کویرهای حوض سره وحوض سلطان

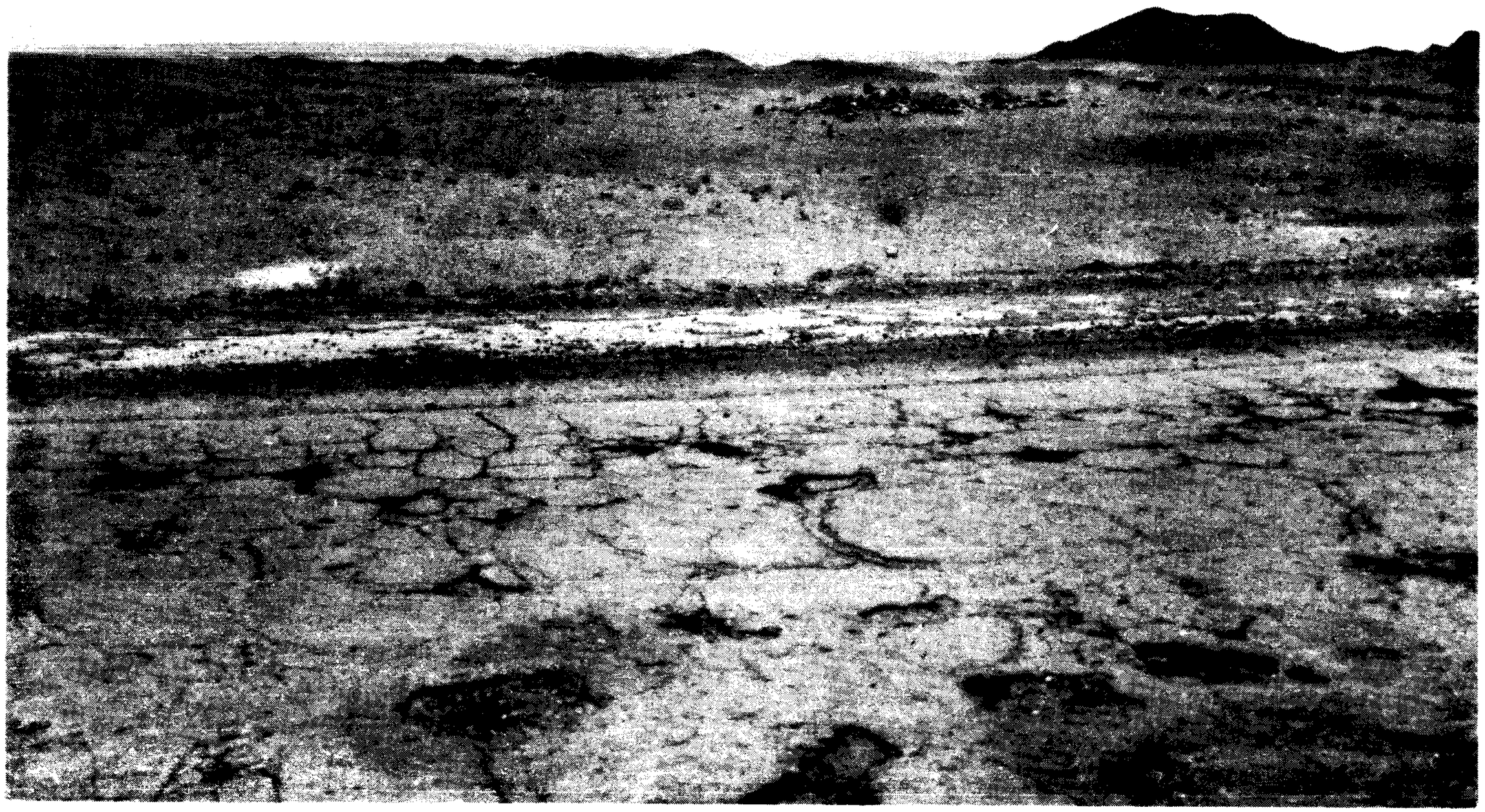

شکل ۲۴- حوض‌سلطان ازبلندیهای علی‌آباد

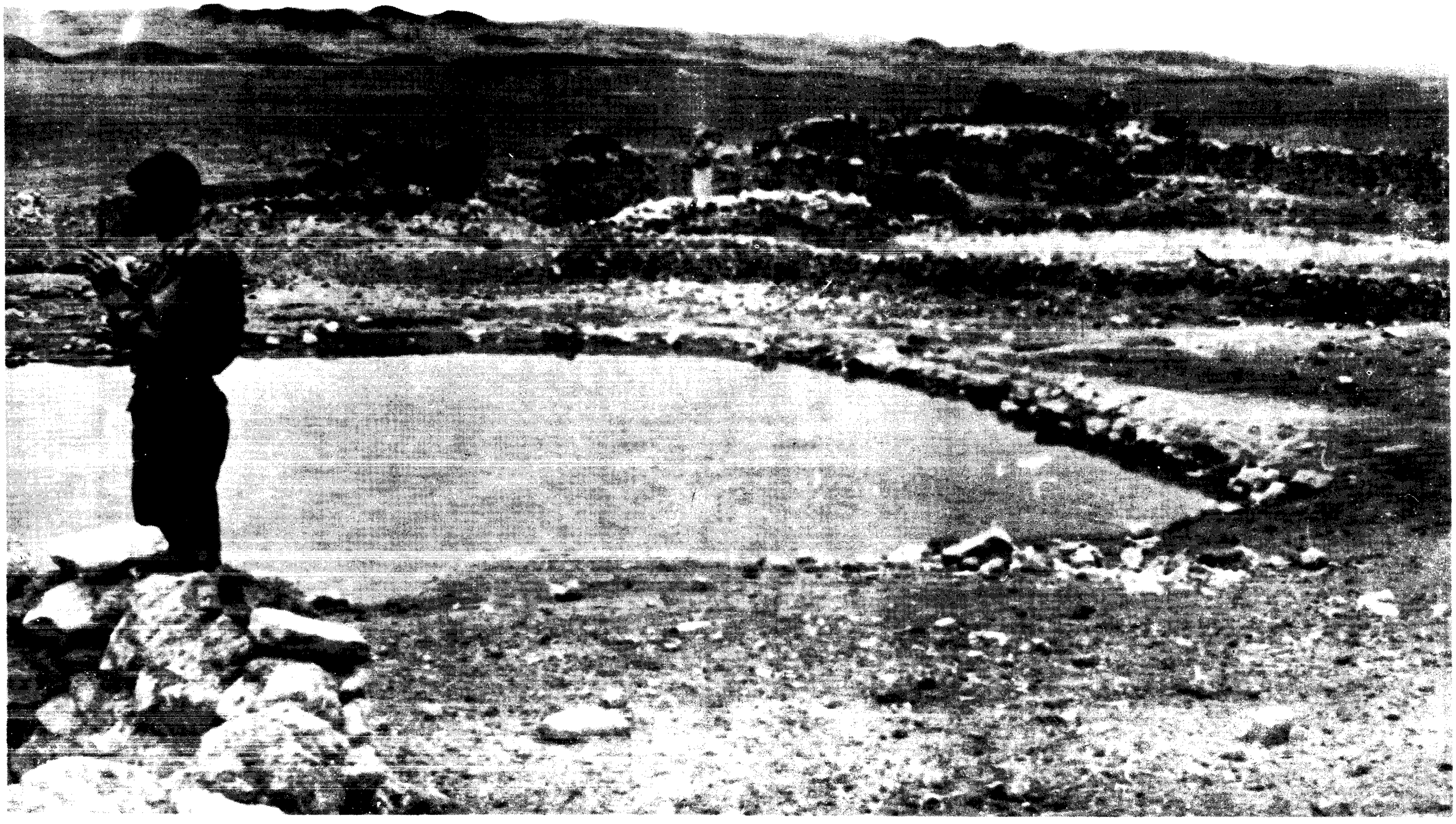

شکل ۲۵- حوض سفیدآب



شکل ۲۶- حوض سلطان گوشه شرقی

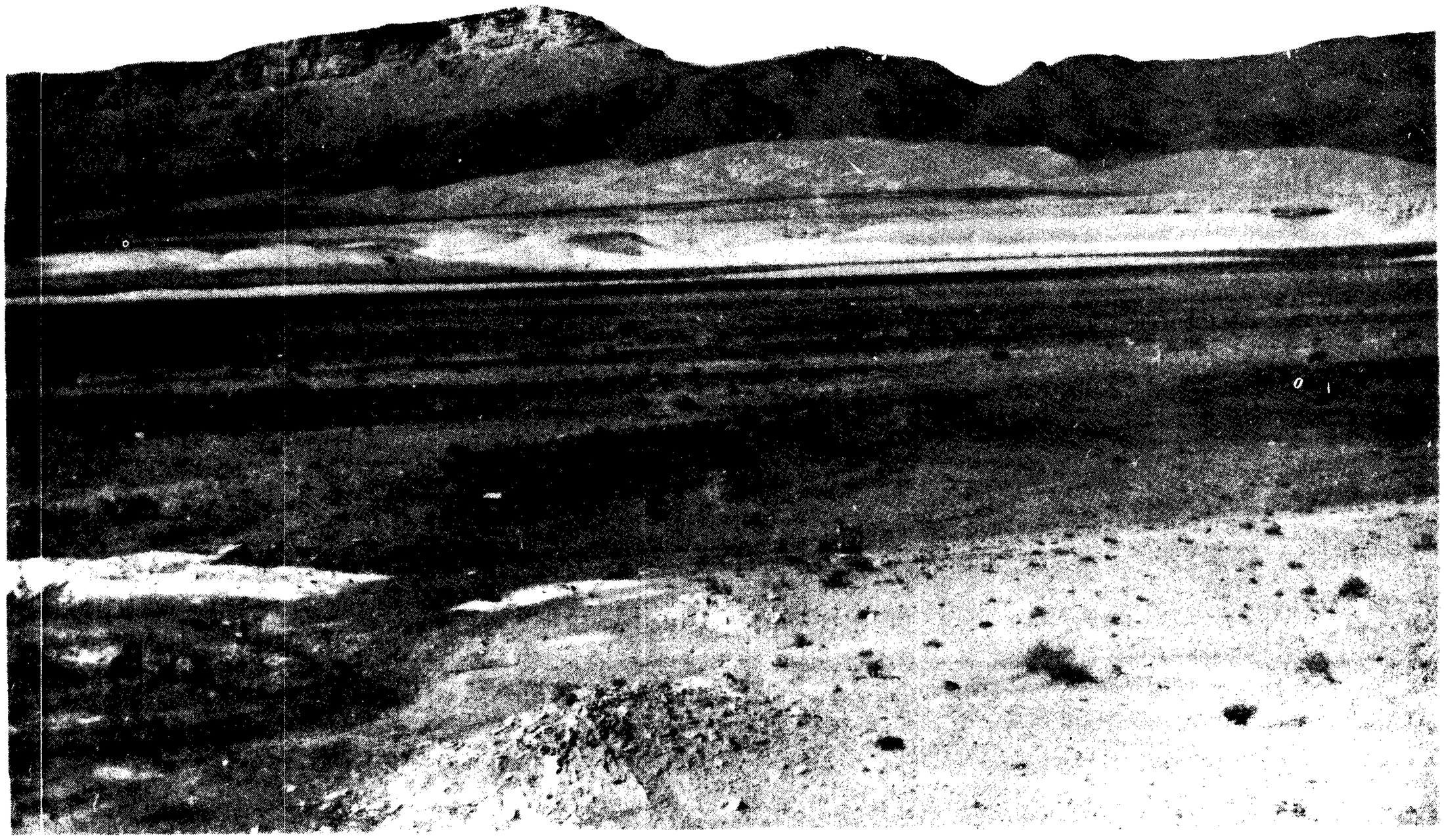

شکل ۲۷- سازندهای قرمز پایین درشمال محمدآباد

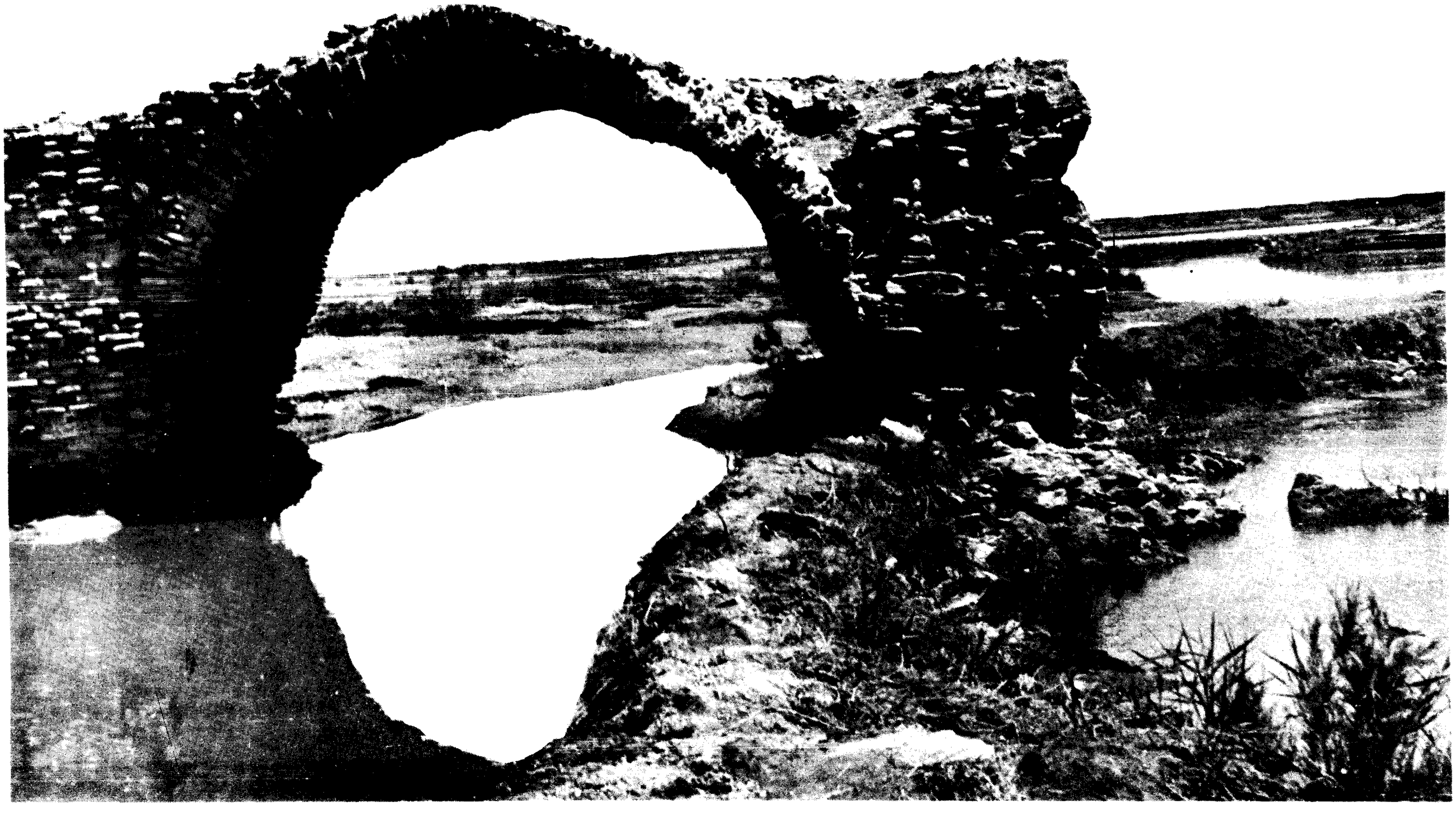

شکل ۲۸- پل دلاك



شکل ۲۹- خرابه‌های پل دلاك



شکل ۳۰- کاروانسرای پل‌دلاك نمای جنوبی



شکل ۳۱- کاروانسرای پل دلاک - خرابه های قدیم

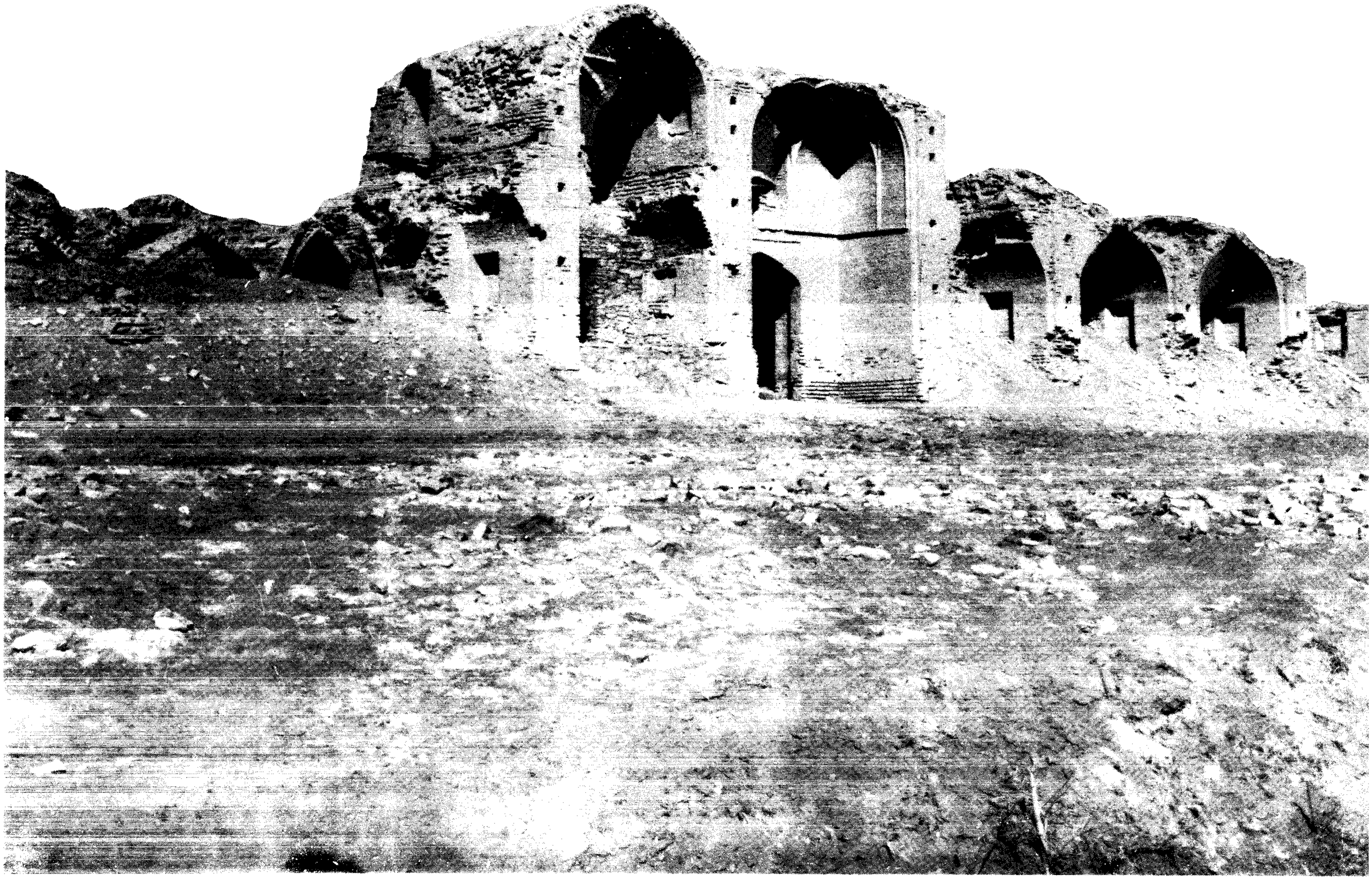

شکل ۳۲- قلعه خرابه پل دلاك



شکل ۳۳- کاروانسرای حوض‌سلطان حیاط داخلی



شکل ۳۴- کاروانسرای حوض‌سلطان حیاط داخلی

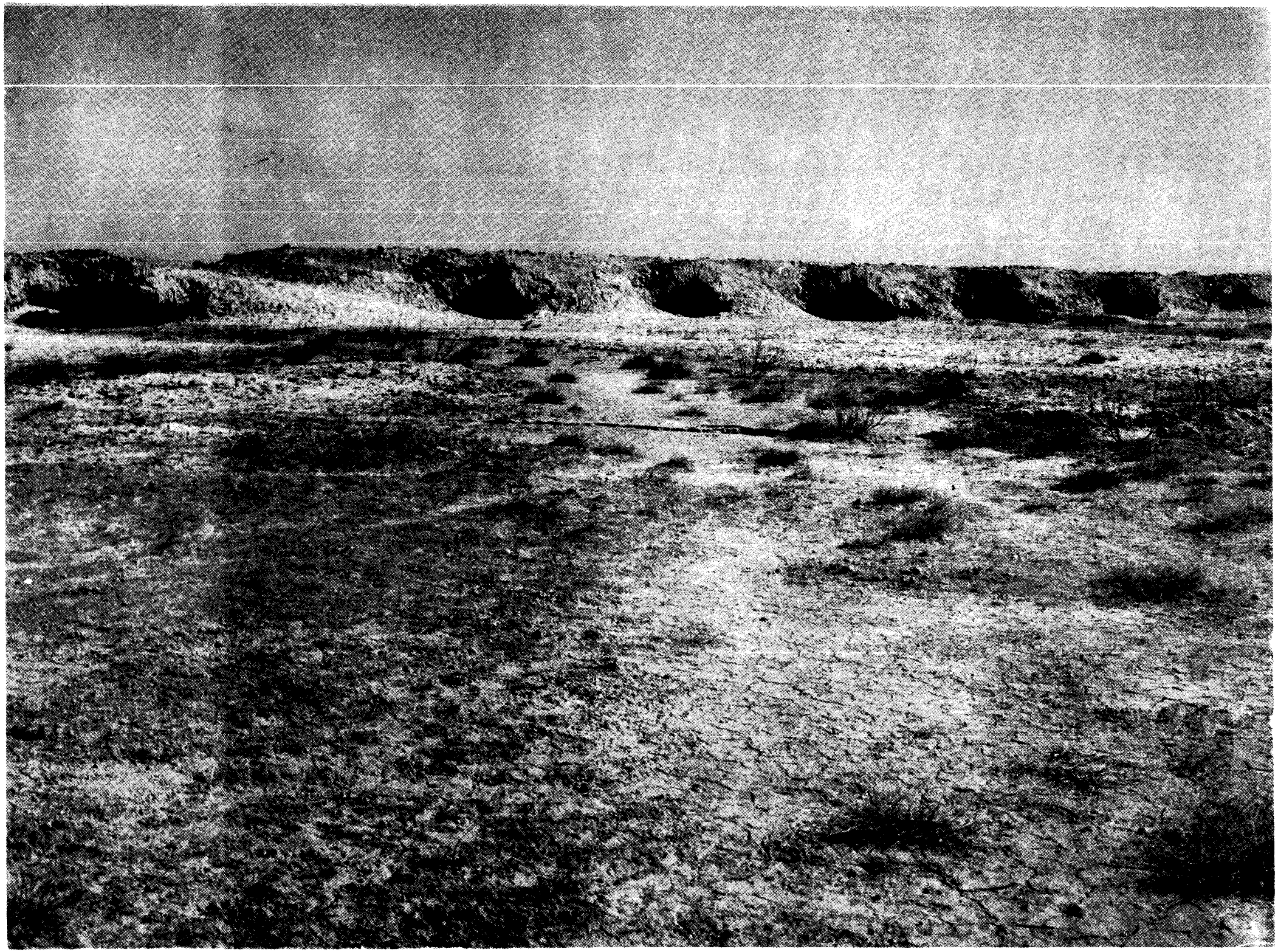

شکل ۳۵- پل مخروبه ساسانی نزدیک محمدآباد کاج

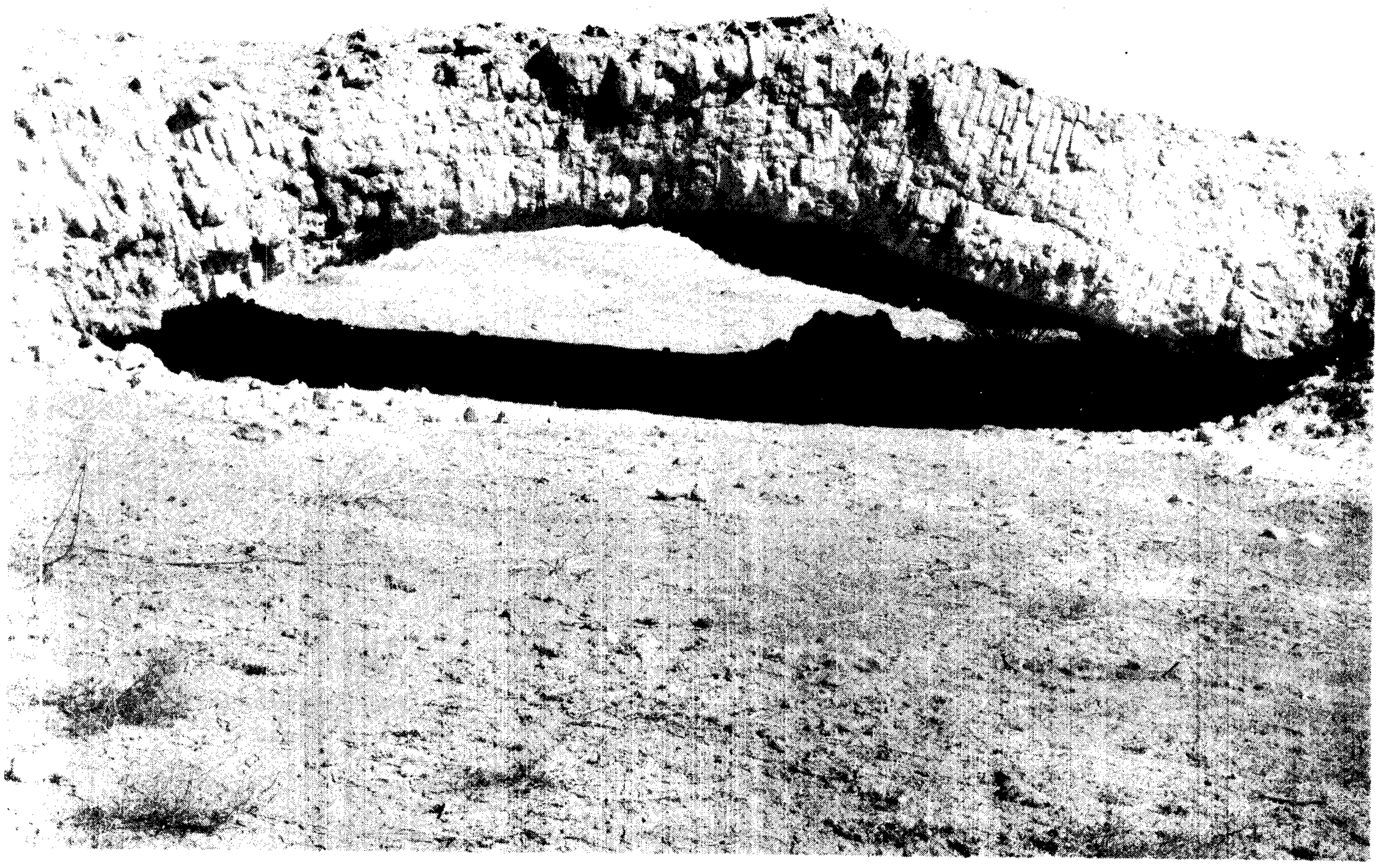

شکل ۳۶- دهنه آجری پل‌ساسانی درمحمدابادکاج



شکل ۳۷- نمای قلعه گلی محمدآباد کاج

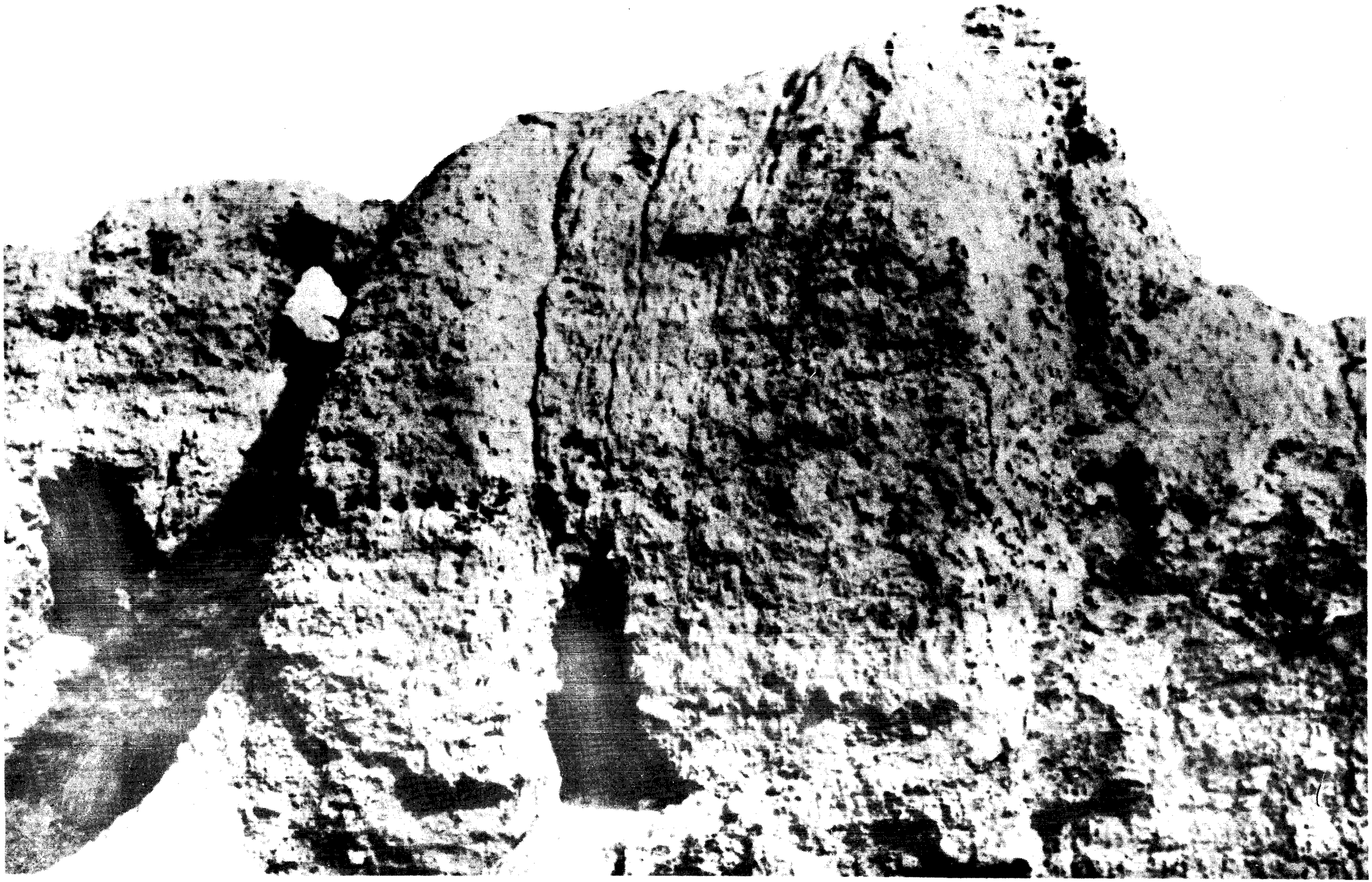

شکل ۳۸- بدنه قلعه گلی با تعمیرات

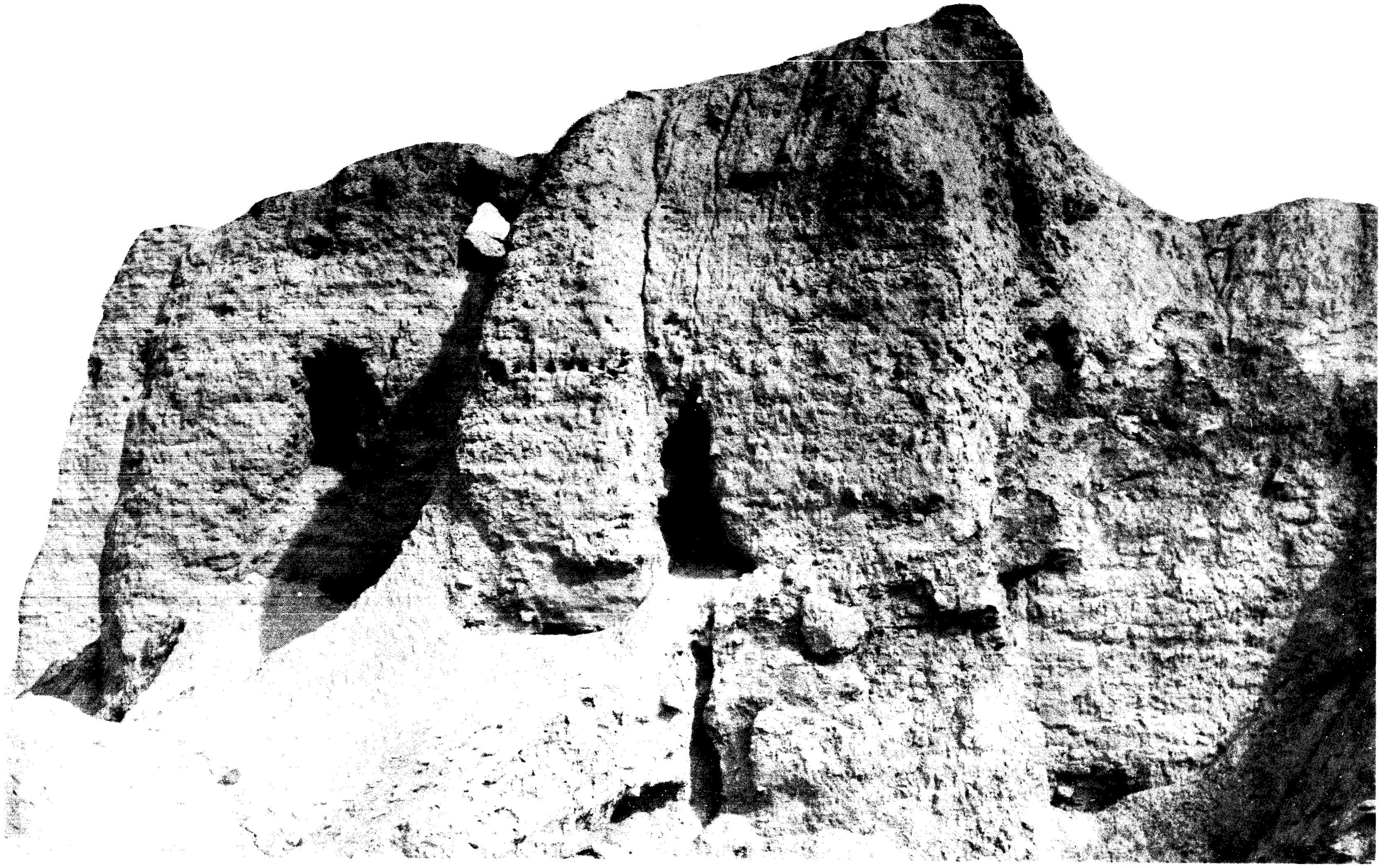

شکل ۳۹- اطاقهای مخروبه قلعه گلی

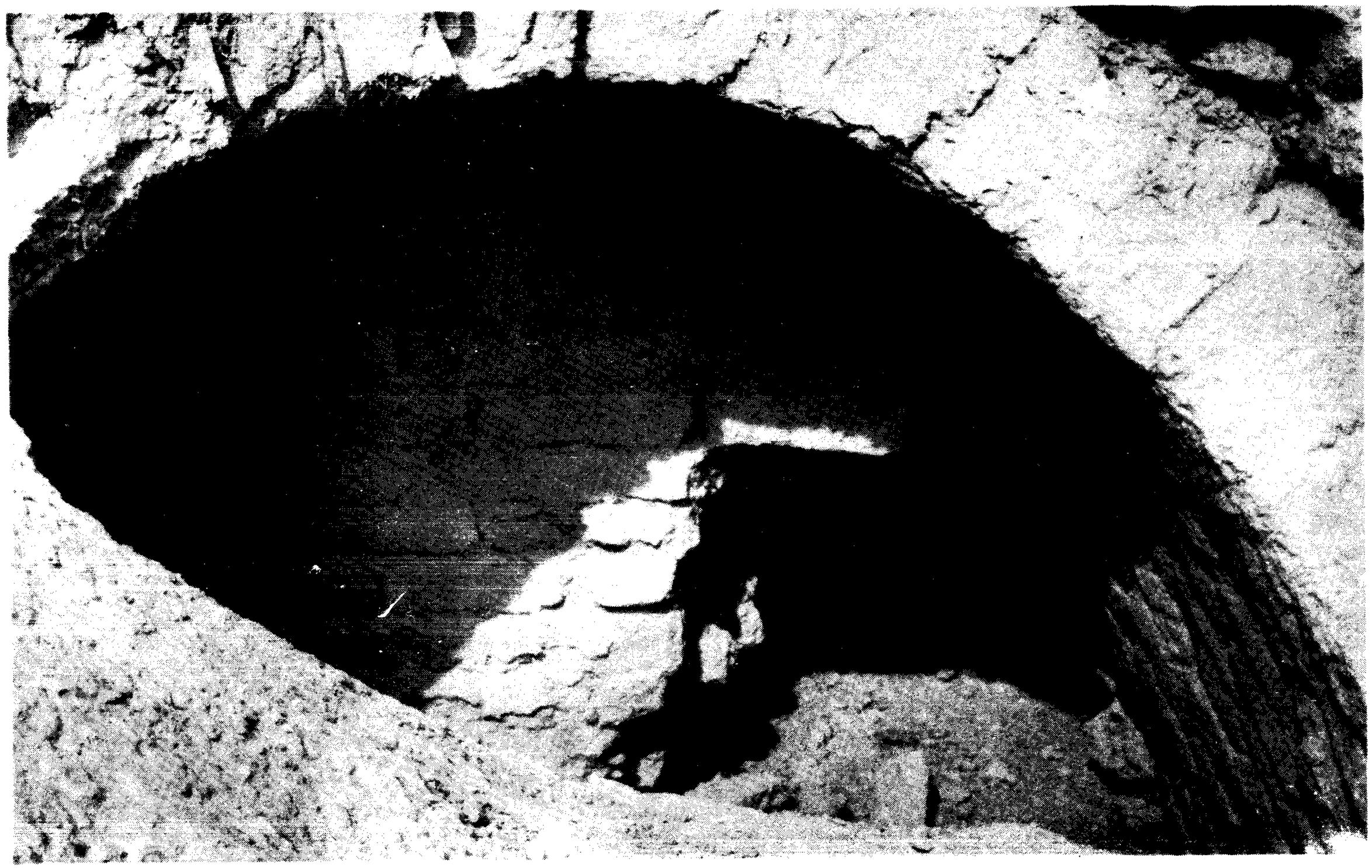

شکل . ٤ـ خشت های قطور قدیمی درقلعه گلی

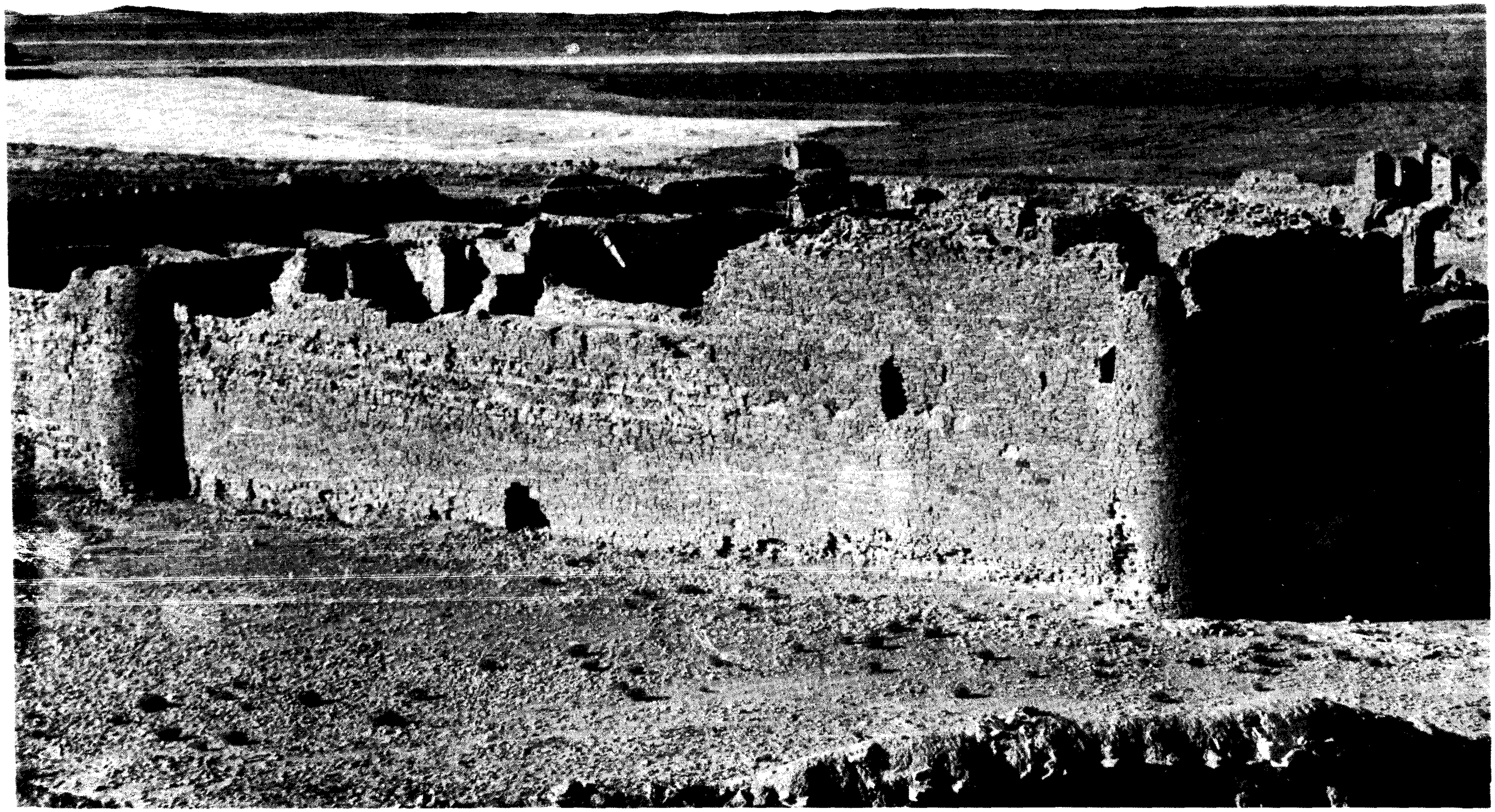

شکل ۴۱- قلعه سنگی محمدآباد ناج



شکل ۴۲- نمای بدنه قلعه سنگی محمدآباد



شکل ۴۳ـ داخله قلعه سنگی محمدآباد



شکل ٤٤- دروازه اصلی قلعه سنگی - قلعه گلی درعقب

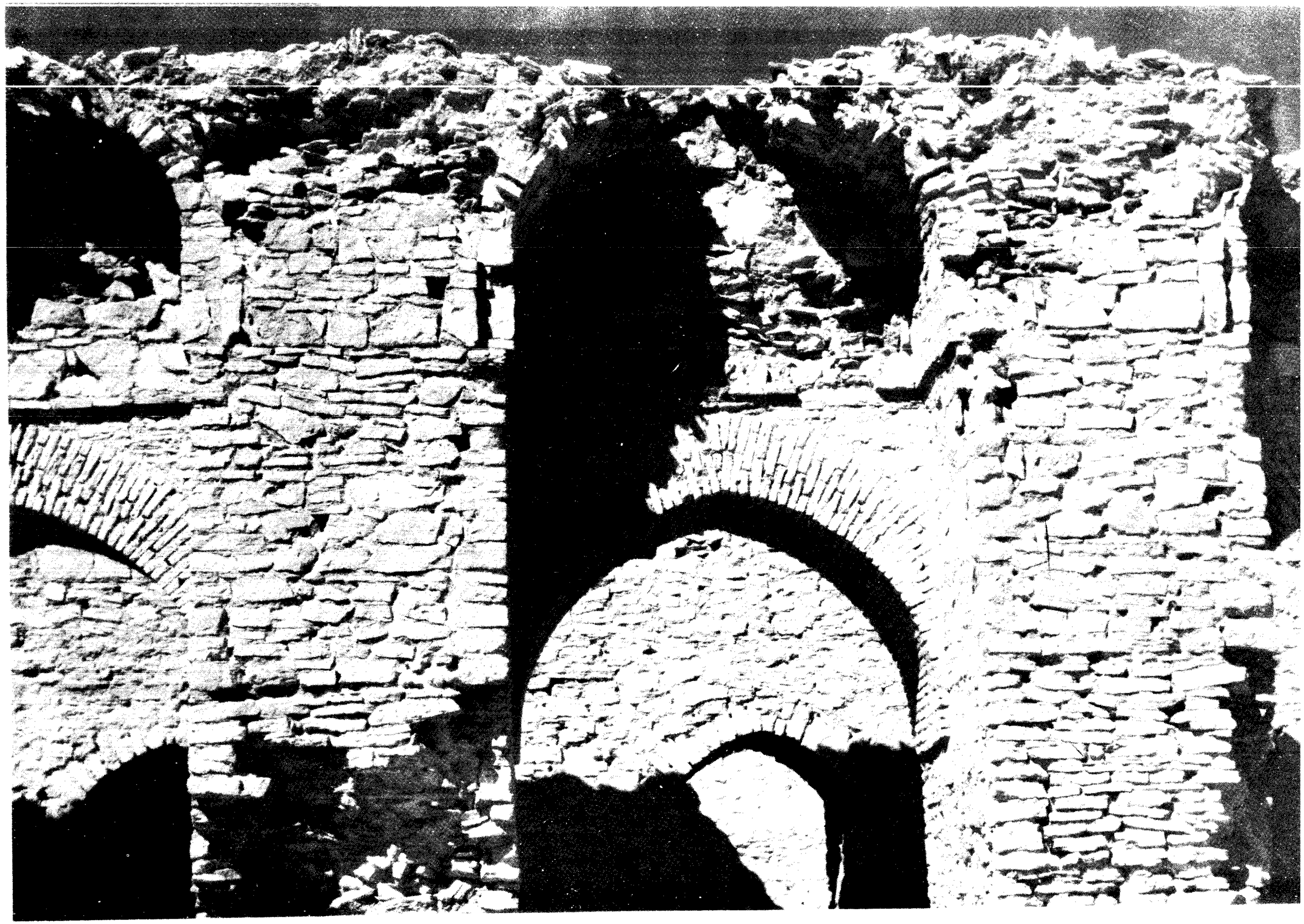

شکل ٥٤- طاق‌نما واطاقهای قلعه سنگی

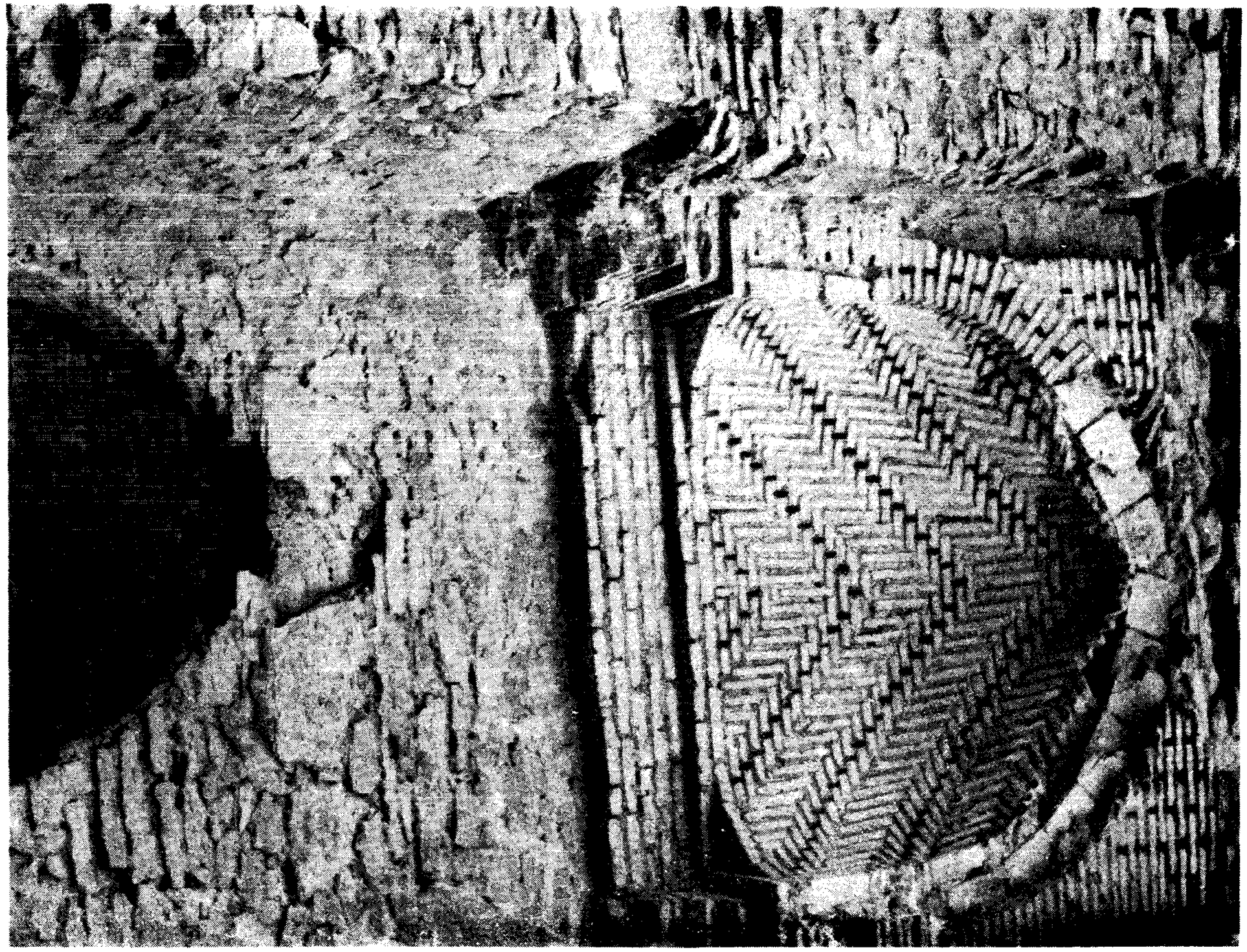

شکل ٤٦- آجر وسنگ دربنای قلعه سنگی



شکل ۴۷ـ مدخل کاروانسرای دیر

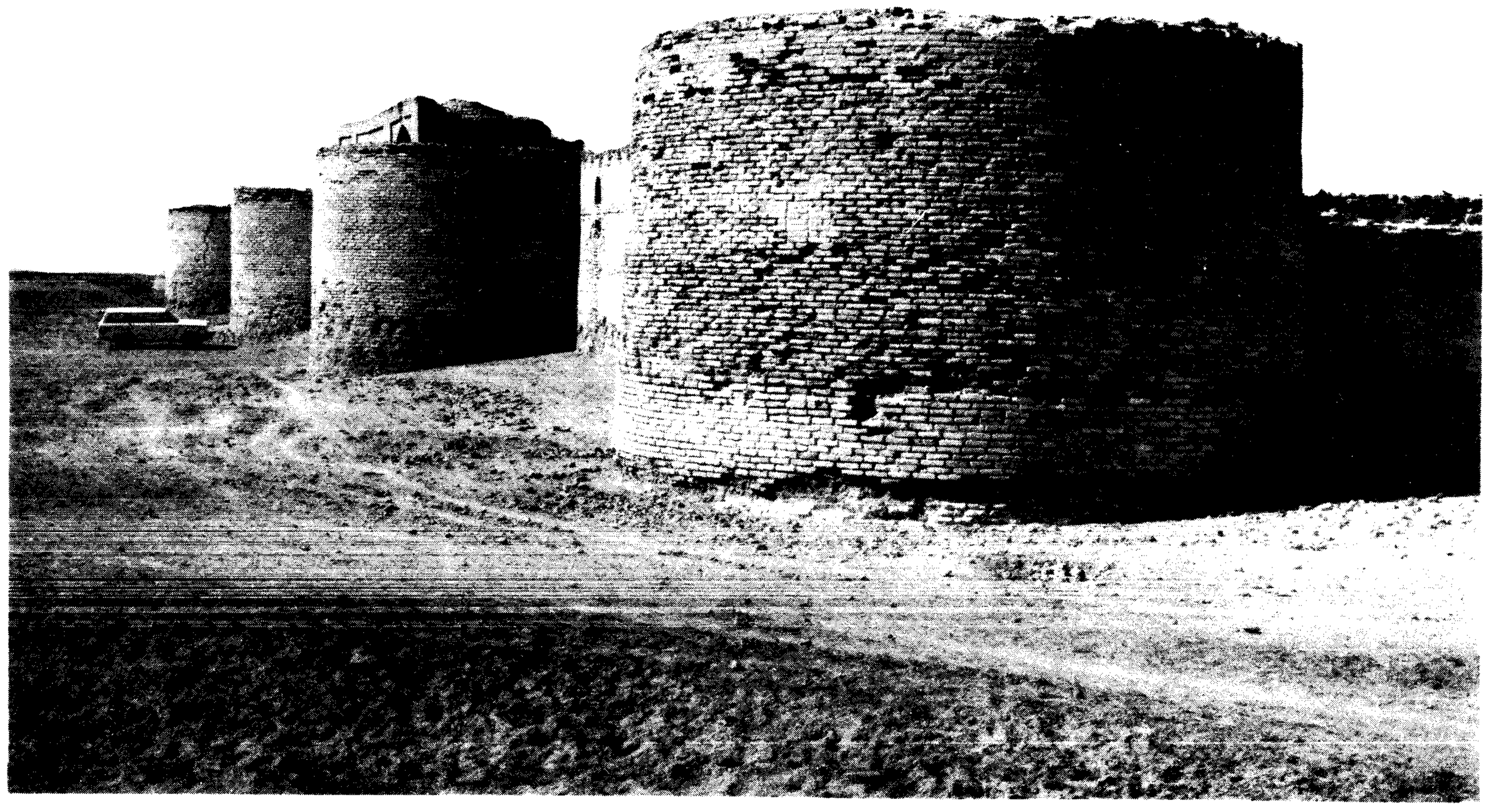

شکل ٤٨- برجهای کاروانسرای دیر

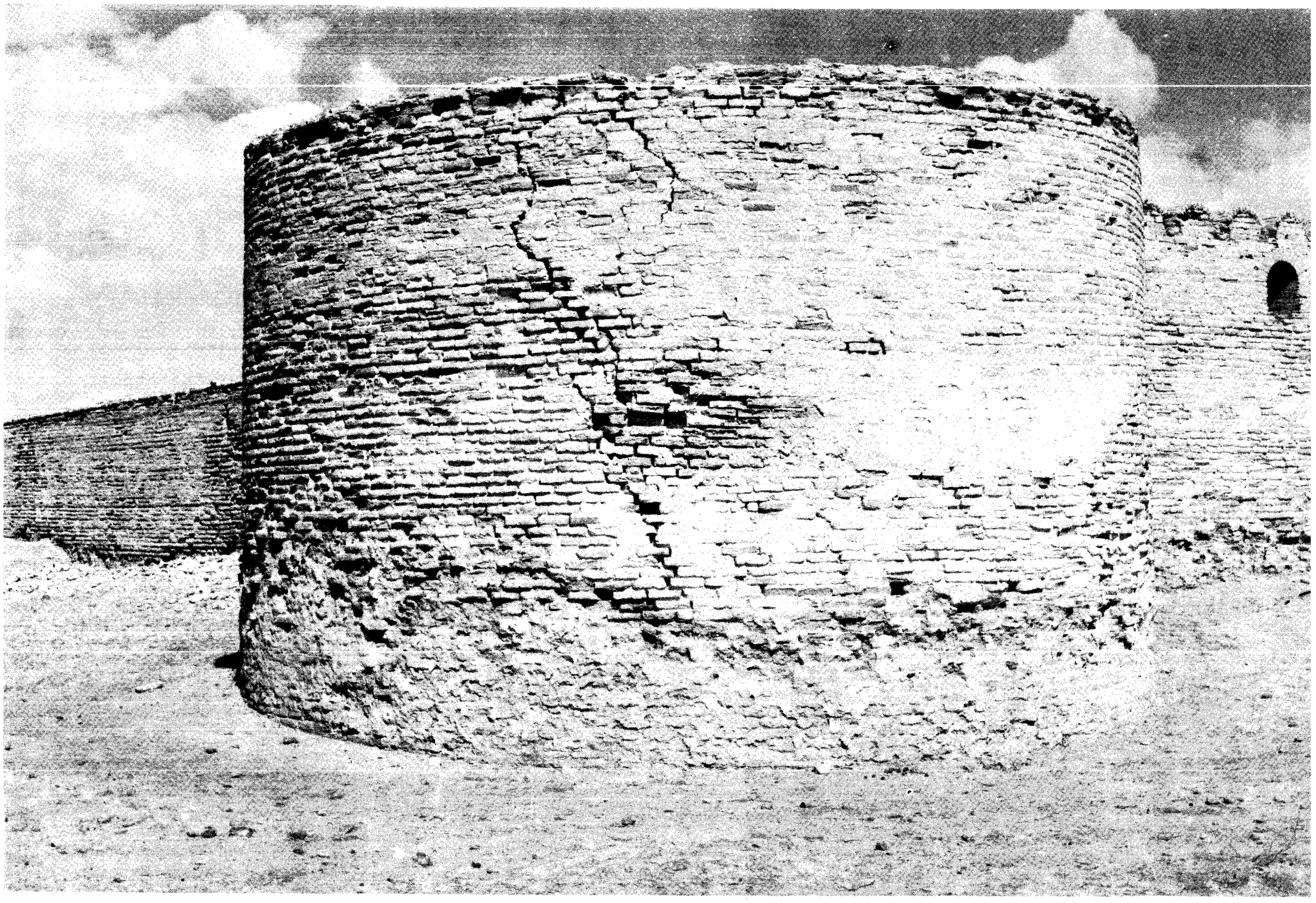

شکل ۴۹- برج گوشه در کاروانسرای دیر

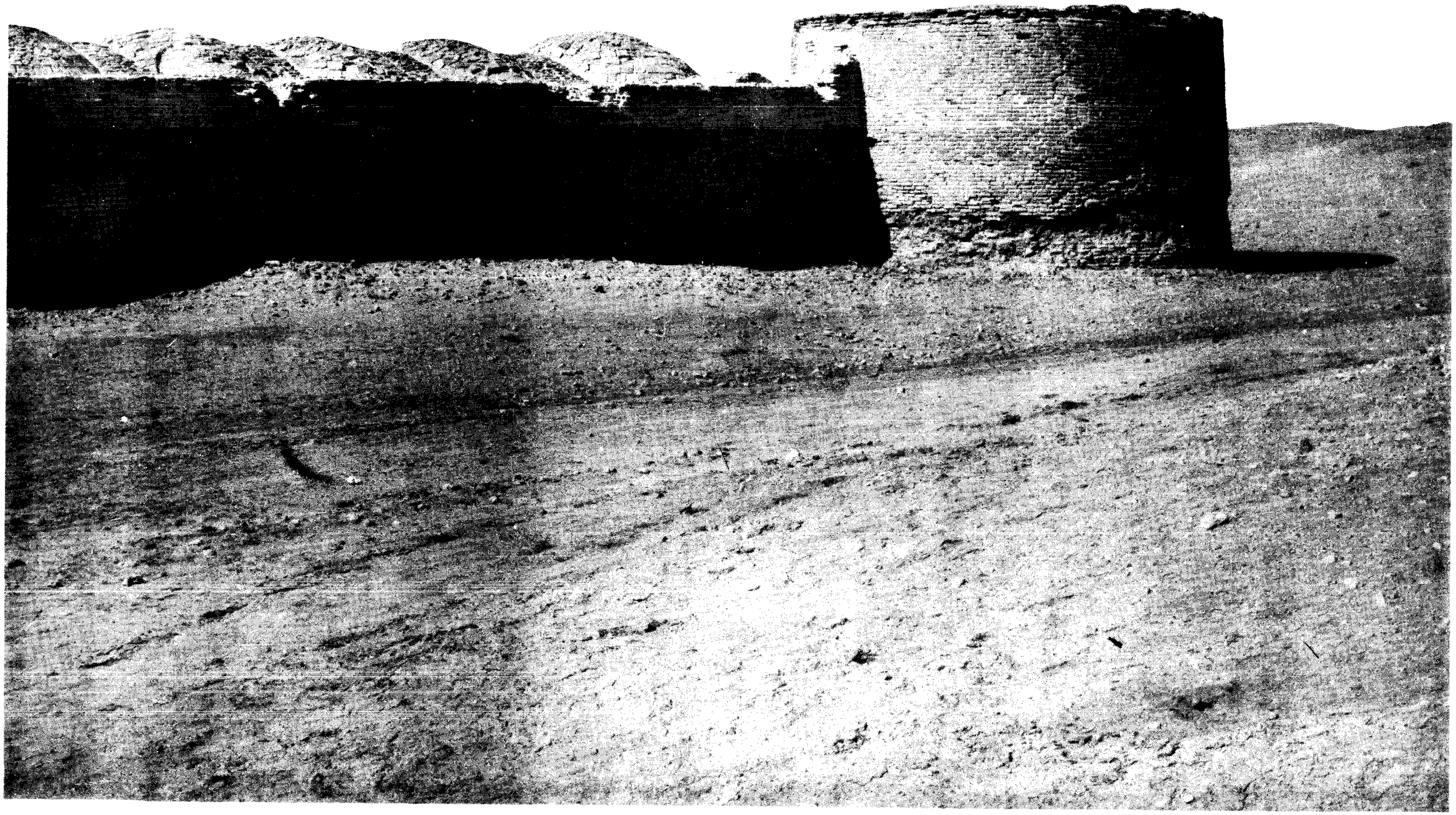

شکل ۵۰- بدنه خارجی ودیوار قدیمی کاروانسرای دیر

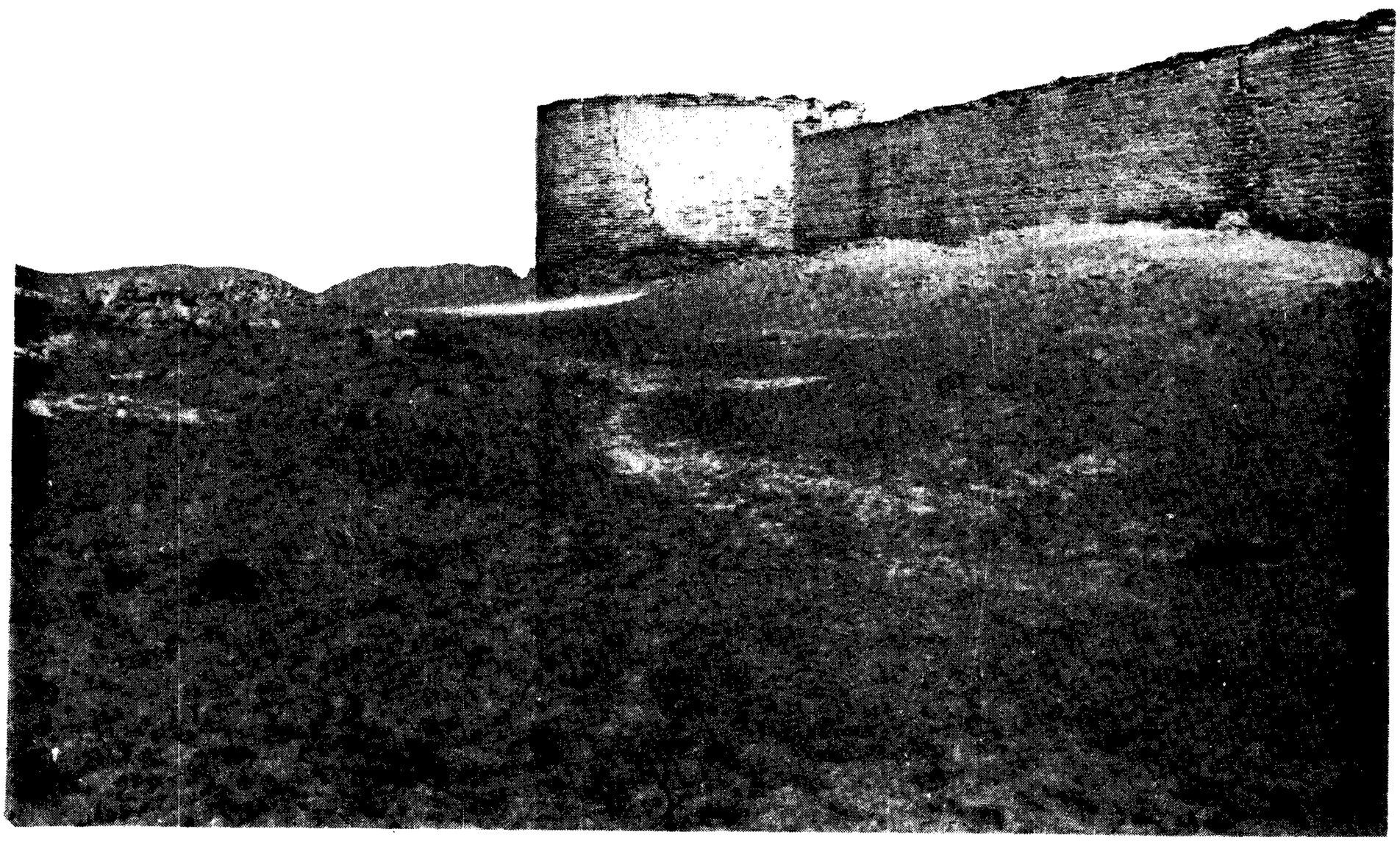

شکل ۱ ه- کاروانسرای دیرخرابه های بیرون قلعه



شکل ۲ ه- آجرهای قطور درپایه های کاروانسرای دیر

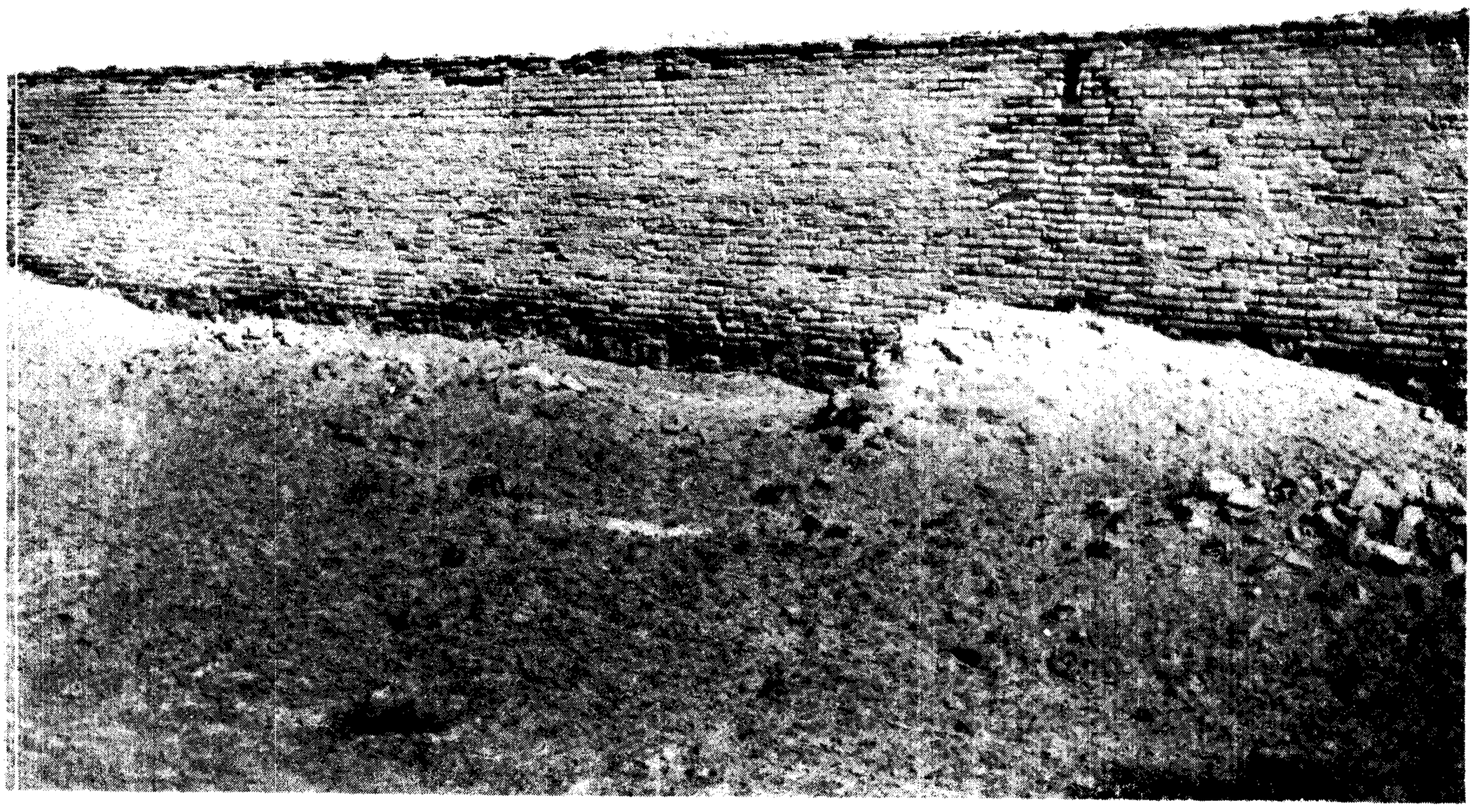

شکل ۳ ٥- دیوارقدیم وجدید در کاروانسرای دیر

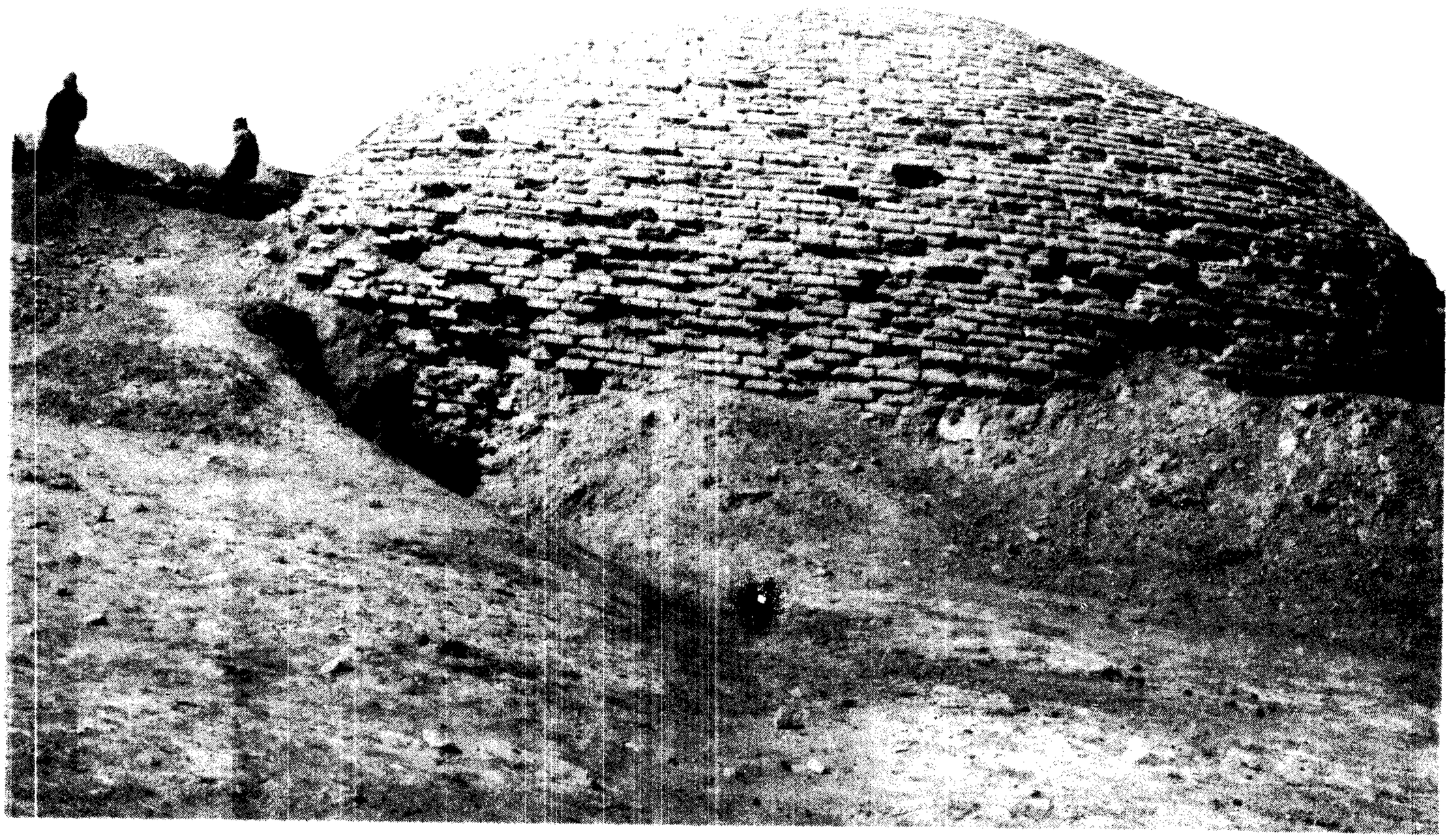

شکل ٤ ٥- آب‌انبار بیرون کاروانسرای دیر



شکل ۵۵- خرابه آب‌انبار قدیمی در دیر



شکل ٥٦- آجرهای بزرگ پیش از اسلام درسقف آب‌انبار تازه

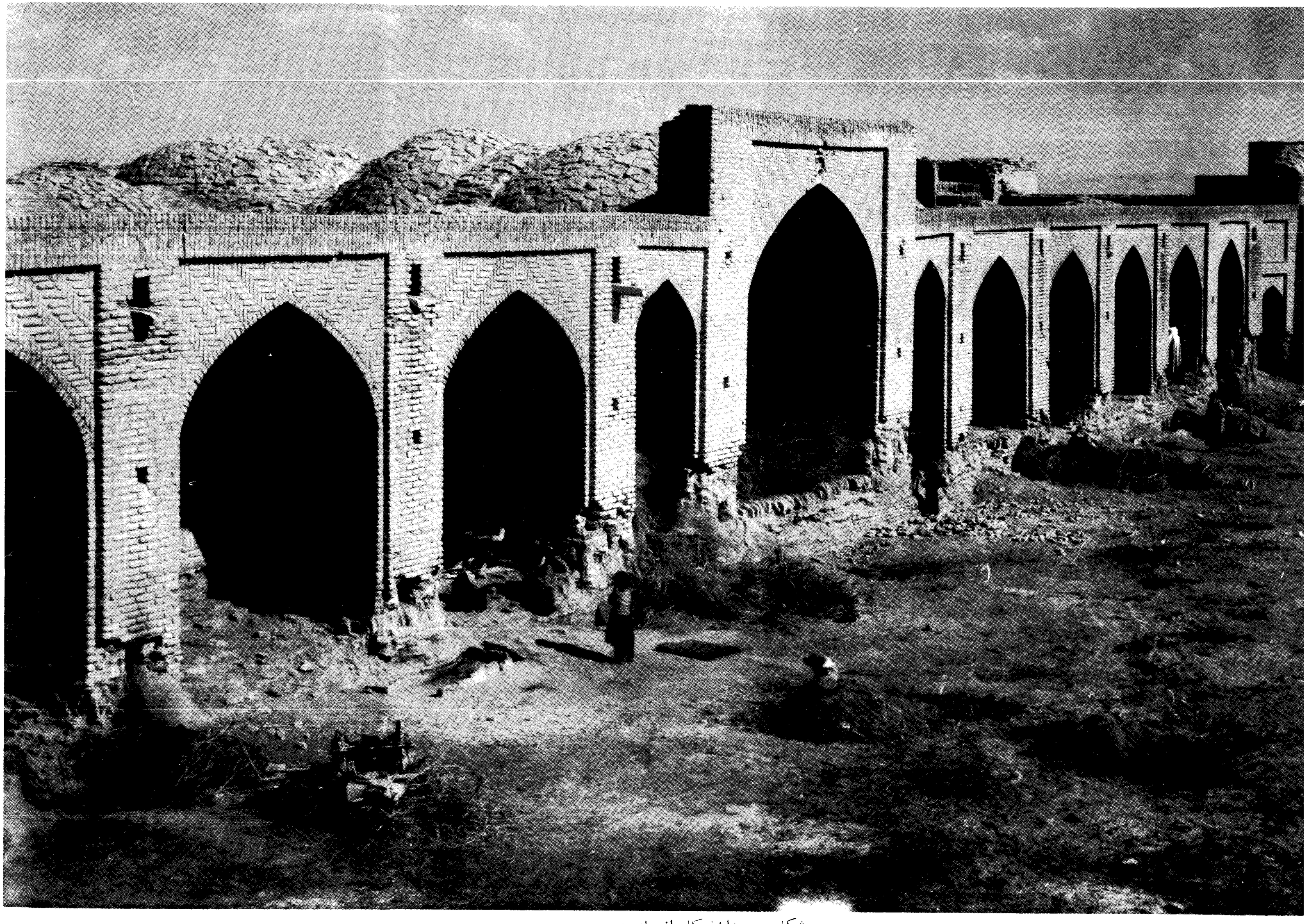

شکل ۵۷- داخل کاروانسرای دیر

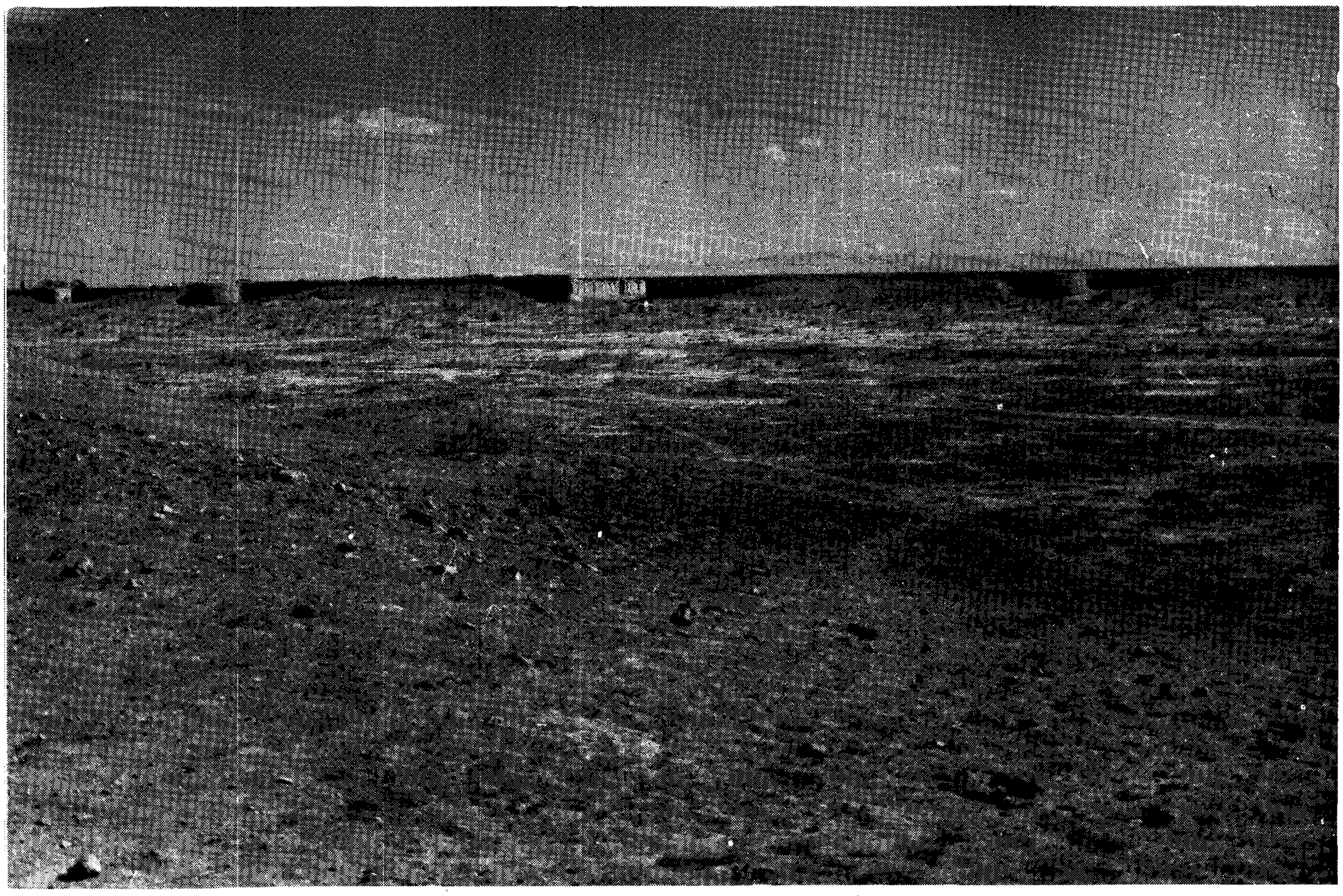

شکل ۵۸- قلعه گلی مجاور داروانسرای دیر



شکل ۵۹- راه قدیم شمالی ازدیر به‌دزه



شکل ۶۰- چشمه سفیدآب

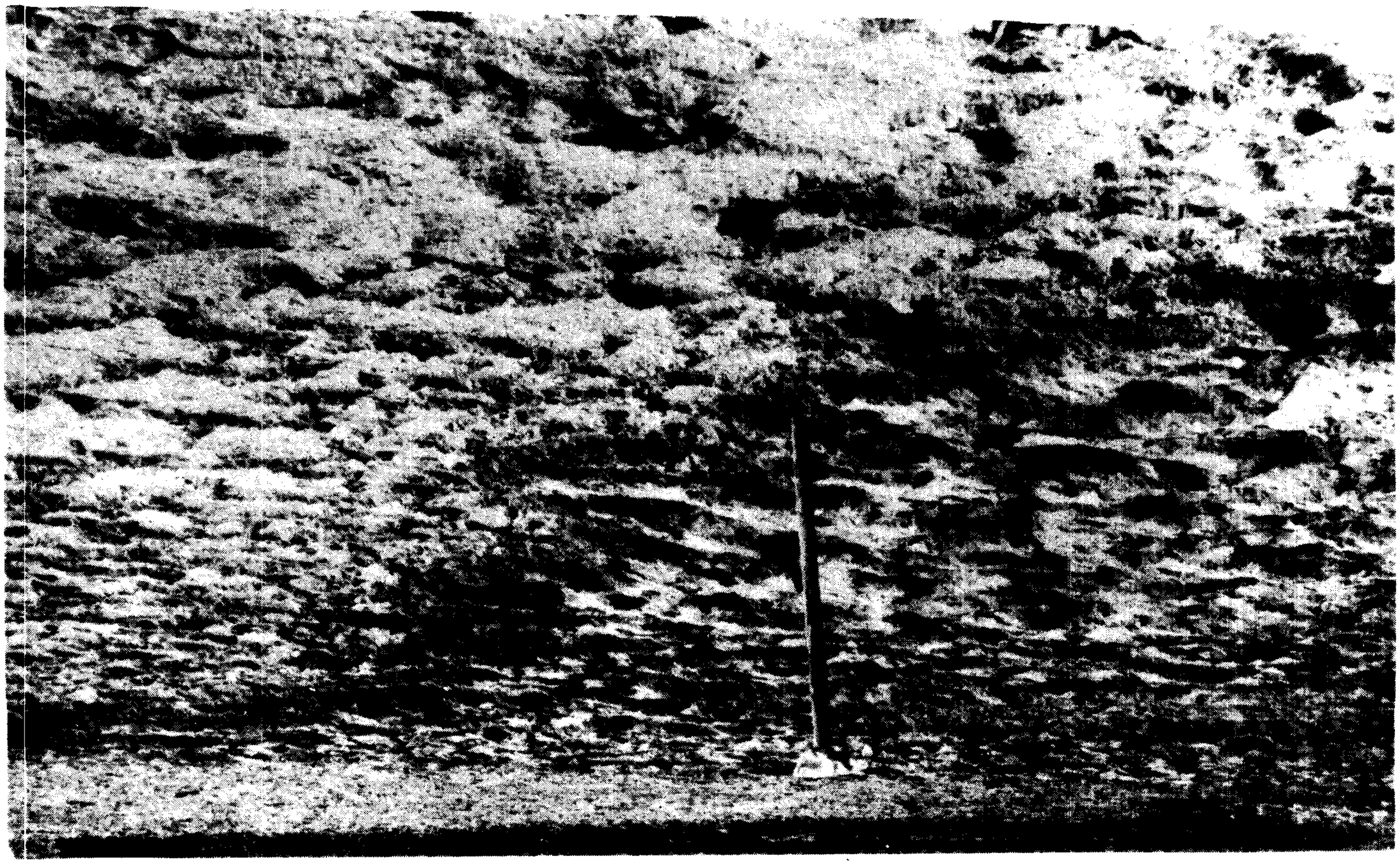

شکل ۶۱- کویر زرده درسفیدآب



شکل ۶۲- کویرهای جنوب دریای مسیله

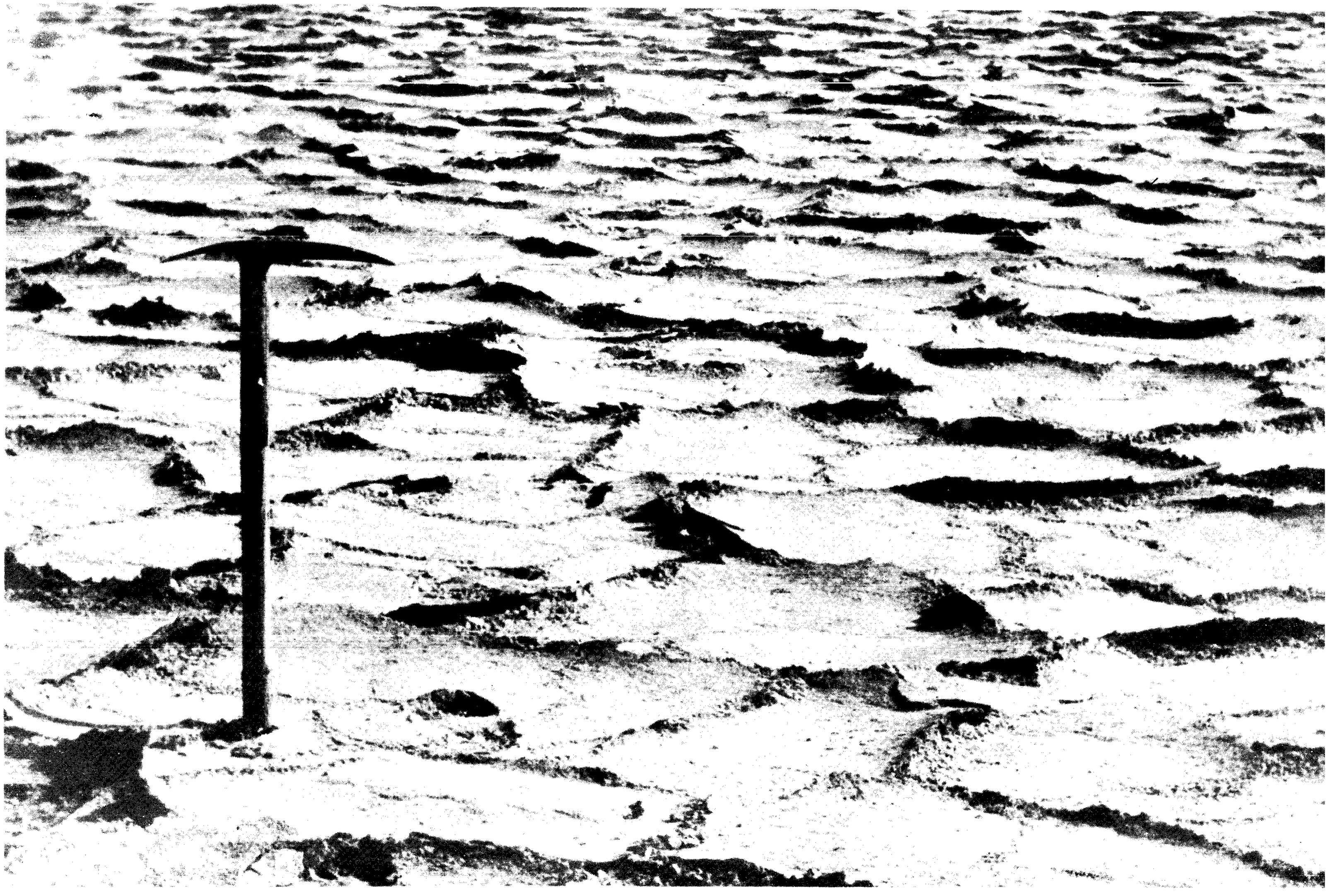

شکل ۶۳- کویر چند ضلعی درجنوب مسیله

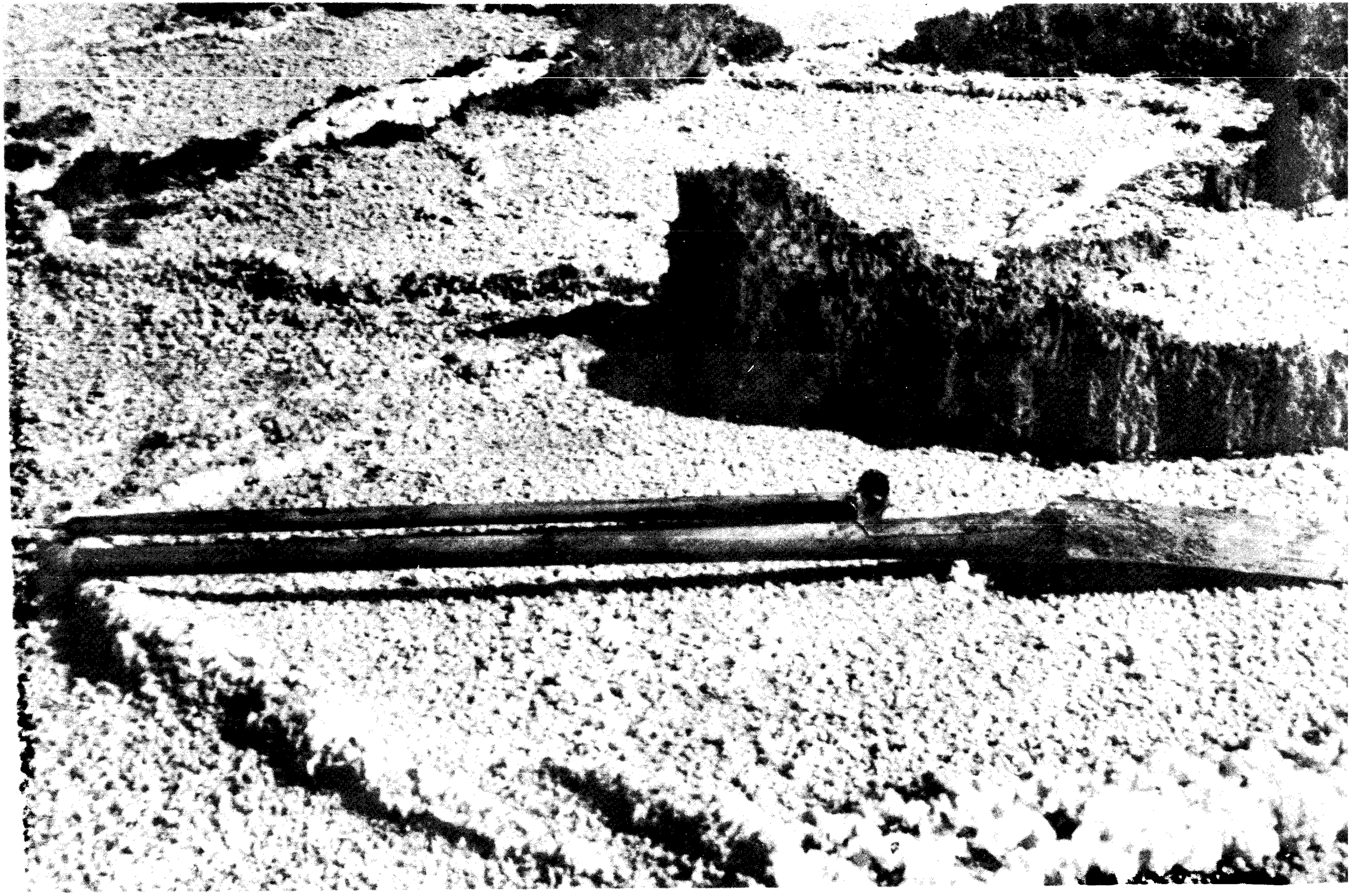

شکل ٦٤- کویر کاسه درجنوب مسیله



شکل ٦٥- حوض سلطان درفصل زمستان

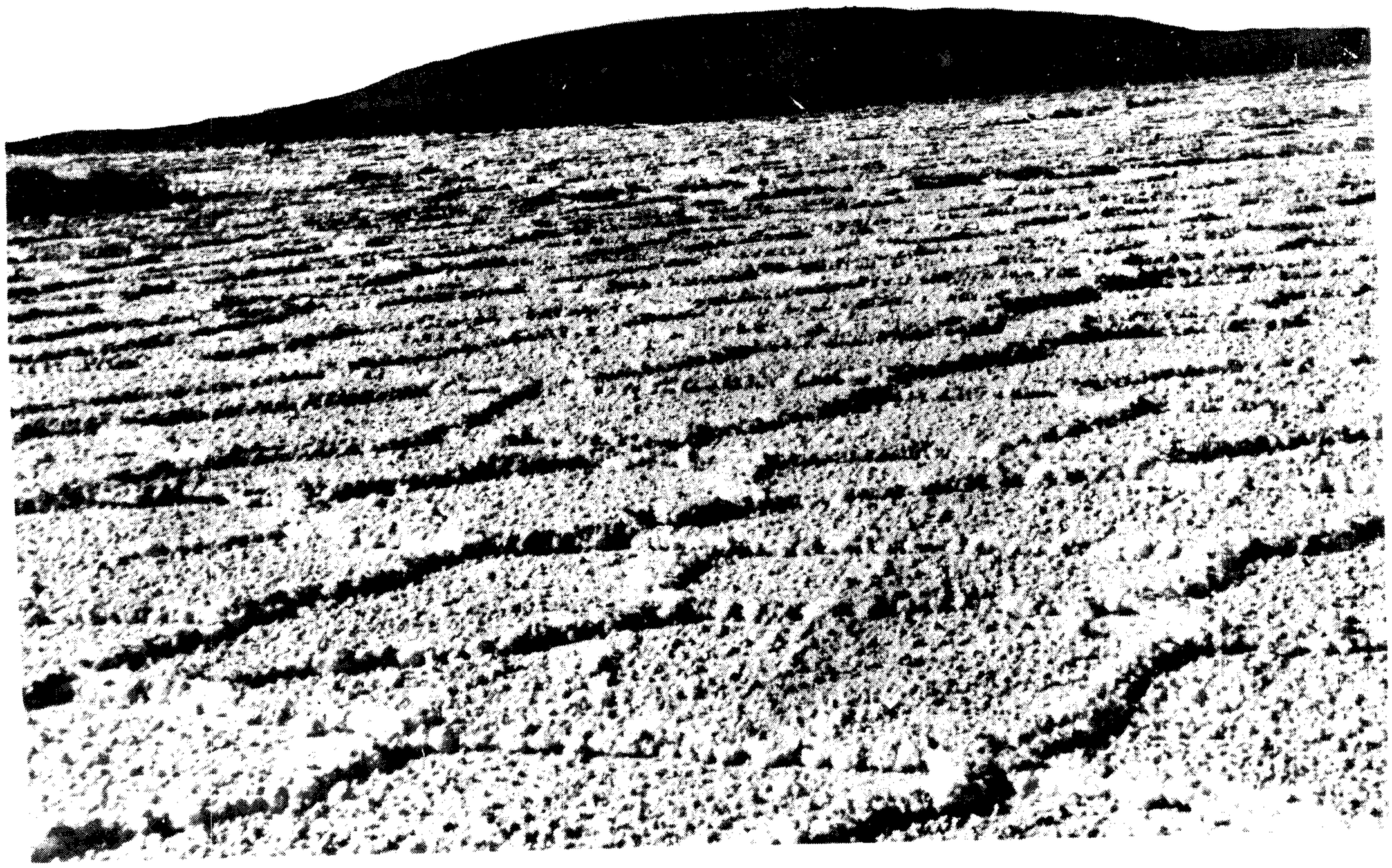

شکل ٦٦- کوه سرگردان درجنوب دریای مسیله

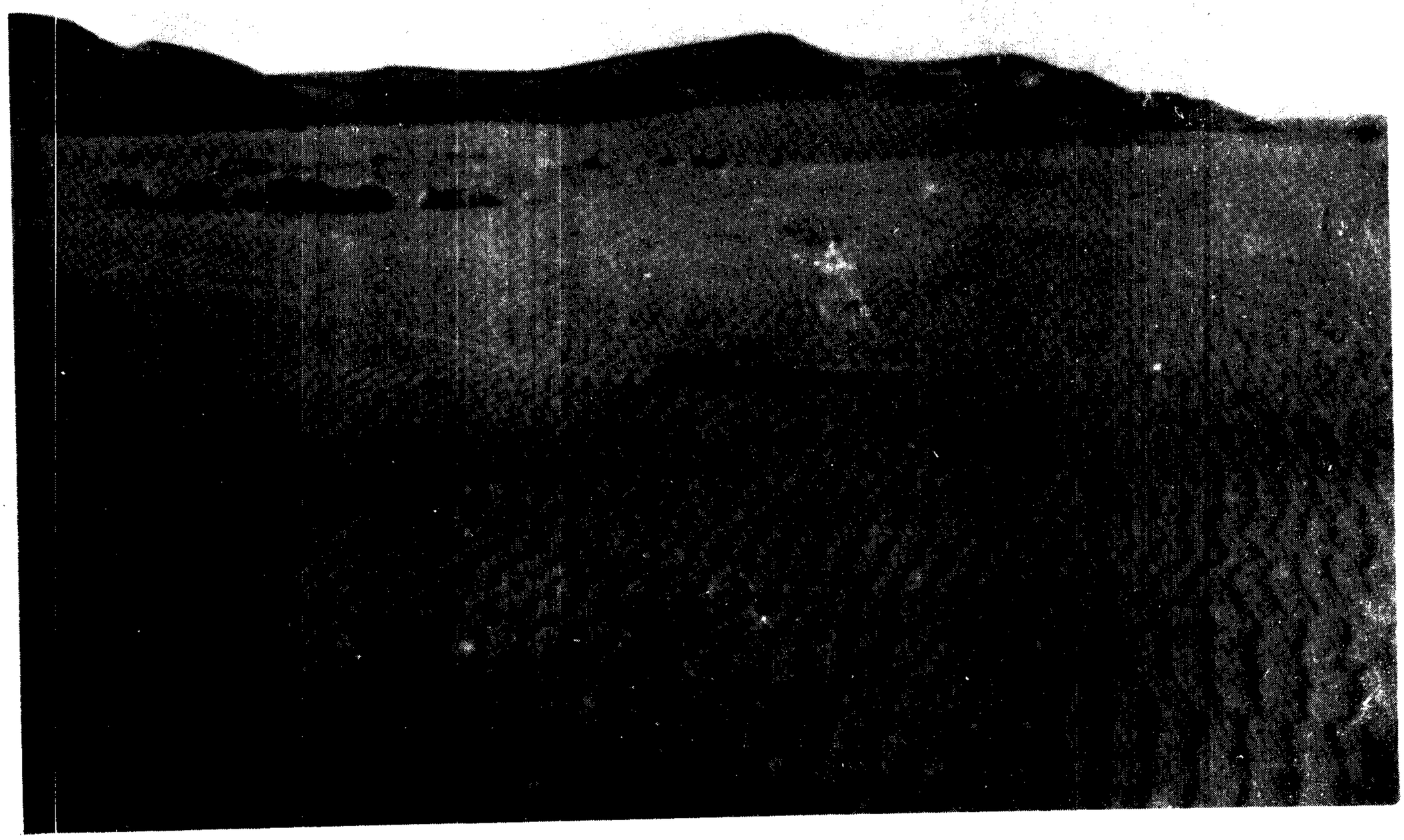

شکل ۶۷- ماسه های روان بین مرنجاب وسفیدآب

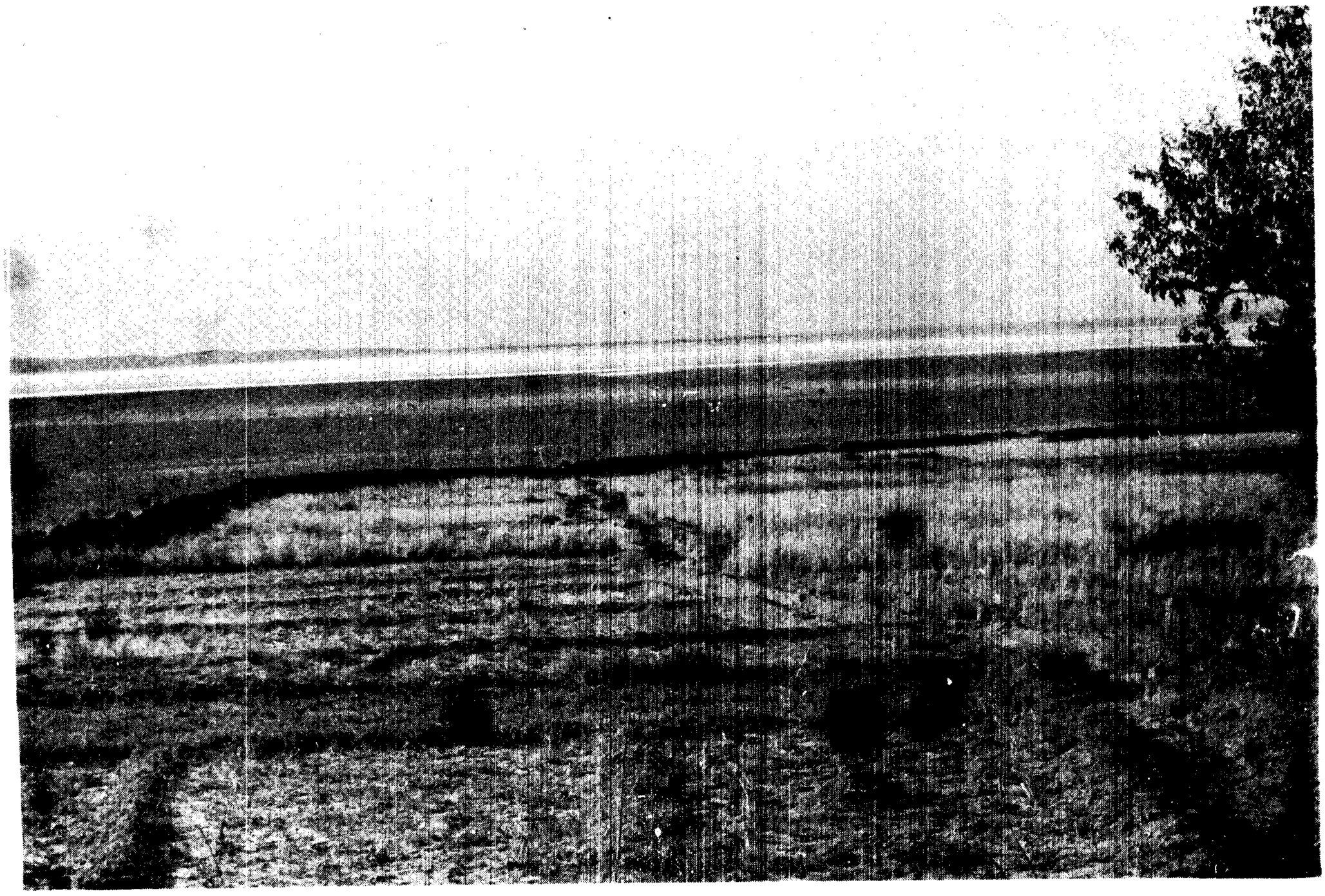

شکل ۶۸- مزرعه مرنجاب وجنوب دریای نمک